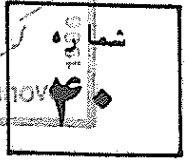




سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پیام کارگر



بها ۶۰۰ ریال

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه دوم اسفندماه ۱۳۶۷

بهاران دگر

بهاران خجسته باد!



درسرا سرتا ریخ وپینه هائی که درخا طسر مردمان بیادگار نقش بسته و نیز درتاریخ مکتوب و آنچه سینه به سینه نقل شده جنگ میان ستمدیدگان و ستمگران در هزاران چهره رخ نموده است. عرصه این نبرد از آوردگاه سرا سررنج و دردتولید تا دورترین اقصای فرهنگ و رسوم گسترده بوده و در نهایت گوناگونی و تنوع بی پایان - چه آنجا که لباس شعروغزل و ترانه درآمده، یا به نجوائی درگوش کودکی زمزمه شده یا چون هجای آهنگینی درفضای کاروکارگاه به ترنم درآمده و یا صریح بی هیچ پیچ و تاب و زورمیزی بربرجمهای سرخی که برفراز امواج انسانی معترض و مهاجم به هتزار درآمده نقش بسته است، - حماره بیان آشتی ناپذیری ایندو جبهه و اجتناب ناپذیری این روند تا ساختن

در صفحه ۲

خجسته باد ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

ضمیمه شماره ۴۰ لیست اسامی ۱۴۰۰ زن شهید

مقام زن در اسلام در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن در صفحه ۲

ورشکستگی اقتصادی و استقرار خارجی

نامه ای از ایران... در صفحه ۵

جبهه خلق در پرو پس از قریب به یکسال کارمقدماتی، نخستین

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی جمهوری اسلامی و گردن نهادن ما بحیان هیستری جنگ افروزی به آتش بس - این جا مژهرت موجد "تغییری اساسی" در حکومت جمهوری اسلامی گردید، چه "جنگ مقدس" که از مدتی پیش به "دفاع مقدس" تبدیل شده بود، اینک میرفت تا در پوشش "ملح مقدس" رقم زنده حیات سیاسی حکومت فقها گردد. بآزمازی مقدس "از جمله اعوان و انصار" "ملح مقدس" بود که می با بست "ایرانی های مقدس" جنگ را ترمیم کند و زخمهای اقتصادی را مرهم نهد. اما اگر جنگ را میشد با فتوای جماران و مسامحت برادران فعال دربارهای سایه تسلیماتی غرب، بگونه ای مقدس، پیش برد، بازسازی اقتصادی در نقطه مقابل، چندان به فتوای جماران و راه حذب الهه بسته نبود، جمهوری اسلامی بمنظور بازسازی اقتصادی، محتاج وجوه کلان ریالی و ارزی بود و این

نقد فیلم: در صفحه ۶

کنگره "جبهه متحد" از تاریخ ۱۸ تا ۲۳ ژانویه سال جاری در شهر هو ما پانی - نزدیک لیماسان - پایتخت پرو - برگزار شد، نتیجه، این کنگره، بنیادگذاری یک "جبهه خلق" متشکل از هفت حزب و شمار بزرگی از فعالین گروهها و سازمانهای اجتماعی گوناگون بود. "جبهه متحد" تاکنون چیزی بیش از یک ائتلاف انتخاباتی نبود که از زمان برگزاری انتخابات پارلمانی در سال ۱۹۸۵، دومین فراکسیون بزرگ پارلمانی - پس از فراکسیون حزب "اتحاد انقلابی مردم آمریکا" (ARPA) - یعنی حزب حاکم برهبری آلان گارسیا رئیس جمهور فعلی

"مهمانان هتل استوریا" در صفحه ۱۱

در صفحه ۱۲

در صفحه ۱۵

اعلامیه کانون نویسندگان ایران درباره سلمان رشدی در صفحه ۱۱

افشای جاسوسی علیه پناهندگان ایرانی در صفحه ۳

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!



اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت

۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۸ مارس ۱۷ اسفند روز جهانی زن را به زنان ستمدیده ایران، به عموم مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم بویژه زنان کمونیستی که در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه از محله و کارخانه تا سیاه چالهای رژیم حمله می آفرینند، تبریک می گوید.

از ۷۹ سال پیش بدینسو، روز جهانی زن، روز جهانی بزرگداشت قهرمانی زنان با رجه باف نیویورک، همواره انگیزه ای بوده برای تشدید مبارزه در راه آزادی زنان ازستممافعی که برآنان اعمال میشود و توسط نظام مبنی بر استبداد دواستما ریاسداری میگردد. اما در ایران درینستد ولایت فقیه، بیش از هر کجای دیگر، این روز، روز مبارزه تا به آخر علیه قدرت دولتی است. چرا که تحکیم سارت زن، به آشکارترین شکل آن، یکی از پایه های اصلی رژیم جمهوری اسلامی است. ایدئولوژی ولایت فقیه که چیزی جز بیابان مریخ بی حقی عمومی و نفی تمام و کمال آزادی نیست، بویژه با تحقیر زنان بسنا به جنس و شهروند درجه دوم مشخص میگردد. در جمهوری اسلامی، زن هویتی جز بزاروخوشی مرد و وظیفه ای جز تولیدمثل ندارد. در این نظام مبنی زن موجود "ناقص العقلی" بشمار می آید که با دیدیش از پیش از فعالیت اجتماعی خارج شده و به گوشه آشپزخانه و چاه ریویار حرمسارانانده شود، چرا که خروج وی از بستو حایلی جزا شاعه "فتنه و فساد" در جامعه ندارد! زن آزاده و همدوش با مردان، همواره تهدیدی جدی علیه رژیم قرون وسطائی ولایت فقیه بوده است. از همین روستا ریخ ده ساله حاکمیت فقیها، قبل از هر چیز تا ریخ سرکوب و حشانه زن است. در لحظه لحظه این دهه سیاه قدرت دولتی تمام امکانات خود را اعمال کرده و مبنوی بکار گرفته است تا بطور سیستماتیک و برپا مریزی شده زنان را از فعالیت اجتماعی محروم کرده و آنان را برای همیشه در پستوی حرمسراها زندانی نماید!

آری! در کشور ما مبارزه برای آزادی زن مستقیما با مبارزه برای سرنگونی رژیم فقیها گره خورده و یکی شده است. جنبش زنان برای رهائی، جزئی از مبارزه همگانی برای آزادی است و هرگز بدون آن راه بجائی نخواهد برد. به همین ترتیب جنبش زنان در کشور ما از آنچنان ظرفیت بالائی در مبارزه برای آزادی برخوردار است که هر جنبش واقعا انقلابی برای دمکراسی بسست حمایت قاطع جنبش زنان نیاز حایتی دارد.

درخواست

انجمن زنان ایران - کلن

انجمن زنان ایران - کلن لیستی از شهدای زن در جمهوری اسلامی را منتشر کرده است که بعنوان ضمیمه همین شماره بنظر خوانندگان پرسیده است. این انجمن برای تکمیل این سند تاریخی از همگان خواستار همکاری شده است. ما ضمن ستایش از این کار ارزشمند انجمن زنان ایران - کلن، متن درخواست آنان را منتشر میکنیم.

"این لیست با جمع آوری اطلاعاتی از گروه های سیاسی مختلف ایرانی و با آشنایان اعدا شدگان تهیه شده و احتمال دارد که اسمی در آن نیامده باشد. این مسئله بدون نظر قبلی بوده و از همگان خواهشمندیم در تکمیل و تصحیح لیست زنان مبارزی که در جمهوری اسلامی اعدام شده اند یا همکاری کرده و در صورت دردسترس داشتن اسمی غیر از آنچه که در لیست آمده، این اسم را بدون در نظر گرفتن وابستگی سیاسی و گروهی همراه با مشخصات کامل - اسم، نامیل، سن و در صورت امکان محل اعدام - به آدرس ذیل ارسال فرمایند."

با تشکر

انجمن زنان ایران - کلن

Iranischer Frauenverein
5000 Köln 1
Postlagerkarte
Nr. 039787 D
BRD

از محله ۱

بهاران دگر

دنیا شایسته که تنها و تنها کار و زحمت بر تخت نشیند و زحمتکشان بر آن فرمان برانند و دیگر هیچ!

آداب و رسوم و عیاد دنیا زاین قاعده مستثنی نبوده و اغلب شادی و سرور زحمتکشان غم و بیخاری و ترس ستمگران را حکایت کرده، یکی در طلب نسو ساختن و بزندگان نشستن، پنجره ها را بجانب نور و روشنائی، رویش و بالندگی گشودن، رو بیدن آنهمه غبار غم و رنج دست در دست دیگران به پای یکوبی برداختن و یگانگی و سرنوشت مشترک را تجربه کردن است و دیگری در بهترین حالت در پی پرکردن کیسه خود و "فروختن" اسباب شادی مردم و مالیات بستن بر شادی و سرور! وای که اگر شادی ستیزی و دشمنی با هر چه زیبا و زیبائی است جز نظام ایدئولوژیستیک، و ورزشی یک حکومت نیز با شد و گریستن و موی سس کردن و سیاه پوشیدن و بخاک سیاه نشستن نه تنها موهبت بل طریق رستگاری و "لقاء الله" و انمود کرده!

تا آستان بهار، تا آن زمان که تخم سمره زندگی می یا بدور زهای خاک آشکار میشوند چیزی باقی نمانده است. مردم میهن ما که پس از بیخیزیشان و در راه هیمائی سترگمان بسوی جهان دگر، به برکت حضور رژیم ولایت فقیه بعنوان یکی از کربیه ترین، فدا شانی ترین، شادی ستیزترین حکومتهاست تا می تاریخ، هنر و روز را با باری طاقت فرسا از دره و رنج و فقر و ویرانی و مرگ بیای میدارند و علی رغم مخالفت تمام معیار روسا زمانیا فته این رژیم فلاتک و مرگ، نوروز را گرامی داشته و به استقبال آن می شتابند و گوئی بر نواری قرمز سبزه های عیدشان می نویسند: ما جهانی دگر، بهارانی دگر می خواهیم! قاتلان خنده و سبزه و رویش، آنانکه کمر بسه قتل عامیک نسل بسته و نفس خود زندگان در تقابل با آنانست، در سالی که گذشت چه بسا از دلاورترین فرزندان خلق ما را به مسلخ بردند و زخمی التیام نیافتنی بر قلب ما شتاندند.

آنان که تمام می نقتلهای پلیدشان بسرای غلبه بر بحران و تثبیت حاکمیت ننگیشان با بن بست مواجه شده و هراس از خیزش طوفان یکدم رهاشان نمی کند، به قصدی آینده کردن جنبش مردم، مبارزان اسیرا گشتا کردند.

آنان میخاوندتوان استقبال از شکوفه های بهاری را با پرپر کردن هزاران شکوفه، هزاران کودک و پیر و جوان، از زنان زحمتکشان ما برپا بند. اما مردم ما همچنان که هر ساله علی رغم مخالفت تمام معیار و جنون حیوانی رژیم با نوروز، به استقبال بهار رفته و با شادی و پایکوبی عید ملی خود را بعنوان یکی از عمومی ترین، توده ای ترین اشکال مبارزه و مخالفت با حاکمان مرتجع بسنمائش نهاده اند، اما سال نیز با برگزاری جشن نوروز و عزت شان را برای زندگی، برای پاسداری از شادی و خنده برای نشان دادن نفرتشان از قضا بان شاط و زیبائی و بعنوان بیان آنرا از این حکومت ارتجاعی نشان خواهند داد.

به امید آنکه روزی مردم میهن ما بویژه کارگران و زحمتکشان با بگور سپردن نظام ولایت فقیه و ره سبار شدن بسوی نظامی دیگر، نظامی که به استعمار و ستم و غارت پایان بخشد، شادی و نشاط را بسرای همیشه مهمان شوند و نوروزشان بهارانی دگر ابرای همه بهارمان آورد.

مولوی: تخمی که مرده بود کنون یافت زندگی را زی که خاک داشت، کنون گشت آشکار

افشای جاسوسی

علیه پناهندگان ایرانی

روزنامه مه مه جریین که در سوئد منتشر میشود به نقل از روزنامه تریبون ژنو ۲۳ ژانویه ۱۹۸۹ مطالبی در مورد جاسوسی عوامل جمهوری اسلامی در سوئیس علیه پناهندگان مقیم آن کشور منتشر کرده است. مطابق گزارش مفصل روزنامه تریبون ژنو، مدارکی که طی حمله ایرانیا ن به کنسولگری جمهوری اسلامی در ژنو بدست آمده نشانگر اقدامات وسیع مزدوران فقها علیه پناهندگان است. بخشهایی از این مدارک که در زمان حمله به بیرون از کنسولگری پرتاب شدند، توسط پلیس به وزارت خارجه سوئیس منتقل شده که هنوز بررسی بر روی آنها پایان نیافته است. مطابق این مدارک که به نظر مقامات وزارت خارجه سوئیس حاوی دلائل زیادی در مورد اقدامات غیرقانونی مقامات سفارت جمهوری اسلامی است، علاوه بر گزارشتهایی که کنسولگری ایران در مورد پناهندگان شهید و پناهنده ایران ارسال میداشت، قرار بود که وکیل کنسولگری فهرست نام پنج هزار ایرانی موجود در بایگانی پلیس فدرال سوئیس را که از طریق غیرقانونی بدست آورده در اختیار کنسولگری قرار دهد. این اقدامات و مشابه آن که هر روز در تمامی کشورهای اروپائی و آمریکا صورت میگیرد رسواکننده رژیم است که با نقض آشکار تمام مقررات بین المللی به تعقیب و ترور مخالفان خود در تمامی کشورهای دست میزند. اگر مخالفان رژیم در کشورهای دیگر مورد تعقیب و حمله آدمکشان جمهوری اسلامی اندو هزار هزار آژانان هم در شکنجهگاهها کشتار میشوند، دیگر حق ایرانیا ن برای برخورداری از حقوق پناهندگی در همه کشورها، چه نیازی به اثبات و ارائه مدرک ندارد؟ و چگونه است که دولتهای با مصلحت آزاد متمدن، با اشکال تراشی های فراوان در این راه سنگ اندازی میکنند و بدتر از آن، چنانکه در موارد متعدد در کشور سوئد دیده شده، متقاضیان پناهندگی را دیپورت میکنند!

توضیح

هئیت تحریریه

این شماره پیام کارگر آخرین شماره سال ۱۳۶۷ است. "پیام کارگر" شماره نیمه اول فروردین ۶۸ بعطت مصافق بودن با عید نویز منتشر نخواهد شد و اولین شماره سال جدید در نیمه دوم فروردین ۶۸ عرضه خواهد شد.



دوره ان ما، طبقه کارگر تنها طبقه ای است که قادر است استوار و پیگیر برای دمکراسی و بنا بر این برای رهایی زنان از اسارت و بردگی جنسی بجنسد. جنبش انقلابی طبقه کارگر، مستحکمترین و واقعی ترین تکیه گاهی است که جنبش زنان میتواند به آن اتکاء کند و از آن نیرو بگیرد. همچنین نبرد کارگران برای رهایی بدون برانگیختن زنان، یعنی نسبی از جاسوس، نبرد عقیم بوده و نخواهد توانست کلیت بورژوازی و انواع رنگارنگ ارتجاع را به زانو در آورده و زیاده اندان تا ریخ پرتاب کند. جنبش دمکراتیک و انقلابی زنان در کشور ما، عمیقاً با نبرد برای سوسیالیسم گره خورده است و این دو جنبش باید یکدیگر را تقویت نمایند.

زوجیانی زن را در شرایطی بزرگ میدانیم که رژیم فئودالی و ولایت فقیه در دهمین سال حاکمیت سنگین خود، برای جلوگیری از ریزش پایه های ستم و بهره کشی، وحشیگری را به اوج خود رسانده، بدنیا ل اعداد هزاران شیرزن و وارد مرد قهرمان درسیا هجالیهای مخوف، به پناهنده "توهین" به اسلام و خاندان رسالت تعرض تازه ای را برای شدید سرکوب و تحکیم خفقان در سرتا سرکشسور آغا ز کرده است. و روشن است که چون همیشه، زنان اولین قربانی این بازی تلخ و مسخر خواهند بود.

این همه، اما، با ردیگر تائیدی است بر این حقیقت مسلم که بدون مبارزه قاطع و پیگیر علیه جنایات و فجایع جمهوری اسلامی و بدون سرنگونی آن، مطلقاً هیچ بهبودی در هیچ عرصه از زندگی نوده های ستم دیده حاصل نخواهد شد. برای گسستن زنجیرهای اسارت، برای پایان دادن به بردگی و ذلت و برای درهم شکستن حاکمیت سیاه ولایت فقیه بیایید. در این نبرد مرگ و زندگی، شما با طبقه کارگر و عموم محرومان و ستم دیدگان همدوشید. دست همستگران خود را بگیرد و صف نبرد برای آزادی و سوسیالیسم را فشرده تر سازید.

در هر نبرد، پیروزی از آن کسی خواهد بود که قاطعانه ترمی جنگند. رژیم فقها، حاکمیت شکنجه و اعدا م، تنها با سلاح فولادین شکل و آگاهیه و از جان گذشته ای از پای در خواهد آمد. پس همه جا دوش به دوش کارگران و زحماتکشان با شعار آزادی و برابری اجتماعی متشکل شوید، از فداکاری شیرین زانی که با عشق به رهایی توده ها اتاقهای شکنجه و میدانیهای تیرا فتح کردند، الهام بگیرید و محکم و استوار در جاده رهایی و آینده روشن گام بردارید!

زنده باد جنبش زنان برای آزادی و برابری!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۶ اسفند ۱۳۶۷

قرارداد ۲ میلیار دلاری

بین ایران و ترکیه.

بدنیا ل مسافرت یک هیئت ایرانی به سرپرستی نخست وزیر رژیم به ترکیه، جمهوری اسلامی اعلام نمود که در سال آینده، برای ۲ میلیارد کالو اجناس بین ایران و ترکیه مبادله خواهد شد. این مبلغ به نسبت سال گذشته ۲۰ میلیون دلار افزایش یافته است.

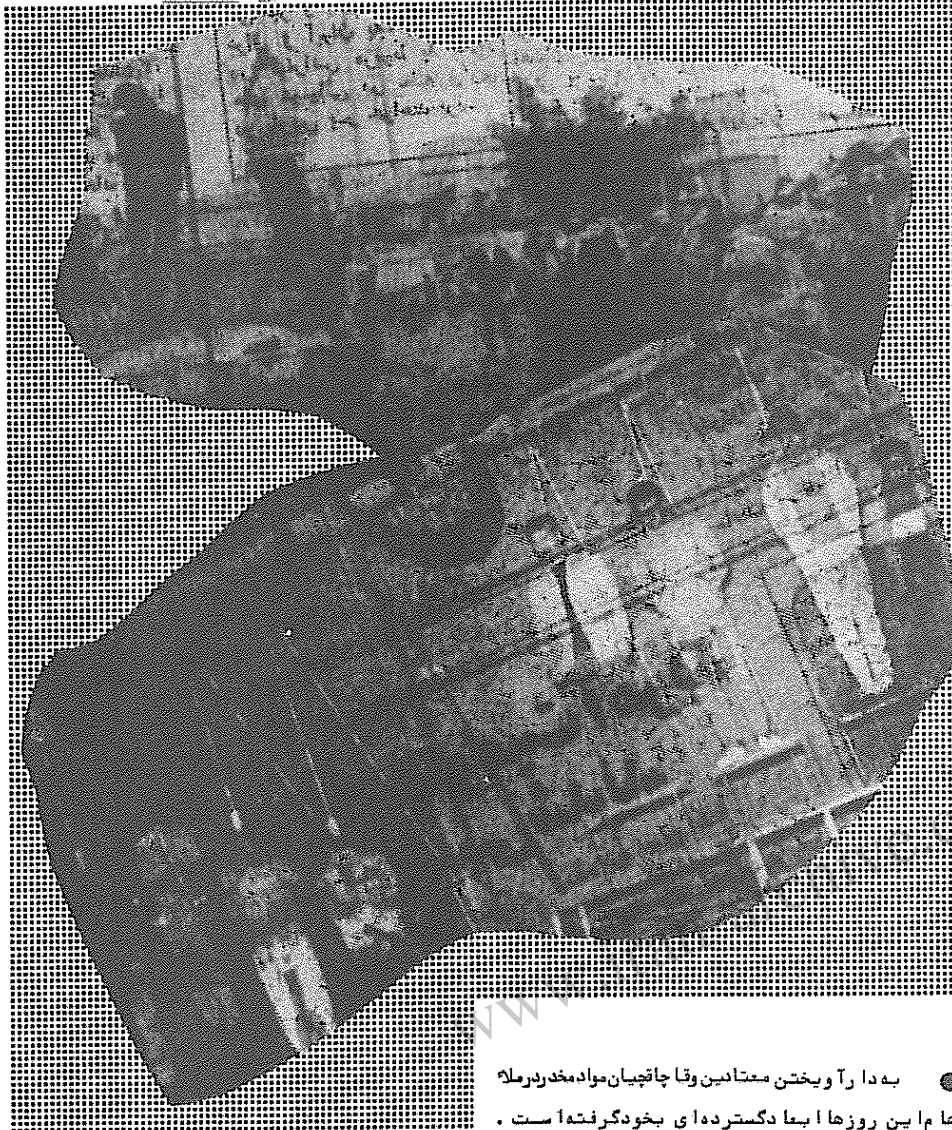
طبق این قرارداد طی سال آینده، ترکیه ۵ میلیون تن نفت از ایران خریداری خواهد نمود و در مقابل جمهوری اسلامی، آهن، گوشت، فولاد، مس و آلومینا، شیمیائی، مواد بهداشتی و دیگر کالاها را اساسی مورد نیاز از ترکیه وارد خواهد نمود. دولت ترکیه در این دیدار به رژیم ایران خاطر نشان ساخت که از "هرگونه فعالیت فدا پناهنده" در ترکیه ممنوعیت بعمل خواهد آورد.

حاکمیت باندها و گروههای فشار

بهزاد نبوی وزیر منابع سنگین رژیم خمینی طی مصاحبه ای با کمیته پیرامون فعالیت احزاب اعلام نمود که "مشکل امروز ما، خلا فکری بوده و هیچ فکر منسجمی وجود ندارد... به دلیل نبودن فکر منسجم و وجود افکار متضاد و جناحها، باندها و گروههای مختلفی هم در مملکت وجود دارند. گروههای فشار، قدرت و غیره که هیچکدام تا بلووا هم و رسم مرا بنام ما، اساساً مه وظه مشی تدوین شده منظم و منسجمی هم ندارند. به همین دلیل نیز با روشهای ناسالما با یکدیگر برخورد میکنند". البته اعتراض نبوی بیشتر به خود افشارگری هائی است که جناحهای رژیم از هم دیگر میکشند و ترس و بیشترا در این نهفته است که حاکمیت باندها و گروههای فشار سرانجام تا مل حال اونیز گردد و گرنه دلیلی ندارد که دزد همرا ه قافله نیز زیان به اعتراض بگشاید.

سوزگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

قربانیا ن ستمگری سرمایه، برچوبه های دارفقیها



● به دارآویختن معتادین وقاچاقچیان موادمخدردرملا عام بین روزها ایفا دگسترده ای بخودگرفته است . جمهوری اسلامی که جزمرگ وفقروفلاکت دستا ورددیگری ندا شته ونخوا هدها شت ، معتادان وقاچاقچیان مواد مخدررا به عنوان "مصا دبیق بارز" ، "وسیعون قسی الارض فسا دا" درچهارراه ها ومیادین شهرها به دار

می آویزد ، عکسها گوشه ها ئی از "روش" و "مهسرو عظوفت اسلامی" درمبارزه با موادمخدرومعتادان و "موزش اسلامی وانسانی" به مردم برای دوریگزیدن ازاعتیادوقاچاق موادمخدررا نشان میدهد!

چندخبرکوتاه

– روزنامه اطلاعات طی مقاله ای اعلام داشت که دولت یکهزارمیلیاردتومان به نظامبانی کشسور مقروض است ، این خبردرحالی انتشارمی یابدکه مسئولین رژیم ازاعلام رسمی آن واهمه دارندوتا کنون رقمواقعی دراینموردرا اعلام نکرده اند .
– رژیم اعلام نمودکه طی نه ماه اول سال جاری در مقایسه با سال قبل ارزش صادرات غیرنفتی ایران ۲۷ درصدکاهش یافته است ، درهمین زمان ما دراتفاش به نصف تقلیل یافته وحدودیک چهارم ارزش صادرات غیرنفتی به صادرات بسته تعلق دارد .
– وزیرکشا ورزی رژیم اعلام نمودکه "با این قوا نین مفرکه برای تربیت نیروی انسانی سطح عالیسه بوجود آورده انددررب های موسسات تحقیقاتی کشا ورزی ما درآینده بسیا رنزدیک بسته خواهد شد" .

– درپی مذاکراتی که میان الیاسون نما یننده ویژه دبیرکل سازمان ملل درتهران وبغدادبسیا مسئولین دورژیم داشت ، ایران وعراق باتشکیل کمیسیون نظامی موافقت کردند ، مذاکرات ایران و عراق از ۱۲ هفته پیش قطع شده بود .
– نوزاله عابدی نماینده مجلس رژیم اعلام نمودکه طی سه ماه اول سال جاری شرکتها ی دولتی در ایران ۸/۵ درصدکاهش تولیدداشته اند ،
– درمراسم لگردا نقلاب ، امسال برخلاف گذشته ازطرف خمینی پیامی داده نشد ، خا منهای دهرامسی که به همین منظوربرگزارگردیده بودشرکت جسته و ضمن یک سخنرانی اظهارداشت که "میان ما اختلاف نظرووجودا ردولی دریک جنگ قدرت با یکدیگردرگیر نیستیم" ، دراین مراسم همچنین قطعا مای درده ماده قرأ شد که شرکت کنندگان در آن "وحسدت و انسجام جناحهای فکری کشوررا طلب میکردند" .

قطع رابطه سیاسی با انگلستان

● برطبق گزارش خبرگزاری رسمی ایران دولت جمهوری اسلامی اقدام به قطع مناسبات دیپلماتیک خودبا بریتانیا کیبرنموده است . این اقدام پس از به سرآمدن مهلت یک هفته ای تعیین شده ازسوی مجلس شورای اسلامی که طی آن انگلستان می بایست درموردکتاب "آیه های شیطان" نوشته سلمان رشدی به نظرات جمهوری اسلامی گسردن گذاشته وانشأ رکتا ب را متوقف کند ، صورت گرفته است ، دولت خا منمتا چرعلیرغم واردناستن انتقاد به کتاب مزبورخا فرزندکه تقاضای ایران را بپذیرد واین درحالیست که برطبق اظهارات ناظران سیاسی احتمال کشته شدن گروهگانی انگلیسی در لبنان بدست مزدوران جمهوری اسلامی وجوددارد ، بدینال اقدام به قطع روابط دیپلماتیک با انگلستان ازسوی ایران ، انتظارمیرودکه کشورهای عضوبا زارمشترک اروپا به تقاضای انگلستان اقدام به تنبیهات سیاسی ویا حتی اقتصادی درقبال ایران نکنند .

مصوبه جدید برای

شرکت کنندگان درکنکور

● دانشگاه وکنکورهرسال با توجه به تراکم و موقعیت رژیم وضعیت خاصی به خودمیگیردودراین رابطه است که هرسال مصوبه جدیدی برای متقاضیان شرکت درکنکوراعلام میگردد ، طبق تصمیم "شورای انتقال فرهنگی" ، سال آینده متقاضیان علاوه برشرایط اتمامی (معدل وغیرو) بایبدا رای شرایط عمومی ازقبیل "ندا شتن معنا دبنا نظا جمهوری اسلامی ، عدم احراز فسا دا خلاقی ... ، با شند ، ویژگی جدیدرا بین راه دراختیارقراردادن درصدبالاتری ازصنلیهای دانشگاه به "خودبنا" است که طبق آن "دا وطلبان کنکورسال آتی منحصرادریکی ازهشت سهمیه تعیین شده جایگزین میشوند" ، این سهمیه ها عبارتند از :
سهمیه مناطق براساس بخش محل اخذ مدرک تحصیلی
سهمیه جانبازان : شامل جانبازان
سهمیه خانواده شهدا : مخصوص برادر ، خواهر و همسر شهید
سهمیه شاه : برای جانبازان و فرزندان شهدا و مفقودین
سهمیه رزمندگان : شامل کسانی که درجبهه بوده اند
سهمیه آموزشیاران نهضت سوادآموزی
سهمیه جفا دگران شامل اعضاء جفا دسازندگی
سهمیه عشایر شامل دا وطلبان عشایرباران کدگواهی ازدفتر مرکزی جفا دسازندگی
حال حساب کنید با این تقاصیل کدام غیر خودی "خواهد شتوانست راه به دانشگاه بیابد" .

با پیام کارگر همکاری کنید!

گزارشی از مراسم بزرگداشت یک زندانی سیاسی

● مادران زندانیان سیاسی، که برخی از آنها نیز غذا ربودند، در خانه یکی از شهدای قتل‌عام زندانیان سیاسی گردآمده بودند. ما در شهید گفت: "بهر روز برای ملاقات به گورهدشت رفتیم، یکی از آدمائی که دوروبر زندان قدم میزد، با زمین پرسید که "برای ملاقات زندانی او صدین؟" گفتیم "آره". با نا راحتی گفت "نمیدونی ما در چه بلائی سرزندانی-ها میارن، من خونم نزدیک زندان، هر شب صدای شلیک گلوله میاد، صدای ملوات و الله کبر و صدای سرودخواندن، ما دیگه آرامش نداریم. نمیدونم چسرا مردم خوابن".

زن جوانی گفت: "آدم ملاقات نره انگار بهتره، آدم در بدو غوغو و بیرونه میشه، من چن وقت قبل به ملاقات برآم رفتم، دیدم مٹ گوسفند قریونی ای که پوستش و با دکرده باشن، با دشته بود، وقتی پا ساری که مواظب ما بود کنارت رفت، برآم در میاشکی لباس ها شویا لازد و پشتشو به من نشون داد، کتفش به اندازیه بشقاب سوخته بود و فرورفتگی داشت. می گفت: "این تازه چیزی نیس، به مردم بگین که ما چی می کشیم".

دردمندان و در دکتیده ها زبان گشوده بودند و سفره دل را بی ترس و بی پیرایه باز کرده بودند: "بچه من، هر وقت میرم ملاقاتش دست احسان نشونمیده، هی میگه، هر چی اینجا می بینی به مردم بگو، بجای اینکه حال و احوال شما میل ها نسرو اول بپرسه، همینومیگه، طفلکی نی دوست ما چقدر بی بته و ترسودیم، اگه ما دسته جمعی کاری می-کردیم و ناجرات نمیکردن اینجوری بچه ها موقوفل عام کنن".

"آخه و ناتک تک این کارو کردن، ملاقاتکرتو نمیکردیم که به مرتبه اینکارو بکنن". "بچه منم که آزاد شده، همیشه مریضه، چهسل و هشت ساعت از پا آویزونش کردن، حال ما میاسر درد داره یا ناراحتی قلبی".

"تو ملاقاتی بهش میگفتم با اینا اینقدر لاج-بازی نکن، به کمی راه بیا، می گفت، آخه اینا از من چیزی میخوان که من نمی توانم انجام بدم، و نا میخوان شرافت منوازم بگیرن، و نا میخوان بعدا ما با سرافکنندگی و خجالت زندگی کشیم، یعنی مسرده متحرک باشیم، مرگ اینجوری بهتر از اون زندگی کردنه. بعدا فهمیدم که ما زاون میخواستن که یکی از دوستا شوا عدا مکنه".

"به من گفتن، ده هزار تومان و یه جعبه شیرینی ببرم، فکر کردم میخوان بچه مو آزاد کنن، با ونسا بول و جعبه شیرینی رو گرفتن و بعد ساک بچه مو که عدا مش کرده بودن بهم دادن".

"بچه منم همین وضو داشت، قرار بود سه ماه بعد آزادش کنن ولی عدا مش کردن، و نا در برابر اعترافش برادرش گفتن، اون حرف گوش کن نبوده!

نامه‌ای از ایران...

تا زهیی شرفا ۲ هزار تومان هم میخواستن تا ساک اونو تحویل من بدن".

"بچه من میگفت، اگه واسه ما کریسه کسین ما ازتون راضی نیستیم، راست میگفت، راهی بود که خودتون انتخاب کردن".

"امروز صبح رفته بودم ملاقات پسر، دوسه نفر دیگه مونده بود که نوبت به من برسه، که یکی از ما درها فریاد زد "مرگ بر خمینی، مرگ بر این جلادو جلادها، بچه مو کشتین، ازتون انتقام میگیریم، مطمئن باشین، مردم پدر شما رو در میارن، پاسدارها کتون کتون بردنش توی زندان، ما ما در همینطور داد میزد، "میا پدرگ، میا مقاتل، منم بکشیدسگ برین به عما می آقا".

"نمیدونی ما در قدر ساک روی هم تلنبا ر شده بود، یکی از اون کثافتا پشت بلندگو گفت، برین دنبا له کارتون، همه ای اوناه توی آسایشگاه بودن اعدا مشن" همدردی

● دختر دانش آموزی، که گوشه انتظار معلم کلاسش را میکشید تا غم دل با او بگوید، با دیدن معلمش بسوی آنها دوید، همان معلمی را کسسه بیشتر دوست میداشت به کناری کشید و تنگ گوشش گفت:

"خانم عمویم را کشتند"
معلم چیزی نمی گوید، به چشمهای پراسک و گلگون دختر خیره میشود و آرامها و میگوید:

"۲ هفته پیش شوهر من را هم کشتند!"
خانم معلم خبرا عدا مشوهرش را، بخاطر طبر ترس از خراج از مدرسه، (مدرسه ای در جنوب شهر تهران)، تنها به کسانیکه اعماد میکند، میگوید، معلما ن و کارکنان مدرسه که از اعماد خیردارند به او تسلیمت میگویند و با او همدردی میکنند، مدیسرو مسئول امور تربیتی مدرسه از اعماد بی خبرند، یکی از دبیران حزب اللهی که همسا به خانم معلم است پس از چند روز او را کناری کشید و گفت:

"به شما تسلیمت میگویم، من خیلی ناراحتم، باور کنید من در مورد هیچ مساله ای خبرچینی نکرده ونمی کنم!"
از روزی که خانم معلم خبرا عدا مشوهرش را به دختر دانش آموزی که عمویش اعدا مشده، گفته است هر روز عدا دها زدنش آموزان برای ادای احترام و تسلیمت گفتن به خاندن معلم خود میروند.

● مسئولین کمیته ها بدینال اعترافات مردم به اعدا مشا به "دانشانی اوین" گفته اند، که تا دیگر نمی توانیم با سخگوباشیم، بهتر است خیرا عدا مشا را خودتان به والدین و اقوام آنها بدهید ولسوازم شخصی آنها را نیز خودتان به اقوام عدا مشی تحویل بدهید!

گورهای دسته جمعی در سرتا سیران

● در جنگلی نزدیک به افا مزاده ها شم، که جنگل سراوان نام دارد، گور دسته جمعی دیگری کشف شد! چوبانی که گله اش در این منطقه در حال چرا بود، سگی را که دست انسانی به دندان دارد میبیند، او وحشت زده ا هالی روستا را خبر میکند و در اطراف منطقه به جستجوی جسد ا حب دست میروند، در این جستجو گور دسته جمعی می یابند، گوری که ۴۵ جسد تیرباران شده در آن ریخته بودند، در میان اجساد، که اجساد زندانیان سیاسی بود، تعدادی دختر نیز وجود داشت.

● طبق اخبار دریا قتی اخیرا در زندان میان ۳۵ نفر از فرزندان خلق توسط دژخیمان خمینی اعدام شده اند.

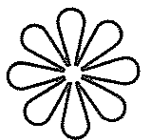
● ۸ تن از زندانیان سیاسی که اهل همین (یکی از بخشهای شهرستان اردبیل) و روستاهای اطراف آن بودند به جوخه اعدا مشپرده شدند و به شهادت رسیدند. در اسدابا دهمان حد اقل تا اوا ئل آذر ماه ۳۵ زندانی سیاسی اعدا مشدند که گویا اعدا مشا در همان صورت گرفته است، احتمالا اعدا مشا در اواخر آبان ماه و اوا ئل آذر ماه صورت گرفته است، برخی از اعدا مشدگان شهرهای میان، به ختن همین اردبیل و اسدابا دهمان روزهای آخر حکومت خود را میگذرانند.

مرگ پشت در بیما رستان

● "بیماری بی بضاعت که دچار حمله قلبی شده بود با وجود اینکه در بیما رستان شهید شریعت رفوی تخت خالی وجود داشت، بخاطر مبلغ ۴ هزار تومان و دیعه پشت در بیما رستان ماند تا جان سپرد" (کنیان ۱۴ اسفند) مطلب آنقدر گویاست که احتیاج به هیچ گونه توضیح ندارد، گوشه ای دیگر از جنايات رژیم که خود را "حامی مستضعفین" میداند و مدعی است که بزودی مشکل پزشکی را حل خواهد کرد، با نمونه بالا به اکتا رج دید رژیم برای حل این معضل میتوان به راحتی پی برد.

● قیمت گفتگوی جنس مخالف!

● نقل خبر از یکی مسافر: دو هفته پیش در شهر همدان سیاهپاسداران رژیم اسلامی دختر پسر را که در خیابان با هم صحبت میکردند بدلیل نهی از منکر دستگیر نمودند، آنها در دفاع از خود اظها رکوردند که نا مزد هستند، سها در تحقیق از خانوادها دختر متوجه شده که آنها رسما نامزد نبوده اند، پس از آن پسر بیچاره را زیر شکنجه های وحشیانه ببردند، پس از اینکه او بحال اقماد آمد به بیما رستان منتقل نمودند که ۲ ساعت بعد فوت کرد، جسد او هم کتون در سردخانه همدان قرار دارد، سها در تحقیقات نهی کسی متوجه شده است که او اهل همدان نبوده است!



هنر

نقد فیلم

عباس سماکار

فیلم "مهمانان هتل آستوریا"

نویسنده و کارگردان : رضا علامه زاده
 نور : چارلز برشت
 دوربین : باربدا هری
 صدا : یوسف شهاب
 مونتاژ : منوچهر

موسیقی : اسفندیار منفردزاده

بازیگران : شهروز آغداشلو - ناصر

رحمانی نژاد - کامران نوزاد - محسن مرزبان

- ویداقهرمانی - پرویز فیروزکار - هوشنگ

محمول - توزیع - بهرام وطن پرست - شریا مفید و دیگران

۴۵ میلیمتری - رنگی - بزبان فارسی

مدت ۱۰۵ دقیقه

۱۹۸۷ -

چه برای آنها می‌گفتی که جاشی و "پناهی" می‌یابند، هیچکس اختیاری برای انتخاب ندارد. آنها که مانده اند و آنها که آمده اند هر دو در غذا بندوبان خادمانند که همه چیز را تعیین میکنند. خادمان قانوشمند، همه آدمها، با چشمانی نگران درگیر خادمانند. تنه‌های گلی و شکستنی مانند می‌شوند که چهره‌های یکسان می‌یابند. این مصیبتی عمومی است، فیلم با رانی از حواصت گوناگون است که پشت هم پیش می‌آیند و مرتب تعادل آنان را بهم می‌زنند. هیچکس فردای خود را نمیداند و آشکار نیست بر سر این گروه کوچک مردم نمونه‌وار، که در یک مسافرخانه فکستنی در استانبول ترکیه جمع شده اند چه خواهد آمد و سر پناه و امیدشان کجا خواهد بود این گروه را چند فردی نخواهد بود برای تشکیل میدهند که نه به میل خود، که از اتفاق یکجا گرد آمده اند. حلقه‌ها ربط آنها فردی قاچاقچی است که سابقا در گردن آنها از مرز فرار هم کرده است. برای همه آنها انبوه مشکلات در پیش است. برادر شریک‌ها از هم می‌پاشند تا دیگر را رهمدیگر را بیا بیا باند. دوری فرزندان عذابشان میدهد. بی اعتباری و سردرگمی بر آنان حاکم است. بولشان را می‌خورند، مجبورشان می‌کنند شوه بدهند، تحقیر میشوند، آلتماش میکنند، کتک می‌خورند، شکنجه می‌بینند و می‌میرند و یا به جاشی که نمی‌دانند کجاست و نمی‌دانند بر آنها چه خواهد گذشت می‌روند. اکثر آنها تصویری خام از پذیرفته شدن - بمشابه پناهنده ... در سر دارند. اما در هلند دیگران شیک و همچنین در آمریکا غول آسا - که در نماش زیبا از فیلم، ورود به سالن عظیم نرودگا می‌آید، از آن بنمایش در می‌آید. نیز همانند ترکیه عقب مانده و دیکتاتور زده با آنان رفتار میشود و هر کجا بشکلی مورد تحقیر قرار می‌گیرند. در هلند حتی به "پوری" و "کریم نیا" اطلاع نمی‌دهند که قصد دارند آنها را به ترکیه بازگشت دهند. آن‌ها را مانند بسته‌ای برگشتی تحویل هواپیما میدهند و بر میگردانند. گوئی جهان زور و تحقیر بی‌حرمتی به وجود آنسان سرز نمی‌شناسد و حق زیستن و در امنیت بودن سراسری بیش نیست. تصور "پوری" و آنها دیگر برای آنکه کودکی اینجا و آنجا بماند و این اجتماع را ملال حاشان شود پنداری خام است. کودکی که در این شرایط بدنیا می‌آید نیز سرنوشتی کم‌ترس آورند و در پی ندارد.

فیلم، داستان و سرگذشت مردمی است که گوئی از هیولائی می‌گیرند و به سرزمین هیولاهای دیگر می‌روند. رویدادها در کنار هم و برای همه به پیش می‌روند و از میان آنها، بدینکار آنها زندگی یک زن "پوری" دنیا ل میشود و به پایان تراژیک خود میرسد. اما سرنوشتی در سراسر فیلم موج می‌زند. پیش از نمایش تراژیک پایانی، تراژدی در طول فیلم مکرر پیش می‌آید. سرنوشت دختر خانواد "ضیا" که به فحشا کشیده میشود، سرنوشت غم‌انگیز "آقا تقی" و "مهین خانم" که ناچار از زنازگشت میشوند، سرنوشت افراد فعال سیاسی که به ایران تحویل داده میشوند و آنها یثا سرگذشت زن حامله دیگری که در آفرینیم، با حال و روز مشابه "پوری" به صحنه می‌آید و در رویای خود همان آرزوهای "پوری" را می‌برد. همان تراژدی است. و بدین ترتیب سرنوشت برای مسافران جدید نیز آغاز به شکل گیری میکنند و سیر پر از رنج و تحقیر و بر بارادرفتن آرزوها تکرار میشود.

شخصیتهای فیلم غالباً نمونه‌وار انتخاب شده اند: دانشجوی معلم، کارمند، کاسب، سربازان فراری، فعالین سیاسی و بچه‌ها. اکثر آن مردمی هستند که دستشان بدهان می‌رسد و توانائی مالی خروج از مرز را دارند. تنها "آقا تقی" و "مهین خانم" هستند که مردمائی بی چیز اند و خروج آنها علت ویژه‌ای دارد. غالب آنها اتکائی به پشت سر خود ندارند. نه زندگی دلخواهی داشته اند نه چیز دلبدی

امروز پس از یک دهه سخت گذران زندگی در خارج کشور، هنر و ادبیات ایران در تبعید، می‌رود تا با بگیرد و به بررسی حال و روز مردم ایران و گستره‌های گوناگون زندگی آنان بپردازد. آثار بسیاری که به تازگی ارائه شده اند نشانه‌ای از این خیزش جاندار و مسئولانه است. اگر این حرکت اندکی دیرینتر می‌رسد، به شرايطی بر می‌گردد که هنر مند و نویسنده ایرانی با آن مواجه بوده است. بدنبال فرود آمدن تیغ سیاه خفقان و سرکوب در ایران و آوارها شدن بسیاری از ایرانیان در هر گوشه این جهان و پناهنده شدن آنها در هر جایی هر قدر هم خلاق می‌بودند نمی‌توانست بلافاصله در محیط جدید یکا و خلاقیت دست بزنند. بیش از هر چیز لازم بودی خود را در این وضعیت تا زباید، از با ضربهای که به او وارد آمده و از کجی سری بدر آید و ضمن تلاش برای معاش و دیگری با انبوه مشکلات حقوقی، خانوادگی و عاطفی خود، گذشته دور و نزدیک را به تقدیکشد و زندگی مردم را نیز در این فضای تا زبانشناسد. اکنون چنین می‌نماید که این امر مهم واقع شده است و این جوش و حرکت، نتیجه آن نقد و خودیابی و شناخت است. اما در هنر سینما مشکلات بزرگ با زهمیاتی است. اگر خلاقیت در هنرهای دیگر و بخصوص در ادبیات و شعر با مشکل مالی بزرگی مواجه نیست، برای ساختن فیلم اولین مسئله وجود سرمایه هفتگفت است.

هیچ سازمان وبنگاه تولید فیلم در خارج ایران، چه دولتی چه خصوصی، به آسانی حاضر نیست سرمایه‌اش را بدست فیلمساز غریبه‌ای بسپارد که او را نمی‌شناسد و بی‌اعتقادند و نمونه‌کارهای پیشین او را هم ندیده است. برای ورود به دایره بسته چنین شرکتها می‌آید، ارائه مدرک و دیپلم از این و آن مدرسه و فستیوال همراهی نمی‌گشاید. با این ترتیب فیلمساز ایرانی بسیار بیشتر از هنرمندان دیگر در تنگنا است. خود سرمایه‌ای ندارد و روابط و آشنائی هم در کار نیست. هر چه هست، تلاش و سخت کوشی است تا شایدها می‌بندد که شوه شود. چند فیلم ایرانی که تا کنون در اروپا و آمریکا بر پرده آمده است همگی به همت و جسارت و خطر کردن سازندگان آنها تهیه شده است. این سخت کوشی و جسارت، منهای ارزش خود این آثار، فی نفسه قابل تقدیر است.

فیلم "مهمانان هتل آستوریا" سومین فیلم از "رضا علامه زاده" در خارج ایران است. دو فیلم اول هر دو کوتاه هستند. یکی "آخربین بدرویدیا دکتر ساعدی" هستند، ۱۶ میلیمتری، رنگی، بخشی از یک پروژه بزرگ بنام: "هنر و ادبیات ایران در تبعید" است که در سال ۱۹۸۵ در پاريس ساخته شده و آنجا مکل پروژه بنا به مشکلات مالی به بعد موکول گردیده است. فیلم دوم "چند جمله ساده" نام دارد. فیلمی است داستانی برای کودکان، ۱۶ میلیمتری، رنگی و در سال ۱۹۸۶ در هلند تهیه شده و تا کنون با استقبال فراوان منتقدان جهانی روبرو بوده است. این فیلم به جای بزرگ "بهترین فیلم کوتاه" از فستیوال مهم جهان، مسکو، لوزان و استکهلم را بدست آورده است. اما فیلم سوم سینما می‌باشد که صحنه‌های متفاوت آن در ترکیه هلند و آمریکا و با صرف هزینه‌های دتهیه شده است.

فیلم آغاز زخمه‌های مردمی را با می‌گوید که هر اساق و بی پشتیبان و تحقیر شده بر کول خود را ندکی انباشته اند و از رنج و کابوس می‌گیرند. کابوسی که طومار هستی آزادانه را در خانه و کاشانه خود می‌خشکاند و توانا بودمی کند. آنها بهر جگه می‌روند دشواری و تحقیر و رنج بدنبالشان روان است و چنان هم‌جا بیسایر آنان است که گوئی هم‌داستان میشود. سرگذشتی تراژیک و درد آور برای همه چه برای آنها می‌گفتی که با زگشت داده میشوند چه برای آنها می‌گفتی که نیمه راه می‌مانند و

بازی های این فیلم مقایسه کرد، اگر در آنجا پرویز فنی زاده در اوج قرار داشت در اینجا شهره آغا شلوتوانی چشمگیر نشان میدهد و بازی او در نقش "پوری" از کیفیت ویژه ای برخوردار است. حرکت دینا میکا اندام و چهره و بازی جاندار چشمهای او چنان به بیابان مقصودکا رگردان بازی میدهد که اگر نمی بود، چیسزی چشمگیر از فیلم کم می آمد.

مجموعه دیگری از بازی های ارزنده حرفه ای و هنری در اختیار فیلمساز بوده که فیلم را تا این حد موفق ساخته است. از آن جمله اند: کریم، لباس، دکور، دوربین، نور، مونتاژ موسیقی.

موسیقی با درک درست از سبک کارگردان، بیابانی، خطای بخود گرفته است. در بسیاری لحظه ها خاشی میگزیند تا دیگری بسرا بدو به دنباله روی دچار نمی شود. و آن گاه که رویدادی تازه شکل میگیرد و حضور او را می طلبید به خسروش میاید. متفرذاده در اینجا بهترین درک خود را از موسیقی فیلم را شده است. و این درخشان ترین اثر او بشیوه ای نوین است. موسیقی در برابر فیلم حالتی صبورانه و در خود میگیرد. حضور خود را بی ضرورت عیان نمی کند، مگر آنکه نهاد مستقل خود را در هما هنگی با سایرینها ده ای فیلم به پیش کشد و به پای ای در بیابان کلی تبدیل گردد. موضوع موسیقی نیز با احساس ما مردم هما هنگی دارد و خود به یابی سنتی را تدا می میکند.

سبک کارگردان

اگر در تاریخ سینمای ایران چند نقطه عطف بوجود آمده باشد، ساخته شدن چنین فیلمی یکی از آنها است. نقطه عطف بخاطر ایجا دسبکی شو جهورانه.

در همان آغاز فیلم، پیش از آنکه موضوع داستانی با ژشود و بیننده را تحت تاثیر بگیرد، این سبک کارگردان است که بطور برجسته ای چشم می آید. از همان ابتدا، برش ویژه نماها و ریتم رویدادها و صحنهها بیننده را تا مدت دیدن فیلمی دیگرگونه میکند.

کارگردان در طول اثر، با هوشیاری از خیزیدن به درون روح آدمهای فیلم دوری میکند و سبکی بیرون گرا را پیش میکشد و هموار را زیرین به محیط جمعیتی آنها میکشد. حتی در اوج لحظه های خلوت آدمها نظیر صحنه "پوری" در جلوی آینه کمد، بیخود شدن از خود "آقای فیاضی" - نما زخاندن مهین خانم - تنها بی های "پوری" در امریکا و حتی خیالاً بی آخرفیلم توسط زن حامله تا زوار، نگماه و زودگذر و بیرونی است. گوشه ای او نیست که این حوادث و صحنهها را کناره رهم می چید، بلکه این سیرووقوعی خود زندگی است که دوربین چون نگاه می مستند درون آن میگردد و لحظه های شکارگردان نشان میدهد. رویدادها آنقدر زیاده اند که گویا با دیده آن نظری انداخت و گذشت و اسیر این و آن حادثه و این و آن آدم بخصوص نبود. بلکه هر چیز و هر کس با نقشی که در کل ماجرا دارد مطرح است، با این ترتیب این فیلمی است ضد قهرمان و آدمها، در کل خود، حقانیتشان، مظلومیتشان و ماجرا - هایشان آن قهرمان عمومی، رنج دیده و تحقیر شده، انسان آوارها را میسازند. چنین ریتم و نگاه بی صحنه های واقعی زندگی، ظرف گویای تندی های جاری در زندگی این مردم آوارها است. برش هر نما به جمله ای میماند که سرتو آن رازده باشد. بی آنکه از لطف آن کاسته شود. مثل شعر، هر نما با تندی و کوتاهی خود، با دید ویژه ای که در آن نهفته است به بیستی شعر شایسته میاید و شعر در بیابان در بیابان عریانهای خشن رویدادها، بدون درون گرائی و نفوذ به خلوت روح جریسان می یابد. شعری تند و پر خاشگروا نسانی آنها را از آنچه هستند ویران روا می رود رها بی نیست مگر آنکه ابتدا در خویشتن خویش نظرا فکنند.

ایجا ز در خدمت این سبک بیان - از جمله - به موجزترین شکل بی فحشاء کشیده شدن "پروین" دختر "فیاضی" ها را بیان میکند. فاصله گیری کارگردان از صحنهها، دآوری نکردن، تعیین نکردن چیزی از پیش، بلکه تعقیب آدمها در شرایط واقعی گونهگون، نشان دادن افت و خیزها بهمان مورتی که جریان می یابد و رسیدن ها و نرسیدن ها، اثرات ملموس و آدمها را ضمن بی هویتی اجتماعی، هویتی شناختی، می بخشد. در واقع شلیک بی دربی نماها بسوی بیننده چنان جریسان می یابد که گویی، نگارشی، پادروها بی پندارها فهمیدنی میشود و هویت آدمها در بی هویتشان لمس میگردد.

علامه زاده در همه آثار پیشین خود، چه ادبیات و چه سینما همواره هنرمندی بیرون گرا بوده است اما این اثر بیرونی ترین کار اوست. در دنیای سینما این

را جا گذاشته اند و اکنون که به اینجا رسیده اند ندیده دیگر آن هستند که بودند و آن میشوند که با دیدن آنها، نسانی رها شده و سرگردان، انسانی بی هویت که خود را با بیابانی خواهد باخت و فنا خواهد شد.

در میان آدمهای فیلم شخصیت "فیاضی پدر" که دیگر پشم ریخته و دخترش از او حساب نمیبرد و فاحشه میشود، و مدیر هتل، مرد ترک مهریانی که هم با مسافران همدردی دارد و هم با سیرت سبات عقب مانده کشور خویش است، و آقای طباطبائی و "گزارشگر" و "پوری" زهمه برجسته تر به نمایش در آمده و پیرا خست شده اند. "پوری" زنی است که هیچ کجا یا دنگرفته است در شرایط بسیار سخت مقاومت کند. علقه محکمی پشت خود ندارد و شوهرش یک آدم معمولی است که او را دوست ندارد و همچون او در کوران بحرانها در مانده میشود و نقطه اتکائی بحساب نمی آید. بین آنها دو پیوند محکمی موجود نیست. "پوری" زندگی را با او بر حسب سنسنت انجام میدهد. در یک کلام وزنی است خالی و انسان، مثل بسیاری از زنیهای این دنیای بزرگ با آرزوهای ساده و توانی اندک. زنی که در شرایط عادی قادر است به زندگی آرام خود ادامه دهد. بی آنکه بجای شخصی برسد. و در شرایط دشوار در مانده میشود. چنین است که وقتی طوفان تنوره میکشد او را هم با خود می روبرو و حق انسانی اش برای زیستن و داشتن سرپناه و امنیت و عشق و رزیدن با مال میشود. سرتوشت "پوری"، آری عقوبتی است که بخاطر ارتکاب گناه منسب او میشود و یا سهمی است که دنیای ظالمانه امروز سر ازنی در مانده چون او قرار میدهد. او در شرایطی خود را به جوانی مردم دار و مدرسان "مهندس محسنی" می - با زود در شرایطی دیگر، با تمام نفرت تسلیم دژخیم "گزارشگر" میشود، احساس گناه در او حاکم نیست. اما او نخمه نفرین و وحشت را با خود حمل میکند و نمی تواند بر آنها می که بیرونی سایه افکنده است چیره شود. دردی که او را میکشد در دگم شدن در طوفان حادثه است. در دست دادن همه چیز و در بی چشم اندازی است. حتی عشق او هم یک حادثه است. آری آنطه درون او از آن چه کسی است؟ کودکی را که بدنیا می آورد آن وجودی نیست که عصری آرزویش را داشته است، او در پی یک بی زبانی لالوار در جانی دورویی پشتیبان، با زاشیدن کودکی چنین غامض - نخمه عشق یا نفرت؟ - ترس و هراس را میزاید تا با زایش خود، چکیده آرزوهای از دست شده اش را بیرون بریزد و در آنها مو و وحشت بمیرد.

در میان شخصیت های اصلی فیلم، تنها به "مهندس محسنی" که توجه شده است. و این از دوزاویه میتواند مطرح شود. او یک فعال سیاسی است که در طول راه به دیگران یا بی رمانده و مورد توجه "پوری" قرار گرفته است. اما آدمی مثل او - بطور طبیعی - موجودی نیست که بشکل آنها رشیک برابرا خلاق حاکم بر جامعه امروز باشد و یا "پوری" گناه - یکن شوهر دار است همبستر شود، او طبعا مطالبی اعتقادات خود را به دلسویه تغییر بنیادی جامعه حرکت کرده و با این ترتیب در زودن حکومت اخلاقیات کهنه کوشش نماید. اما از آن رو که همه آدمهای فیلم، در تمام رفتارهای خود از ما شایه ندمونه و آریا شده، این ایراد قابل چشم پوشی است. "مهندس محسنی" آدمی هم میتواند ندمال سایر آدمها در شرایطی به کجسی و راستی دچار شود، و از دیدی دیگر شاید از این رو که او وجودی ناب و دست نیافتنی معرفی نمیشود، نگاه می نود معرفی سمبل های اجتماعی در شکل واقعیتان به حساب آید. اما از نظر برداشت هنری شخصیت در فیلم، او مثل بقیه آدمها شخصیت جا افتاده ای نیست و رفتار او کنش او در صحنهها معرف شخصیتش نمی باشد. بجز در مورد کمک به "پوری" و "کریم نیا" برای گرفتن گویا و پاره ای دیدارهای مخفیانه، او اغلب در سطح باقی می ماند. گفتگوی "پوری" و "خانم فیاضی" هم درباره کمکهای او در برین راه، به با زشدن این شخصیت چندان کمکی نمی کند. در مقایسه با "مهندس محسنی" شخصیت آدمهای نظیر "آقای طباطبائی" یا "آن نگارنسی" انسانیش در مقابل پوری و بی گیری از حال روز او، با شخصیت "گزارشگر" یا "آن رفتار و گفتار رتیپیک - با وجود نقش های بسیار کوتاه - بسیار جا افتاده و خوب پرداخت شده اند. بخصوص معرفی "پروین" دختر "فیاضی" ها "با آن ایجا ززیبا، از قدرت کارگردان در نمایش آدمهای بازی سخن میگوید.

بازیها در فیلم، سراسری است. بطوریکه در کمتر فیلم ایرانی، با چنین تراکمی از آدمهای اصلی و فرعی، چنین بازی های فوق العاده ای ارائه شده است. تمام بازیگران اصلی بسیار خوب بازی کرده اند و حتی بازیگران جنبی نیز بخوبی هدایت شده و نقش خود را دریا فته اند. تنها میتوان بازیهای سریال تلویزیونی "دانی جان ناپلئون" این اثر را ندانند تا صراحتاً بیابان را بسا

رای زنان

مقام زن در اسلام

منتظری وزن

"حضرت امیرالمومنین وصیت فرمود بحضرت امام حسن که زینها رمشورت با زنان مکن، رای ایشان ضعیف و عزم ایشان سست است و ایشانرا بیوسته در پرده بدار و بیرون مغرست و تا توانی چنان کن که بغیر از تو مردی را نشناسد..."

"حضرت امیرالمومنین فرمود که مدیکه کارهای او را زنی تدبیر کند ملعونست."

"حضرت رسول چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند و آنچه ایشان می گفتند خلاف آن میکردند."

"حضرت رسول فرمود که اگر امری کردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آئینه می گفتم که زنان برای شوهران سجده کنند."

"حضرت رسول فرمود که هر که طاعت زن خسود کند خدا او را سرنگون در جهنم اندازد."

"از حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که زنی آمد بخدمت حضرت رسول و گفت: یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن؟ فرمود: لازم است که طاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانه او بی رخصت و نداد و هر وقت اراده نزدیکی او کند مضایقه نکند اگر چه بر پشت یا لان شتر باشد و از خانه او بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت بدر برود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد"

"از امام محمد باقر منقولست که زنی آمد بخدمت رسول و گفت یا رسول الله حق کی بر مرد از همه عظیمتر است؟ فرمود: که حق پدر گفت: حق کی بر زن از همه عظیمتر است؟ فرمود: که حق شوهر پرسید که من آنقدر حق ندارم که او بر من دارد؟ فرمود که از صد تا یکی نه، آن زن گفت که قسم میخورم... که هرگز شوهر نکند."

تمام نقل قول ها از:

حلیته المتقین، ملا محمد باقر مجلسی، صفحات ۷۶ و ۷۸-
سازمان چاپ و انتشارات جاویدان

"زن باید بدین وموی خود را از مردم بیوشا ندیلکه احتیاط واجب آنست که بدن وموی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و بیه حسدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بیوشا ند." (توضیح المسائل خمینی، ص ۴/۴۹۳، مسئله ۲۴۳۵)

"اگر مرد برای معاشرت با زن نا محرم بناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند تا شکل نداد ولی اگر بنا نگاه کردن بتواند معاشرت کند تا بدست به بدن او بزند و او را گریه دست زدن بتواند معاشرت کند بنا پیدا نگاه کند." (توضیح المسائل خمینی ص ۵/۴۹۴ مسئله ۲۴۴۱)

"ابتدای عده طلاق از موقعی است که خوانندن صیغه طلاق تمام میشود، چه زن بخواهد که طلاق دهد و یا نداند." (توضیح المسائل خمینی ص ۵/۴۹۵ مسئله ۲۵۱۶)

"اگر زن هر چه خوش دارد و بدود و سهامه، چهار چرخ را بگیرد و اگر بیم دارد که عدالت نکند فقط یک زن یا کنیزی که مالک آنست، این مناسب تر است که مستم نکند." (قرآن، سوره النساء آیه ۲)

"اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین نرود، زن میتواند بدون اجازت شوهر بچه کسی دیگری را شیر دهد ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه شوهر خود حرام شود. مثلاً اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد زن نباید آن دختر شیر دهد چون در این صورت خودش مادر زن شوهرش میشود و حرام میگردد."

"علاقه زن به مرد منوط بر علاقه مرد به زن و وابسته به اوست، طبیعت کلید محبت طرفین را در اختیار مرد قرار داده است، مرد است که گرز را از دست بدارد و نسبت به او وفا دار باشد و در این صورت مرد و زن نسبت به او وفا دار می ماند. طبیعت کلید نسخ طبیعی ازدواج را به دست مرد داده است." (نظایم حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۸۴)

"علت اینکه مرد حق طلاق دارد این است که رابطه زوجیت بر پایه علقه طبیعی است و مکانه نیم خا صی دارد، کلید استحکام بخشیدن و هم کلید سست کردن و متلاشی کردن آن را خلقت به دست مرد داده است." (نظایم حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۳۰۹)

"برای یک زن همانقدر که تغییر دادن نساج خانوادگی بعد از ازدواج آسان است، عوض کردن دین و ملیت نیز بخاطر مردی که دوستش دارد آسان است." (نظایم حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۱۷۸)

"مغز بزرگتر مرد"، "پرحرف تر و ترسو تر بودن او"، "نرسیدن زن در علوم استدلالی و مسائل خشک عقلانی به پای مرد" از جمله مسائلی هستند که باعث میگردد که "عدم تشابه حقوق بین زن و مرد" بوجود آید. (مطهری - کتاب "نظایم حقوق زن در اسلام" بخش تفاهت و تفاهت زن و مرد)

"اصولاً موهای زنان اشعای میدهد که مرد را تحریک کرده و آرامش را از او سلب می نماید." (بنی صدر در مصاحبه تلویزیونی ۲۲ اسفند ۵۸)

... نکته دومی که باید به آن توجه شود این نکته است که با بررسی آیات و روایات از طریق فریفتن (شیعه و سنی) مشخص میگردد که زن بخاطر طرافت و مطلوبیتش همواره در بر خور دبا مرد های بیگانه در معرض فتنه انگیزی و احتمال ایجاد دفسا است. به همین جهت شرعاً از وی خواسته شده که پوشش خود را رعایت کند و بویژه در سنین جوانی که تا کید شده از منزل خارج نگردد و با مردان بیگانه گفتگو و آمیزش نداشته باشد مگر در حد ضرورت و آن مواردی است که مصالح بیرون رفتن را ایجاب کند، مواردی همانند ثابت کردن حق، معالجه، تعلیم و تربیت و مسائل مشابه با این کارها که در این موارد هم موظف بسسه نگاهداری و پوشیده داشتن خویش می باشد و روشن است حفظ و رعایت این حکم الهی و اصل عقلی با قضاوت کردن و حکومت راندن که لازمه آن تمام بسیا رزیا دنیا اقا و مختلف مردم و درگیر شدن با مردان است تناسب ندارد. به همین جهت نمی توان چنین مسئولیتها را به عهده خانمش گذاشت.

... با توجه به تفاهت و تفاهت طبیعی که در خلقت زن و مرد مطرح گردید حکمت قرار دادن طلاق به دست مردان و تفاهتی که بین زن و مرد در میراث و ودیانت مقرر گردیده مشخص میشود، زیرا ضرورتاً برای خانواده و جامعه بسیا رزیا دنیا میباید شد و اگر بدست زن قرار داده شده بود هر روز به عنوان های مختلف در شرایطی که احساسات بر وی غلبه میکرد و عواطف بر او تکبخته میشد شوهر خویش را طلاق میداد و زندگی خراب و خانوادها را به تباهی میکشید، اما چون روح اندیشه و تدبیر و توجه به عاقبت در کارها در مردها قوی تر است و معمولاً مرد هنگامی که به عاقبت زشت طلاق زیندگی هائی که به خود و خانواده اش وارد میگردد می اندیشد، از ارتکاب بدین خودداری نموده و کمتر به چنین عمل شنیعی دست میزند.

... و اما در مورد اختلاف میراث مرد و زن هنگامیکه ما به مجموع مردان و زنان در انتقال ثروتها از نسلی به نسل دیگر توجه کنیم درمی یابیم که مال در تولید و تکثیر و نگهداری نیایزه عقل و تدبیر و معامله و معاشرت دارد و لذا خداوند سبحان در این مرحله بسه دلیل مراعات تکرامت انسانی و ثبات خنیا و دولت را به دست مرد سپرده است (چون حفظ مال و ثروت کار آسانی نیست).

... و اما در مورد تفاهت و "قضاوت" و "دیه" در زن و مرد شاید به این دلیل بوده که مرد بخاطر طرافت عقل و تدبیر بیشتر فایده وجودی او در زندگی اجتماعی بیشتر از زن می باشد... در قیمت گذاری ذیه، عقل و تدبیر ملاک می باشد.

به نقل از "مبانی فقهی حکومت اسلامی" تقریری از سلسله مباحث و درسهای منتظری - کیهان شماره های تیر ماه ۶۷

زنان و وقوانین فقهی

جمهوری اسلامی

وضعیت فاجعه‌بار زندگی فردی واجتماعی زنان ایران زیرتأثیر نهی نکبت‌های رژیم‌فقا، دیگربرکسی پوشیده نیست، تا زیانهای اندیشه‌های ارتجاعی و سخیف همراه با توهین تحقیرآمیزی بخودگرفته‌گان زنان میهنمان را به لب‌شان رسانده است، اندیشه‌هایی که همراه با نبش قبر گورهای هزاروچهارصدسال قبل بیرون خزیده و بر تا رویودزندگی متحدان و مترقیان نه‌زنان چنگ انداخته است. ما به‌گوشه‌ای از نکبت "فقه اسلامی" و حقوق و جایگاه زنان در این رابطه اشاره می‌کنیم که "نمونه‌ی خروارست".

در فقه اسلامی "دیه" یعنی جریمه، که می‌تواند نقدی و یا جنسی باشد و در "قانون مجازات اسلامی" که هم‌اکنون در جمهوری اسلامی به اجرا درمی‌آید، به‌مانی گفته می‌شود که "به سبب جنایات بر نفس یا عضو مجنی علیه (شاکلی) یا به ولی یا اولیای دم اوداده می‌شود". ما به‌مادی از مجموعه ۲۱۱ ماده مربوط به "دیات" اشاره می‌کنیم، اما اشارتی که برای نشان دادن اندیشگی پوسیده و متحجران ما مجالاد و یا رانش کافیت:

"ماده ۳ - دیه مرد مسلمان یکی از اموال ششگانه ذیل است و جانی در انتخاب هریک از آنها مخیر است ولی تلفیق آنها جایز نیست:

۱ - یکمدر شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۲ - دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳ - یکبزارگوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۴ - دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن.

۵ - یکبزاردینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶ - ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.

حال به‌ارزش و جایگاه زنان در رابطه با "دیه" توجه کنید.

"ماده ۶ - دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی و خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است"

"ماده ۱۲ - عاقله (که برداخت دیه در مورد قتل غیرعمدی اوست) عبارتست از بستگان نزدیکی ابویینی یا ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و عمو و پسران عمو."

"ماده ۱۳ - زن جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عیده داریه‌خطائی نخواهد بود و همچنین نابالغ و دیوانه."

"ماده ۱۹۴ - دیه سقط جنین به ترتیب زیر است:

- ۱ - دیه نطفه که در رحم مستقر باشد بیست دینار
- ۲ - دیه علقه که خون بسته است چهل دینار و ...
- ۶ - دیه جنینی که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل.

می بینید، در قوانین اسلامی انسان چهار رزش

آنک قضا با نند

"برگذرگاه‌ها مستقر

"باکنده و سا طوری خون آلود

"روزگار غریبی ست، نا زنین

"و تیسیم را بر لب‌ها جراحی می کنند

"و ترا نه را برده‌ان." (۱)

می خواهم بیشتر اورا ببینم

"... زن دیگری نبود که حالمه بود و به‌اندام محکوم شده بود، بعد از ایمن بخاطر آنکه طفل را احتیاج به تیرداشت قرار شد حکم اورا هفت ماه به تعویق بیندازند. در عرض این هفت ماه رفتار زن با بچه‌اش در یکی از پیچیده‌ترین و دردناک‌ترین روابطی که گاه فقط رخ میدهد، متجلی می‌شد. مثلاً زن به هیچوجه نمی‌گذاشت نوزاد بخوابد و در مقابل نگاه‌های خیرت‌زده ما جیغ می‌کشید می‌خواستیم خواهم هر چه بیشتر اورا ببینم."

با با گفته‌نگو

"... یک روز در سالن با زجوشی پمپ‌پنج ساله‌ای را آوردند که عده‌ای از مرده‌اش را که آنجا بودند و تازه دستگیر شده بودند شناسایی کند. یکی یکی چشم‌بندها را کنار می‌زدند و از او می‌پرسیدند آیا این شخص را می‌شناسی؟ او در جواب تمام پرسشها در مورد همه فقط یک جمله می‌گفت: با بسا گفته‌نگو! و مرتب این جمله را تکرار می‌کرد. او را چندین بار در سالن به‌گردش در آوردند و زن‌دانی‌ها را نشان دادند ولی او همواره همان یک جمله را می‌گفت."

شما حاضرید ما در من بشوید

"در زندان محدودیت سنی وجود نداشت. مثلاً دختر ۱۲ ساله‌ای بود از مجاهدین خلق که دو سال پیش به همراه مادرش دستگیر شده بود. پدرش در خانه تیمی کشته شده بود و مادرش را هم بعد از دستگیری اعدام کرده بودند. او نیز به‌دو سال حبس محکوم شده بود. موقعی که اورا دیدیم یکما از زبان محکومیتش می‌گذشت، اما چون کسی را نداشت که ضمانت‌ش را بکنند نجا اورا نگه‌داشته بودند. این دختر هر ماهی را که می‌دید و یا هر کس دیگری را که حس میکرد عواطف مادرش را در چشمان او می‌بیند، سر بر زانویش می‌گذاشت و با لحنی دل‌سوزانه می‌گفت: شما حاضرید ما در من بشوید، (۱) - شامو

مطالب از: گزارشی از زندان؛ انتشارات "جامعه دمکراتیک ایران" - مقیم فرانسه

مرضیه احمدی اسکوشی

افتخار ...

... من از روستاهای کوچک شالم

زنی که از آغاز

در شالیزار رومزارع چای

تا نهایت توان گام زده است.

من از ویرانه‌های دور شرم

زنی که از آغاز

با پای برهنه

عش تند زمین را

در پی قطره‌ای آب در نور دیده است.

زنی که از آغاز

با پای برهنه

همراه با گاو و لاغرش در خرمنگاه

از طلوع تا غروب

از شام تا بام

سنگینی رنج را لمس کرده است.

من یک زنم

از ایلات آوار و دشتها و کوهها

زنی که کودکش را در کوه بدنیامی آورد

و بزش را در پهنه دشت از دست میدهد

و به عزای نشیند

من یک زنم

کارگری که دستهایش

ماستین عظیم کارخانه را به حرکت درمی آورد

و هر روز

توانا شیش را دندانهای چرخ

ریزریزی کند پیش چشمش

زنی که از عصاره بی‌جان

پروا برتری شود لاشه خونخوار

و از تنبیه‌های خویشتن افزون‌تر می‌شود سود سرما به‌دار

زنی که مرادف مفهومی

در هیچ جای فرهنگ تنگ‌آلود شما

وجود ندارد

که دستهایش سفید

قا متش ظریف

که پوستش لطیف

و گیسویش عطر آگین باشد.

من یک زنم

با دستهای که

از تیغ برنده‌ی رنج‌ها

زخم‌ها دارد

زنی که قا متش از نهایت بی‌شرمی شما

در زیر کارتا و نفرسای

آسان شکسته است. زنی که پوستش آئینه‌ی آفتاب

کویراست

و گیسویش بوی دودی دهد ...



ورشکستگی اقتصادی و استقرار خارجی

در تحلیل سیاسی اوضاع کشور، رخ داده‌ها و تحولات آتی سیاسی - اجتماعی، پیگیری مداوم اخبار و تحولات اقتصادی و بررسی نقش این تحولات در گسترهٔ حیات سیاسی، از اهمیت غیرقابل انکار برخوردار است. نشریه پیام کارگر تلاش دارد تا از این پس، با بازنه‌نگار اخبار اقتصادی، تا با اخبار اقتصادی و کیفی اوضاع اقتصادی کشور، به این وظیفه خود بپردازد. بی‌گمان بدیهی است که انتقال صرف اخبار اقتصادی، برخلاف اخبار سیاسی، نمی‌تواند مفید و فایده‌بخش باشد. از این رو، ما خواهیم کوشید تا ضمن اشتغال این اخبار، جوانب عمیقاً موثر رخ داده‌های اقتصادی را با زیگناتیم و زبان تخصصی و پوشیده‌اقتصادی را، از ورای نمودارها و آمارهای گنگ و الکن، به زبان سیاست به زبان حرکت ترجمه کنیم. با شکر همگامی خوانندگان در زمینه ارسال مطالب، اخبار و نظریات در عرصه مسائل اقتصادی، به پرباری و غنای این اقدام "یاری رساند."

نه در هنگام مسافرت یا تحویل، بلکه در زمان تعیین شده‌ای، پرداخت می‌نمایند. جمهوری اسلامی از پدیده یوزانس و سیعاست استفاده می‌کند و حتی در بودجه ارزی کشور برای سال ۶۷، این پدیده را بعنوان بخشی از درآمد های ارزی کشور بحساب آورده است! لازم بتذکر است که بنا به شیوه عمل پدیده یوزانس، میتوان آنرا جزء و امثالی کوتاه مدت بحساب آورد. یکی دیگر از اشکال اخذ واپوشیده که بگونه‌ای وسیع در جمهوری اسلامی مطرح شده است، عبارت است از روش "بای بک"، بر اساس این شیوه، دولت و بخش بخش خصوصی زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را فراهم میسازد، سرمایه خارجی با استفاده از زنجیر و کارآرزان، کالاهای مورد نیاز خود را تولید می‌کند و کالاهای تولید شده را یا در بازار خود یا در بازارهای بیرون بفروش میرساند و بخشی از درآمد حاصله را به دولت و طرف قرارداد واگذار می‌کند. گاهی میتوان سود زوش شراکت دولت و سرمایه خارجی بگونه‌ای با شکره دولت "کارمزد خود را بصورت ترکیبی از سود و کالای بگیرد.

جمهوری اسلامی چنانکه خاطر نشان گردید، تاکنون به شیوه یوزانس اخذ واکرده است. روش "بای بک" که در واقع جذب سرمایه تولیدی خارجی است، خود ملزوماتی دارد و آن جمله ایجاد و حفظ "امنیت تولید" است که بر بسترافتشائات ناشی از جنگ و مسائل پس از آن، هنوز برآورده نشده است. ما در ادامه بین سلسله مقالات به‌وجه مشخص بحران اقتصادی کشور و نحوه مشخص استقرار خارجی خواهم پرداخت.

★
منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه
شماره ۱

استقرار خارجی گرچه اینک به موضوع بحث رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی بدل شده است، ولیکن در پشت درهای بسته محافل حکومتی و قدر قدرتهای دست‌اندرکار، پیش از این مورد بحث واقع شده و تصمیمات لازم اتخاذ شده است. استقرار خارجی و اخذ اعتبار ارزی از محافل بولی و مالی انحصارات، خود پدیده‌ای چندوجهی است و اشکال مختلفی دارد. استقرار خارجی را می‌توان در دو دسته عمومی تقسیم‌وارا شکر کرد. استقرار پوشیده و استقرار علنی.

استقرار علنی

استقرار علنی یا اخذ اعتبار رسمی عبارت است از اخذ وام از سیستم بانکی امپریالیستی - امپریالیستی بین‌المللی (بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه - صندوق جهانی ...). و یا مستقیماً از دول امپریالیستی یا انحصارات مالی، به‌بسیار پذیرش تعهد مبنی بر بازپرداخت اصل و مدرزمان تعیین شده با فاه بهره کلان و امبخش اعظم بدهی‌های خارجی کشورهای از توسعه دورنگهداشته شده و نیمه صنعتی را همین استقرار علنی تشکیل میدهد. بهره این قبیل و امها فوق‌العاده گزاف و شرایط دادن چنین اعتباراتی فوق‌العاده شوارو "تعهدزا" بوده و عموماً با خواسته‌های سیاسی معینی - که معمولاً در قراردادها انعکاس نمی‌یابند - همراه است.

استقرار پوشیده

اگر استقرار علنی - رسمی - موضوع بحث درونی محافل حکومتی محسوب میشود، مسئله استقرار پوشیده به عرصه مطبوعات دولتی کشیده شده است. استقرار پوشیده نیز مجموعه‌ای از شیوه‌های اخذ و امها شامل میشود که برخلاف استقرار رسمی، در لاف‌های معینی و تحت عناوین نا روشنی صورت می‌گیرند. در یک کلام استقرار پوشیده را میتوان "اخذ وام در تریکی" نام نهاد. بعنوان نمونه پدیده "یوزانس" یکی از اشکال اصلی استقرار پوشیده بحساب می‌آید. جمهوری اسلامی مدت‌هاست که کار بحث بر سر حلال و حرام بودن یوزانس را سپری کرده و مستقیماً از این شیوه استفاده می‌کند. یوزانس به زبان سیاست، یعنی خرید نسیم، این شیوه بدین صورت بکار گرفته میشود که دولت با بخش خصوصی، کالاهای را وارد می‌کند و پول واردات این کالاهای

و جوه شرط اول با زسازی اقتصاد کشور محسوب می‌شد. بحران اقتصادی خادکار کم‌برک شورتز ریست - شیره اقتصاد بی‌هکام هیولای جنگ، رمقی برای اقتصاد کشور باقی نمانده بود. بیت‌المال موربانه زده جمهوری اسلامی که همه ساله تنها به سرب استقرار از سیستم بانکی کشور، قادر به جبران کسری بودجه خود بوده و هست، قطعاً نمی‌توانست و نخواهد توانست حلال مشکلات ریالی مربوط به با زسازی اقتصادی باشد. درآمد ارزی جمهوری اسلامی که عمدتاً از طریق صدور نفت تامین میگردد، نیز در پی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی این کالا، بحدی کاهش یافته است که نه تنها چاره ساز با زسازی اقتصادی نیست، بلکه حتی کفاف نیازهای جاری ارزی کشور را نیز نمی‌کند. درآمد ارزی رژیم که در سال مالی ۶۲ - ۶۱ بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار بود، در سالهای اخیر، گاه حتی به یک سوم کاهش یافت. تجربه سال مالی ۶۲ - ۶۱ بوضوح نشان داد که "اقتصادیتر و دلار" خادکار کم‌برک کشور، حتی با واردات ۲۲ میلیارد دلار نیز قادر به حل مشکلات خود نیست و نمی‌تواند حتی نیازهای مصرفی جامعه و کالاهای واسطه‌ای تولیدی را تامین نماید. بدیهی است که رژیم جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود تا با سطح درآمد ارزی فعلی کشور، مسئله با زسازی اقتصادی و عمرانی را پاسخگو باشد.

کشورهای امپریالیستی و شرکتهای فراملیتی نیز که در اثر جنگ مقدس "سودهای هنگفت و کلانی به جیب زده بودند، اینک با بررسی دقیق اوضاع اقتصادی هر دو کشور درگیر جنگ می‌کوشیدند تا از نعمات بیکران و حلاوت "با زسازی مقدس" نسیب نصیب کافی ببرند. نیاز ارزی جمهوری اسلامی باعث شد که تا آنجا که روابط حسنه و برادرانه با دول امپریالیستی و اقمار آن برقرار است، این روابط بسط تحکیم گردد و آنجا که برقرار نیست - یا رسماً نیست - این نیاز ارزی، چون "محلل معتمد" در احیای این روابط موثر افتد. جای بحث نیست که بر سر ایفای نقش "دلار مقدس" در با زسازی اقتصادی کشور، موافقی نیز عمل می‌کنند که آخرین آن قطعاً صدور حکم عدم سلمان رشی است که بیگمان کار "محلل" را به دشواری می‌اندازد و اذهان عمومی غرب را تحریک کرده و مانع از "بله برون" انحصارات امپریالیستی می‌گردد.

نقد فیلم...

از صفحه ۷

اعلامیه‌گان نون نویسندگان ایران

درباره سلیمان رشدی



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
Iranian Writers' Association (In Exile)

« بشکنید این قلم‌ها را! »

۱۷ تیرماه ۱۳۸۹ / ۲۸ بهمن ۱۳۶۷

این فرمانی است که خیزی ده سال پیش، برای بسیج دشمنان آزادی و در هم کوبیدن آزادی قلم صادر کرد. از آن زمان تا کنون کارگزاران این حکومت لحظه ای از اجرای این امر باز نایستاده اند. امدام جسی از شاعران و نویسندگان و مترجمان، به بند کشیدن بسیاری از اهل اندیشه و هنر، تبعید و آوارگی بخش عظیمی از روشنفکران ایران، روشنگر کشتار فرهنگی جمهوری اسلامی است.

فرمان قتل سلیمان رشدی از سوی حکومت اسلامی ایران، به چرم نوشتن کتاب «۱» و تعیین جایزه های منگفت برای سر او امری است که جهان را به شگفتی آورده است، اما برای نویسندگان و روشنفکران ایران، که ده سال تمام موضوع و ناظر این گونه فرمان‌ها بوده اند، چندان شگفتی آور نیست. این فرمان تنها بُد جدیدی از کشتار فرهنگی جاری در ایران را به جهانیان راننده است. گویی نخستین بار است که چشم جهان بر متن فاجعه ای گشوده می شود که ده سال تمام، مردم و در میان آنان، نویسندگان، شاعران، هنرمندان و اندیشمندان ایران قربانی آن بوده اند؛ واقعیتی پر از درد و دریغ و واقعیت دردناک تر و دریغ انگیزتر این که کسی در جهان خارج، از کشتارهای هزار هزار در ایران این گونه بانگ برداشت که اکنون بسیاری از همه سر - و بی گمان به درستی - بر سر سرزشت یک نویسنده خود فریاد بر می آورند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)، اما، حرمت آزادی و جان را در همه جا و برای همه کس پاس می دارد و متنی در پیوند این فرمان را، با واقعیت حضور خود در تبعید، در همه ابعاد فکری و حسی آن در می یابد.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) همچنین، ایمان و اعتقاد پیروان همه ادیان و مذاهب را، بدون هیچ استثناء، حرمت می نهد؛ اما بهانه کردن هیچ آئینی را برای سرکوب اندیشه روا نمی دارد و بر این باور است که نویسنده، شاعر، هنرمند، اندیشمند و پژوهشگر باید در آفرینش و پژوهش هنری و فکری آزاد باشد و سخن خود را آزادانه بیان دارند و دستاوردهای خود را بی هیچ بیسی در دسترس همگان قرار دهند. دایره دستاوردهای آنان، و پذیرفتن یا نپذیرفتن آن‌ها، تنها با خیراندگان، پیشندگان و شرفندگان است و بی:

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)؛ بی آن که هیچ نظری درباره سحتاری نوشته های سلیمان رشدی ابراز کند، باور دارد که او، همچون هر نویسنده دیگر، باید از آزادی بیان برخوردار باشد و هر آن کس که نوشته او را نمی پسندد یا روا نمی شرد نیز باید در بیان نظر خویش آزاد باشد، نه آنکه تمد جان او را کند.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) هبستگی خود را با سلیمان رشدی، به متزنان یک نویسنده اعلام می دارد.

فرمان قتل این نویسنده، همان داستان کهن «شکستن قلم» است، و بر دار کردن اهل قلم، که اینک با دست ساجبان سمد و قدرت از ایران، به دیگر گوشه های جهان صادر می شود تا هراس بر انگیزد و بانگ قلم را در گلر بشکند. مرگ یا هر حادثه ناگوار دیگر که بدین انگیزه برای سلیمان رشدی یا هر نویسنده یا هر کس دیگر در هر گوشه جهان رخ دهد، مهر حکومت اسلامی ایران و نقش انگشت کارگزاران آن را بر خود خواهد داشت. ملت ایران، اما، با هرگونه اقدامی از این دست بیگانه، و از آن بری است.

کانون نویسندگان ایران (در تبعید) از همه نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان جهان می خواهد که هبستگی خود را با نویسندگان، روشنفکران و هنرمندان ایرانی که بی دفاع در زیر تیغ اخته جمهوری اسلامی ایران به سر می برند ابراز دارند.

هیات دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

سیکی ناشناس نیست، ولی او سبک و حال خود آنرا بکار گرفته و خلاقیت و بی‌زراهی در آن داشته است.

آیزن اشتاین روسی در دهه انقلاب، بدرا بین سبک‌گارشنا ختمه میشود و فیلسم "رژمن و پاتمکین" و نمونه بهترین فیلم‌تاریخ سینما است. این گفتار نه‌بنا معنی است که تنها با چنین شیوه‌ای میتوان بهترین آثار را بوجود آورد، اگر با این سبک بیانی، ما کسیم‌گورکی، جک لندن، اشتاین بک، صمدبهرنگی و بسیاری دیگر از خلاقان ادبیات و هنر را سراغ داریم، در مقابل داستایوسکی، کلبو، کافکا، بونوشل، مولوی، لورکا و خیلی‌های دیگر هستند که با شیوه‌ای درون‌گرا به‌کنجینه خلاقه‌هنری بشرافزوده اند. و با نویسنده‌توانانی مانند کنتارد "خشم‌وهیا هو" از چشمه قل قل زن ذهنیت یک دیوانه‌زبان بازمیکنند و مثل روح آب جریان می‌یابد و بتدریج در طول کتاب چنان لحن خود را تغییر میدهد که در پایان رمان، زبان تاریخی نویسنده‌ای بخود می‌گیرد و تاریخ و ملت آمریکا را با دیدی استنادی به نقد می‌کشد. مقصود آنکه انتخاب این سبک بیانی فی‌نفسه از مزیت و برتری برخوردار نیست. مهم استفا ده‌خلاق از ابزار وسیکی است که انتخاب میشود. و علامه‌زاده در این فیلم خود از چنین توانی برخوردار بوده است. گاهی حرکت‌های دوربین او در صحنه‌ها چنان گویا است که روح صحنه را با سانی و زیبا سنی انتقال میدهد؛

تعقیب "پوری" با دوربین در سالن خلوت هتل و دنبال کردن او تا بیسالی پله‌ها، البته با او را در دل سپردن به "مهندس محسنی" زیبا سنی نمایش میدهد. در صحنه زندان، دوربین بگرد "مهندس محسنی" با آن فیگور سمبلیک می‌چرخد و تردید "پوری" در آشنائی دادن با او جلوی مقام منیتی ترک آشکار میشود.

چرخیدن دوربین به دور مسئول اداره قاضی آمریکا، در آن اتاق شیشه‌ای، مفهوم بریاری از بوروکراسی و بی‌توجهی به انسان آوار را در بردارد. و صحنه‌ی زیبای پرواز هواپیما از فرودگاه استانبول، پروازی است بگونه‌دل بی‌قرار "پوری" که چون غولی سنگین بسختی از زمین‌ظالم‌کننده میشود و با کندی به دنیا می‌آید و آلوده‌رزوها بر می‌کشد. چرخش و حرکت دوربین روی سوژه‌بشکلی است که بیان زیبایی‌شناختی و نویژه‌ای را در بردارد، دوربین با حذف اشیاء نزدیک به خود، کار در اطوری روی سوژه می‌بندد تا هنگام حرکت، تغییرات سریع و پرنسبکتیو ذهن بیننده را متوجه حرکت‌گردشی دوربین نکند، بلکه، تغییرات تصویری درون نما، بدون شناخته شدن منشاء فنی آن، احساسات بیننده را متوجه تغییرات حالات درونی سوژه نماید. این نوع بیان بیرونی حالات درونی، درباره فنی خلاق از تا تیرات حرکت دوربین و یک سینمای ناب است. نهایت فیلم‌گفتنی بسیار دارد. کارگردان در اثر خود شدیداً مبارزه‌جوست، ولی برخلاف معمول سینمای بیرونی، از دادن شعار دوری میکند، بلکه بیام و در طول فیلم همواره حضوری قاطع و شعرگونه می‌یابد. آینه‌ای برقرار میدهد تا آغاقصه در آن زبید در آن نظاره شود. قصه‌جهانی واقعی با تمام پستی‌ها و سرفرازی‌هایش.

در کلام آخر، این سینمایی است نو روشن اندیش برای عامه مردم و هنرمندان چنین در خورد تقدیر.

جمهوری اسلامی در فستیوال فیلم‌ها فشاء شد

فیلمهای ایرانی به‌هیچوجه قصد تبلیغ برای رژیم می‌کند مسئول کشتارها و اعدای مهای فدیشری در ایران است راندا ریم و نخواهیم داشت.



منتشر شده است:
طرح جدید اساسنامه

کشور دوربین تماشاچیان فیلمهای ایرانی بخش کرده و بیانیته‌ای را با همین مضمون به مسئول برگزارری فستیوال آقای "گونا رکارلسون" تحویل و از وی محکومیت جمهوری اسلامی را خواستار شدند. در این بیانیه هم‌دو نفر از فیلمبرداران تلویزیون ایران "فرج الله‌ده‌مرزی" و "نا درمهریان" که توسط رژیم تیرباران شده‌اند، درج شده‌بود.

دربی این اقدام بسیار بجا و افشاگرچند روز بعد، روزنامه فستیوال (در اکن شماره ۶) طی اشاره‌ای به بیانیه ایران‌نیان از قول مسئول برگزارری فستیوال چنین نوشت: «با شما بیست

در جریان یا زدهمین فستیوال فیلم‌شهرگوتنبری (۲۷ تا ۵ ژانویه) که هر ساله در این شهر برگزار میشود دو فیلم از دو کارگردان جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شد. این دو فیلم که با حمایت رژیم اسلامی به این نماشگاه فرستاده شده بودند، بحثهای زیادی را پیرامون خود برانگیختند و چهره فدیشری و فسد هنری رژیم فقها را عریان ساختند. چرا که توسط گروهی از هنرمندان ایرانی تبعیدی مقیم گوتنبری اعلامیه‌ای در رسوایی جمهوری اسلامی و ایستاد جنایات فدیشری این رژیم در طی سالهای حکومتش، بویژه در چند ماه اخیر قتل عام و نسل‌کشی جوانان

جبهه خلق در پرو

خونین بر علیه چپ قانونی که آنها را دست نشانده میداند، عملی میکند، کلیه کشورهای سوسیالیستی موجود در هیران انقلابی نظیر هوئی مین و چه گوارا - به استثنای ما توسعه دون - را رد کرده و خود را به عنوان "پیشترتها جماعترا تزیک انقلاب جهانسی" معرفی میکند، در همین حال روبرو شدترین جنبش چریکی آمریکا را لاتین می باشد، با یه اجتماع عسی این جریان اقتار بلحاظ اجتماعی و فرهنگی حاشیه نشین اند (جمعیت حاشیه تولید)، "راه درخشان" از این خصومت به این نحوی استفا ده میکند که ایسین اقتار را در اجتماع منزوی شده از محیط بیسرون سازمان میدهد. مثلا در مناطق روستائی، تولید محصولات برای فروش در بازار ممنوع بوده و بازارهای منطقه ای و روستائی یکی پس از دیگری بسته میشوند تا یک اقتصاد حداقل - اقتصاد بخور و نمیر - بتواند مستقلا دامه حیات یابد، هدف این اقدامات قطع کامل همه ارتباطات بین دولت مرکزی و توابع آن از جمله با شیوه نای بودی نمایندگان مجلسی حکومت میباشد، درحالیکه "راه درخشان" در ابتدا مفا هیم ما ثوئستی مفا مره شهرات طریق روستا را دنبال کرده و توابع است که با لاجره در عقب مانده ترین مناطق کشور که همان مناطق سکونت سرخپوستان نیز می باشند یعنی ایالت آریا کوچو - با مبارزه قاطع با ارتش، پلیس و عوامل غیرنظامی واقعی و موهم دولت - کدخدایان - وحتى کادریهای جیانتا چپ قانونی، مستقر شود، از پایان سال ۱۹۸۷ فعالیت های خود را به شهرها نیز گسترش داده و امروزه از نظر نظامی و سیاسی تقریباً در همه مناطق کشور حضور دارد، دقیقاً در اینجا است که اقدامات وی، توسعه مبارزات اجتماعی غیرنظامی را با دشواری مواجه میکنند زیرا این اقدامات بهای نهایی به ارتش برای سرکوب کامل میدهد، و سرکوبگری ارتش که با کشتار توده ای و شکنجه مشخص میشود و اساساً متوجه جمعیت غیرنظامی است، بدون تردید دلیل اصلی بقاء و توسعه طولانی مدت این جریان است، نتایج ترور دولتی تا اواسط سال گذشته بصورت بیلانی زیر ذکر شده است: ۱۲۰۰۰ قتل، ۳۰۰۰۰ نا پدید شده و حدود ده میلیون رددلار خسارات مادی، بنا بر این وقتی که بعنوان مثال حزب کمونیست پرو (که "راه درخشان" را با عنوان "فاشیستی" ارزیابی میکند، نظری که در "چپ متحده" مورد پذیرش همه نیست) در اینباره نگران است که سرکوب دولتی است که راه را برای امثال "راه درخشان" هموار میکند، به این واقعیت توجه نمی کند که سرکوب وحشیانه ارتش، با سطح قانومند بورژوازی پرو به توسعه جدی مبارزه طبقاتی است و "راه درخشان" نیز در تحلیل نهائی با سخی به ویژگیها و متدهای طبقاتی تا کم در پرو است و نشانه

بالکس .

از اکتبر سال ۱۹۸۷، "راه درخشان" در ایالتی



بیکار رند، بورژوازی بومی و امپریالیستی سودهای دا ثما فزاینده خود را به خارج منتقل میکنند، مثلاً تنها در سال ۱۹۸۷ مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار توسط شرکت نفت آمریکا بی "اکسیدنتال پترولوم" به خارج منتقل شده است، و این درحالیست که درآمد ناشی از صادرات، از سوی دولت به طلبکاران خارجی پرداخت میشود، اینکده این سیاستهای دولت از نظریه سیاسی بدون تنبیه باقی نمی ماند از این اظها رنظر آقای خا ویردیزکا نسکوب - دبیر اول حزب "PARTIDO UNIFICADO MARIATE GUISTA" از احزاب عضو جبهه بخوبی قابل نتیجه گیری است که پرورد آمریکا را لاتین به آن گروه از کشورها بی تعلیق دارد که دارای بالاترین سطح سازماندهی اجتماعی می باشند، وی در یک مفا حبه چنین اظها رنظری - کند:

"درحالی که با دشواری غیر قابل شمارشی از تشکلهای وجود دارنده و تشکلهای غیر رسمی (اقتصاد) اتحادیه های خود را دارند، مثلاً اتحادیه دستفروشان خیابانی، که مبارزات فشرده ای را به راه می اندازند، در لیما مناطقی وجود دارد که در آن پلیس نمی تواند کسی را جریمه کند، وقتی پلیسها نزدیک میشوند تا جریمه را بستانند و یا اجناس دستفروشان را ضبط کنند، خودشان دستگیر و تا غروب زندانی شده و سپس بیرون انداخته میشوند، تنها در شهر لیما ۳۰۰ تن ۳۲۰ هزار دستفروش وجود دارد، به علاوه سازمانهای "ادامه حیات" نیز وجود دارند؛ آشپزخانه های خلقی، کمیته های شیر، کارگاه های کوچک، و غیره"، برای تشکلهای با ید اتحادیه های صنعتی بشدت رزمنده و تشکلهای دهقانی که دارای رزمندگی کمتری نبوده و در سطح کشور پخش شده اند را نیز افزود، "فدراسیون عمومی اتحادیه های زحمتکشان پرو" (GGTP) تنها در همین مدت اخیر چپ را اعتصاب سراسری موفقیت آمیز را به انجام رسانده است.

و با لاجره این تحولات با همراهی بخش منفی دوسا زمان چریکی تکمیل میشود، سازمان چریکی قدیمی تر "راه درخشان" است، این سازمان بعنوان بازوی مسلح حزب کمونیست ما ثوئست پرو تحت رهبری پروفوسور فلسفه و کادری سابق حزب کمونیست "آیما نل گوتسن" با نامهای "رئیس گونزالس"، "خورشید سرخ" و "شمیرما رکسیم" قرار دارد، "راه درخشان" که در سال ۱۹۸۰، سالیکه "چپ متحده" نیزس پایه گذاری شد، بوجود آمد، از گروهی انشعابی از حزب کمونیست پرو تغذیه میشود که در انشعاب سال ۱۹۶۴ از حزب مزبور، اقدام به انتشار روزنامه ای نمود که در پائین نام خود شعار "در راه درخشان خوزه کارلوس ما ریانگوس" را درج مینماید، "راه درخشان" که ادعای رهبری نامشروط بر همه - چسپ انقلابی را داشته و چنین ادعائی را بخشا با خشونت

محسوب میشود، وظیفه کنگره ما ایجا دیک جبهه سیاسی مستقل و توانا با نهجی است که احزاب عضو آن هویت مستقل خود را از دست ندهند، طیف احزاب شرکت کننده - تقریباً همه احزاب چپ - که از کنگره حمایت کرده و در تشکیل جبهه خلق مشارکت داشته اند از ما ثوئستها و ترولستیکستها - کمونیستهای ارتدکس را در بر میگیرد، از جمله حزب کمونیست پرو و سازمانهای انقلابی چسپ، چپهای مسیحی و مستقل و نیز سوسیال دموکراتهای چپ، خورخه دل پرادو دبیرکل حزب کمونیست پرو به عنوان مدبر رهبری دسته جمعی "جبهه انقلابی خلق"، انتخاب شده است، تا ماه اوت سال گذشته قریب به ۱۳۰۰۰۰ نفر بعنوان اعضاء جبهه نامتوسی کرده و این اعضاء ۳۵۰۰ نماینده خود را به کنگره اول فرستادند، از نظر تعداد اعضاء، جبهه توانست حزب ARPA که در ۶ سال گذشته نیرومندترین حزب این کشور بوده است را پشت سر بگذارد، اهمیت تشکیل کنگره فوق اما تنها به پرو محدود نمی شود، ایسین کنگره بعنوان یکی از مهمترین حوادث سیاسی سالهای اخیر در پرو، در همین حال یکی از نیرومندترین جبهه های چپ در تمام آمریکا را لاتین را نیز تشکیل داده است.

نیرومندی جبهه، قبل از هر چیز با سهام مل توضیح داده میشود، سقوط تاریخی ARPA و رهبران آن الان گارسیا، رئیس جمهور سابقا چپ پرو، را بطه فشرده جبهه با مجموعه سازمانهای اجتماعی و با لاجره وجود یک جنبش در حال رشد چریکی که بخشا در تضاد آشکار با آن قرار میگیرد.

سقوط تاریخی ARPA در وهله اول نتیجه قول و قرارهای عوام فریبانه - و اجرا نشده - راجع به گمستن گام به گام از دخالتهای "صندوق بین المللی پول" است که با اتکاء به آنها، آلان گارسیا رهبر جوان این حزب در ژوئیه ۱۹۸۵ با رقم ۹۶٪ در صدر جدول محبوبیت سیاسی قرار گرفت، سیاست نیمه کاره و متزلزلی که با ماهیت سوسیال دموکراتیک حزب مزبور انطباق دارد موجب شده که در زمینه های اجتماعی و اقتصاد، بحران به حدی تشدید شود که تنها در سال گذشته چهار روزی را اقتصادیکی پس از دیگری عوض شوند و این کشور دوباره برای گدائی سراغ صندوق بین المللی پول رفته و در مقابل آن از آنسو به زمین گذارد و آقای گارسیا پس از آنکه محبوبیتش به ۱۶٪ رسید از شرکت در انتخابات سال ۱۹۹۰ خود - داری کند، به واقع نیز امروزه پرورد عمیق ترین بحران تاریخ خود بر میبرد، بدهی خارجی ایسین کشور معادل ۱۷ میلیارد دلار بود، موازنه پرداخت آن منفی است و منابع ارزی به انتها رسیده اند، تولید در بسیاری از رشتهها بشدت افت کرده و ایسین کاملاً متوقف خواهد شد، نرخ تورم تنها در فاصله بین سیتا مبرودا مبر سال گذشته از ۱۱۴٪ به ۱۰۰۰٪ رسید، حدوداً جمعیت توانا به کار، کاملاً و یا تقریباً

وزنوٹلا

● بدنبال اعلام اقدامات دولت در جهت صرفه جویی و حذف سوبسید قیمتها، پایتخت این کشور و مراکز مهم شهری آن با موج شورشهایی روبرو شد که تا کنون در کاراکاس پایتخت و ونزوئلا حداقل ۲۵۰ کشته بجای گذاشته است. دولت سوسیال دمکرات حاکم در ونزوئلا، کشور شروتمندی که میلیاردها دلار بدهکار است، بالاخره پس از مدتی تردید مجبور به تمکین در مقابل صندوق بین المللی پول و پذیرش دستورهای این صندوق شد که با مواجبه موج انفجار رخ نموده های فقرزده، ابتدا به برقراری حالت فوق العاده و لغو مقررات قانونی مربوط به شرایط عادی و سرکوب خونین توسط ارتش دست زد و سپس بعد از اینکه روشن شد که سرکوب چاره ساز نیست و مردم فقیر علیرغم حضور تا نگها و مزدوران مسلح در خیابانها دست از غارت مغازه های مواد غذایی بر نمی دارند، اعلام نمود که حداقل دستمزد را تا به مقدار ۵۰٪ افزایش میدهد. پس از اعلام افزایش چشمگیر دستمزد و با رد ای اقدامات مشابه، اوضاع ظاهرا روند عادی شدن را طی میکند و برای شتاب دادن به این روند است که ارتش و ونزوئلا اقدام به پخش مجانی مواد غذایی در مراکز فقیرنشین کاراکاس نموده و مقررات حکومت نظامی را تا حدی شل کرده است.

● در جریان درگیری بین ارتش اسرائیل و جوانان فلسطینی که دو باره شدت یافته است، در هفته اول ماه مارس ۲۰ جوان فلسطینی کشته شده اند. در شهر نابلس از سوی ارتش اسرائیل مجسدها حکومت نظامی برقرار شده است و سربازان اسرائیلی به یک بیمارستان ملیب سرخ حمله نموده و آنسرا اشغال کردند.

اخبار خارجی

برلین

● پس از پیروزیهای انتخاباتی احزاب سوسیال دمکرات و سبزها (لیست آلترناتیو) در شهر برلین و نیز شکست مذاکرات حزب سوسیال دمکرات و حزب دست راستی دموکرات مسیحی برای تشکیل حکومت ائتلافی در شهر برلین، بنظر میرسد که سوسیال دمکراتها با لایحه ائتلاف با سبزها روی آورده و آنها را عملی کنند. تاکنون طرفین بر سر اصول حاکم بر ائتلاف خود به نتیجه مشترک رسیده و این توافقات در کنفرانس های هر دو حزب مورد تأیید قرار گرفته است. اکنون مذاکرات بر سر این جریان دارد که مقامات اجرایی در حکومت محلی به چه نحوی تقسیم شوند. بر طبق ادعای حزب سوسیال دمکرات، ائتلاف این حزب با سبزها بر حفظ صلح، امنیت، رفاه اجتماعی و همبستگی صورت میگیرد و این ائتلاف تلاش خواهد نمود تا مشکلات اجتماعی برلین نظیر بیکاری، مسکن و غیره را هر چه زودتر حل کند. همچنین طرفین به توافق رسیده اند که در برلین به خارجیان مقیم این شهر اجازه شرکت در انتخابات محلی داده شود. این توافق که هم اکنون از سوی سوسیال دموکراتها در سائر نقاط آلمان نیز مطرح میشود با مخالفت شدید احزاب دست راستی و نئونازیها روبرو شده و شدت یافتن تبلیغات ضد خارجی از سوی احزاب میزبانی و اعتراض وسیع تشکلهای فدائیتستی، اتحادیه های کارگری و سازمانهای کلیسایی مواجیه شده است.

وین

● کنفرانس وزرای خارجه موافقت نامیه هلندی (کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا) در وین آغاز بکار نموده است. در این کنفرانس علاوه بر مذاکرات جداگانه وزرای خارجه آمریکا و شوروی، مذاکرات گسترده ای بین ۲۵ کشور عضو پیمانهای ورشو و ناتو و نیز کشورهای بیطرف اروپایی رایج به کاستن از تسلیحات غیر هسته ای در جریان است. همچنین از سوی پارهای از شرکت کنندگان مذاکره بر سر سلاحهای شیمیایی نیز پیشنهاد شده است. بعلاوه دربارها افزایش اعتماد و امنیت طرفین مقابل نیز مستقلا مذاکره میشود. در مذاکرات حول کاهش سلاحهای غیر هسته ای در اروپا، قرار است که بر مبنای "هرکس بیشتر دارد، اول کم کند" عمل شود. بر اساس این اصل، هر دو پیمان به مقدار مساوی نظامی خود برداشته و توافق خواهند نمود که بر تریبهای طرف مقابل در ابتدا از میان برداشته شود. بر طبق ادعای ناتو، پیمان ورشو در زمینه نیروهای تانک و زرهی دارای برتری است. در حالیکه پیمان ورشو معتقد است که نیروهای دریایی و هوایی تا سرب برتری غیر قابل انکاری دارند. حصول توافق بر سر همه این موارد به علت فقدان معیارهای مسود توافق طرفین، موقعیت جغرافیایی گوناگون کشورهای و نیز سیاستهای امنیتی و نظامی هر کشور به سهولت صورت نگرفته و محتاج مذاکرات طولانی و همه جا نبسته خواهد بود. در همین رابطه آلمان فدرال و لهستان توافق نموده اند که مشترکا اقدام به تشکیل یک کمیسیون از دانشمندان و متخصصین دو پیمان برای تعیین معیارهای ارزش گذاری نیروهای مسلح و توان رزمی آنها بکنند.

جبهه خلق در پرو

شده است که از چپ ناسیونالیست برخاسته و جنبش انقلابی توپاک آمارو (MRTA) نامیده میشود. این جریان تلاش میکند که از زیاده روی های خونین "راه درخشان" اجتناب کرده و خود را هم بعنوان دشمن چپ قانونی که آنها را غالباً فرمیست می دانند معرفی نمی کند. مبارزه MRTA هنوز به آن اندازه توسعه نیافته است که مبارزه "راه درخشان"، اگرچه این جریان نیز مرحله تبلیغ مسلحانه را پشت سر گذاشته است. ساخت تشکیلاتی این جریان در مقایسه با "راه درخشان" بسیار ساده و همین باعث آسیب پذیری آن - علیرغم همدلی های توده ها بواسطه اقداماتش - شده است.

مرفنظرا نقش بخش منفی که مبارزه مسلحانه تاکنون درقبال اشکال دیگر مبارزه اجتماعی عینی داشته است این مبارزه میتواند به زودی خود را به عنوان لنگر نجات تمام انقلابیون - وحتی فرمیستها - در پرو نشان دهد. نزول ARPA طبعانه فقط به تقویت چپ که همچنین به تغییر آرایش راست منجر شده است. بر طبق آخرین نظرخواهی،

کاندیدای ریاست جمهوری راست، نویسنده پروئی ما ریووا رگاس لوسا در صورتیکه انتخابات فوراً برگزار شود با کسب ۲۶٪ آرا، سه درصد بیشتر از کاندیدای ARPA لوئیس آلوا زکا سترو و هشت درصد کمتر از احتمال ترین کاندیدای چپ آلگونسیا رانتسینس رای خواهد آورد. البته "چپ متحده" بدون با رانتسینس شانس کمتری خواهد داشت. وی که تا قبل از کناره گیری، رهبر "چپ متحده" و شهردار لیما بود و نویسنده در کنگره و نویسنده حضور داشت، نماینده آن گرایشی در درون "چپ متحده" است که به نوعی همکاری ولسی همراهم با انتقاد با حزب حاکم ARPA تمایل دارد و بخاطر فشارها به ایدیکال اتحاد فوق استعفا داد. در صورتیکه جبهه خلق با رهبری وی بقدرت برسد، خطر تلاشی آن بواسطه تناقضات درونی اش، تناقضاتی که در کنگره و از نویسه به هیچ وجه رفع نشدند و وجود داشته و از این رو چنین شکستی راه پیشروی راست افراطی را هموارتر خواهد نمود.

چشم اندازهای سیاسی بورژوازی بزرگ پرو که خود سهم بزرگی در ناکامی فرمهای آلان گارسیا داشت، هنوز کمال روشن نیست. چپ پرو ما تاکنون موفق به تشخیص گرایش با رزی به مدل "پینوشه" -

فریدمن در این بورژوازی شده است - مدلی که بر طبق آن سیاست مشترک الیکارشی بومی و سرمایه مالی امپریالیستی در سمت گیری بسوی بازار جهانی با سرکوب نظامی توده ها توسط ارتش به پیش برده میشود. این مدل به هیچ وجه مستلزم کنسار زدن پارهای تشکلهای "دمکراتیک" در شهرها نیست، تشکلهایی که مثل امروز میتوانند به بیچاره ها نی عمل کنند که پشت آنها در مناطق روستایی مفهوم خونین "امنیت ملی" توسط سربازان عملی میشود. در چنین سناریویی که چندان هم غیر محتمل نیست، نفس وجود جنبشهای چریکی که تجربه نظامی دارند، از اهمیت غیر قابل چشم پوشی برخوردار است.

ک - فرایتاگ

(K-Freitag)

توضیح مترجم:

مقصود از مدل "پینوشه" - فریدمن "بکارگرفته شدن دستورالعملهای اقتصاددانان" "مکتب نیکاسو" متعلق به راست نوین و به سردمداری اقتصاددان آمریکایی میلتون فریدمن می باشد که در شیلی پس از کودتای پینوشه بکار گرفته شد.

از صفحه ۱۶

زنان فلسطین...

اسرائیل در سال ۱۹۴۸ ادا می یافت . .

دوره دوم از سال ۱۹۴۸ شروع شده تا ژوئن ۱۹۶۸ - یعنی پایان جنگ ژوئن و آغاز اشغال ساحل غربی و نوار غزه توسط اسرائیل - ادا می داشت. دوره سوم شامل مبارزات معاصر است که همچنان ادا می دارد.

این دوره بیندلی چهار رچوب مناسبی را برای درک رشد تاریخی مبارزه زنان فراهم می آورد. می- با یاد توجه کرد که از ۱۹۴۸ جنبش فلسطین با گسیختگی ها و افت و خیزهای مکرر روبرو بوده است. و این مبارزه مبارزه هم در دوران اسرائیل کنونی و هم در مناطقی اشغالی جاری است، و علیرغم مواضعی که در هر دو منطقه وجود دارند، مبارزه ایست واحد متحد.

۱- در دوره اول شرکت زنان بصورت غیرفعال، غیرمتشکل و گنگ بود، تحت قیمومت یک نظام اجتماعی محدودکننده آزادی حرکت برای زنان تقریباً وجود نداشت. با این وجود زنان برای اولین بار در سال ۱۸۸۴ در کنعان در اعتراض به احداث اولین آبادی نشین صهیونیستی (تزدیک شهر اوفوله) شرکت کردند. در نوا میسرال ۱۹۱۷ در پایان جنگ اول جهانی و انتشار ریبیا نیه با لغو، زنان در تظاهرات عظیمی شرکت کردند. در سال ۱۹۲۱ زنان فلسطینی با ایجاد "جامعه زنان عرب" در اورشلیم اولین قدم را به سمت فعالیت های سازمان یافته برداشتند و این در سازمان دادن تظاهرات بر علیه آبادی نشین های صهیونیستی نقش مهمی داشت. این شکل بعد از دو سال به علت کمبود مالی و فشار اجتماعی - سیاسی که بر زنان وارد می آمد از بین رفت. ولی بعد از مدت کوتاهی زنان با ایجاد یک "کمیته نجات" برای جمع آوری اعانه آنسرا احیا کردند. آنها همچنین یک "کنگره زنان" سازمان دادند. این کنگره یک نامه اعتراضی به پادشاه انگلستان و اتحاد ملل (LEAGUE OF NATIONS) (سازمان ملل کنونی) فرستاد و هیئت نمایندگی ۱۴ نفره برای ملاقات با نماینده عالی دولت انگلیس انتخاب کرد. این گروه خواستار لغو بیانیه با لغو اروپا و میان مهاجرت یهودیان شدند. طی مبارزات ۱۹۳۶ زنان اقدام به جمع آوری اعانه و بخش آن در میان افراد محتاج و بیخوس و خانواده های بازداشت شدگان کردند و غذا و اسلحه به مبارزین میرساندند. در سال ۱۹۴۸ در حالیکه نیروهای مسلح اسرائیلی کلیه قسمت های فلسطین را اشغال کرده بودند و جنگ خیابانی شروع شده بود مشهور است که زنی بنام حلوا زیدان Helwa Zaidan بعد از اینکه پسرش و شوهرش جلوی چشمانش کشته می- شوند اسلحه آنها را برداشته و آنقدر می جنگد تا خود کشته میشود.

۲- شاخص دوره دوم از ۱۹۴۸- ۱۹۶۷ عقب نشینی

از مبارزه مستقیم بود. طی این دوران فعالیت های سیاسی اجتماعی و عام المنفعه و جهاد ملی کار آنان بود. مشارکت زنان غالباً توسط ایدئولوژی رهبری مردسالارانه شکل میگرفت که در هیچ عمل مستقیم چه در فلسطین اشغالی که اکنون اسرائیل است و چه در ساحل غربی که بخشی از اردن شده بود نمی توانستند شرکت کنند. محدودیت هایی که دولت تازه تاسیس اسرائیل تحمیل میکرد شدت امکان ادا مبارزه را محدود کرده بود. فعالیت های مبارزه جویانه فقط به عده محدودی از زنان تحمیل کرده عمدتاً از طبقه بورژوا منحصر شد.

بدنبال تاسیس سازمان رها ثببخش فلسطین در سال ۱۹۶۴ "انجمن زنان فلسطینی" بوجود آمد و از این طریق بود که زنان در اولین جلسه "شورای ملی فلسطین" در اورشلیم شرکت جستند. در آن دوران برای غالب فلسطینی ها بقاء اقتصاد یک موضوع اساسی شده بود. دست دادن زمین برای کشاورزان بخصوص بلافاصله بعد از ۱۹۴۸ بمعنی این بود که جا معسه روستائی وارد مرحله کارمزدوری شده و یک پروسسه جدید پرولتریزه شدن جامعه روستائی فلسطینی ها آغاز شد. و زنان نمی توانستند از این قاعده مستثنی باشند. برای تامین خانواده ها، حیاتی بود که علی- رغم ورزش های مذهبی و محدودیت های اجتماعی به زنان اجازه داده شود که بکارمزدوری مشغول شوند. مسلماً این امر برای زنان امکان تحرک اجتماعی بیشتری را فراهم آورد - اگرچه ما با بیستی تا کیسید کنیم که آزادی تحرک لزوماً با آزادی ها و از جمله آزادی در تصمیم گیری را بدنبال ندارد. در چنین شرایطی، تحصیل با اهمیت ترین عنصر جامعه فلسطین شد (فلسطینی ها بالاترین رقم با سوادی را در دنیا ی عرب دارند). در سال ۱۹۶۵ "انجمن زنان فلسطین" اولین کنگره خود را برگزار کرد و در مراحل بعدی شعبات خود را در نقاط مختلف ساحل غربی بوجود آورد. این انجمن در سال ۱۹۶۶ توسط رژیم اردن غیر قانونی اعلام شد و با وجود این در آخر سالهای ۱۹۶۰ زنان بسیار فعال شدند اگرچه گروه های زنان عمدتاً شامل زنان تحصیل کرده از طبقات متوسط بودند.

۳- سومین دوره از مبارزه زنان در جنبش رها ثببخش فلسطین را با یدیه دو قسمت تقسیم کنیم. از ژوئن ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ و از آن به بعد تا امروز.

از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ مبارزه مسلحانه در جنبش فلسطین بر همه فعالیت های غلبه داشت. نقش زنان به حمل و نقل غذا و اسلحه برای فدائیان خلاصه نمی- شد. آنها در برنا مهربی و اجرای عملیات مسلحانه نیز شرکت میکردند. تعداد دکتیری از زنان بجزرم عملیات علیه اشغالگران به زندان افتادند.

در ساحل غربی و نوار غزه زنان در تظاهرات و سخنرانی های عمومی و غیره فعال بودند. اگرچه در شرایط اشغالی فعالیتشان نمی توانست چشمگیر باشد. از ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ زنان در سطح گسترده ای بسیج شدند. در حقیقت این دورانی بود که زنان با مسئله

ای غامض یعنی ایجا دتوازن بین دوگرایش متضاد یعنی شرکت در مبارزه ملی و نقش زن در تولید مثل روبرو شدند و دست و پنجه نرم کردند و این همه در حالیکه زندگی سه و نیم میلیون فلسطینی که در سراسر دنیا پراکنده اند در معرض تهدید قرار دارد. هما طور که بقاء فرهنگ فلسطینی در خطر است. در حالیکه سیاست مستعمراتی در کشورهای دیگر یک فشار سیاسی بود. است د فلسطین جنبه مذهبی هم افا می شود که استعمارگران را بیش از پیش مصمم به تشدید کنترل میکند. علاوه بر آن پراکنندگی مداوم جمعیت از سال ۱۹۴۸ یک تاثیر تخریبی در زندگی اجتماعی مردم فلسطین داشته است. آنها بی تاب بعلت فقدان پایگاه "میهن" برای مبارزه، هربا ر که کشور میزبان بعلت منافع ملی خودش تصمیم به بستن درهایش بسوی فلسطینی ها میگردد جنبش رها ثببخش ملی جا بجای میشود. با در نظر گرفتن این شرایط جنبش ناگزیر است همواره برای حفظ و تداوم خودش هم مبارزه کند. این عوامل موقعیت مشکلتتری را بسرای زنان فلسطین بوجود آورده و مستمندی را تشبیت میکند. این با ربا ط الزامات سیاسی، از یک طرف این مشارکت در مبارزه ملی نیست که با مانع روبروست بلکه خود مبارزه ملی است. و از طرف دیگر در فقدان یک دولت و حکومت خودی، خانواده نقش یک نهاد دقوی را بخود میگردد و زنان خود را حامیین فرهنگ فلسطین می بینند که تنها آنان میتوانند هر جا که هستند آنرا زنده نگاهدارند.

نقدی از فعالیت های زنان در جنبش آزادیبخش ملی

همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم ایجا د سازمان های زنان فلسطین به سالهای ۱۹۲۱ بر میگردد. امروز تنها در ساحل غربی حدود ۳۸ سازمان خیریه زنان وجود دارد که رسماً ثبت شده اند. این سازمانها طیف وسیعی از فعالیت های اجتماعی را بعهده گرفته اند که شامل میرنا مه های مراقبت از کودکان، بهداشت و سوادآموزی و ایجاد مراکز آموزش حرفه ای و خودگردانی و پروژه های مالی میشوند. مضافاً درک هر چه بیشتر از ثببخش مثبت شرکت زنان در مبارزه ملی منجر به ایجاد چهار کمیته زنان در او خرد دهه ۷۰ و اوائل دهه ۸۰ شد. نخستین کمیته از این نوع "کمیته کار زنان" بود که در سال ۱۹۷۸ در رمله RAMMALLAH توسط یک گروه از زنان با تحصیلات عالی و بلحاظ سیاسی و ایدئولوژیک با انگیزه بوجود آمد. این کمیته هدف خود را دستیابی به تعداد دکتیری از زنان و بسیج آنان در پیوستن به جنبش زنان و جنبش ملی قرار داد. این کمیته بسرعت در قسمت های بسیاری از مناطق اشغالی گسترش پیدا کرد و اعضایش به حدود ۲ هزار نفر رسید. اگرچه بین گسترش مشکلاتی را با خودش همسراه داشت همچون مباحثی در مورد لویته ها و تکیه های کهرروی جنبه های مختلف گذاشته میشد. سپس یک "کمیته زنان کارگر" تشکیل شد که لویته آن

آموزشی و غیره هم برسند. بعضی از این زنان توانسته اند موقعیت های بالاتری مانند آکادمیسن و محقق را کسب کنند و به پخش و انتشار اطلاعات درباره مسئله فلسطین به دنیا بیرون کمک برسانند. بنا بر آماره ۱۹۸۰ مشارکت زنان در موسسات مختلف جنبش به شرح زیر است.

موسسات	درصد
(رهبری)	۲۷
وسا ئل ارتباط جمعی	۲۴
خدمات اجتماعی	۶۵
طیلب سرخ فلسطین	۷۰
(رهبری)	۲۵
تحقیق	۴۵
برنامه ریزی	۲۶

اگرچه این ارقام نشانگر درگیر بودن زنان در بسیاری از زمینه های جنبش است ولی جنبش هنوز به زنان معمولی بخصوص زنانی که در کمپ های آوارگان زندگی میکنند و زنان روستائی که یک پروژه پرولتاریزه شدن را میگذرانند دسترسی پیدا نکرده است. آموزش برای زنان طبقه متوسط اماکنات درگیر شدن آنها را در مبارزه فرا هم میسرانند و این در حالی است که تعداد بین سنت و فعالیت سیاسی را حفظ میکنند. مشارکت زنان در جنبش بدون تردید بر زندگی و موقعیت زنان تا شکر گذاشته است. با این وجود میزان این تغییرات هنوز آن شدت قابل بحث است.

در جنبش های زها شیبخ ملی که چنیسن استراتژی برای مشارکت زنان دنبال شده است که در آن زنان شتویق به پیوستن به جنبش شده اند اما از آنها بعنوان آلت بسیج و در نقش حمایتی استفاده شده. صرف مشارکت زنان منجر به برابری آنها نشده است. مضافاً حتی در درون جنبش بسا روابط ناموزون بین زن و مرد مبارزه نشده و بنابر این هیچگونه تحول بنیادی در تقسیم کار صورت نگرفته است. نتیجتاً تعداد کمی از زنان برخسی برابری را بدست آورده اند. و با "فشار" اجتماعی "بصورت فردی مبارزه میکنند و ممکن است حتی موفقیت هایی نیز کسب کنند، اما این قاعده نیست. زنان فلسطینی هم مستثنی نیستند و از آن مهمتر تعداد آنها به زندگی خانگی باعث شده که روابط غیر برابری وجود پیدا کند که بدون تردید

آگاهی سیاسی در میان زنان فلسطینی وجود دارد. زنان فلسطینی چه آنها نیکه در کشورهای میزبان زندگی میکنند چه آنها نیکه در مناطقی اشغالی هستند به هیت دیا لکتیکی مبارزه شان آگاهی دارند. بزبانی دیگر مبارزه سیاسی برای رهایی ملی و نیا زبه تحولات اجتماعی در درون جامعه و از آن طریق گسترش شرکتشان در مبارزه ملی.

هستند که یک تعدادی بوجود بیای و رند بین مبارزه با موقعیت تبعی شان و ملزومات سیاسی که بلحاظ منافع ملی خواستار حفظ همان ارزشهای فرهنگی است که مانع شرکتشان در جنبش میشود. متخصصان طبقاً تی جنبش هم در شکل دادن موقعیت با دون زنان فلسطین نقش دارد. شاخه های نظامی، سیاسی، دیپلماتیک و اداری جنبش بصورت طرح های پیچیده ای در آمده اند. یک نسل جدید فلسطینی هسی تحصیل کرده از طبقات متوسط که در جنبش فعال هستند در کنار اعفاء خانواده های قدیمی با اعتبار، سلسله مراتب بعدی را تشکیل میدهند. رهبریشان در نهایت پدرا لارانه است که تا اندازه ای هم مشارکت زنان در جنبش را قبول میکند. بخصصوص زنانی که از همان گروه های اجتماعی هستند و مدارک عالی تحصیل کسب نموده اند. تصمیماتی که در ارتباط با الویت ها و سیاست های مشارکت زنان با یه گرفته شود هنوز در دست اعفاء مرد جنبش است. مشارکت زنان حتی در ادیکال ترین جناحها مثلاً "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" PFLP زیر تسلط مردان است. این مشارکت غالباً شامل کاروری پروژه های زنان و یاهما ییت خانواده کی بسراسری انقلابیون (بچه بدنی آوردن، ترتیب دادن کارهای اجتماعی وغیره) است از آنجا نیکه رهبری اهداف سیاسی خود را برای زنان، منطبق بر سیستم اجتماعی تعیین میکند. مشارکت زنان تابع موقعیست اجتماعی آنها میشود. زمان نیکه زنان سعی در مطرح کردن مسائل ویژه شان دارند غالباً با این بهانه که اینها مسائل "سیاسی" نبودند بلکه پیش یا افتادند با ارباب روبرو میشوند. نتیجتاً غالب زنان یا ادامه کار سیاسی برایشان مشکل است و یا اینکه خودشان را با نقش های فرعی که در دستشان است راضی میکنند. این موضوع انعکاسی است از برخورد اکثریت اعفاء مرد که نقش زنان را در ارتباط با خانه و کارهای خانگی می بینند. آنچه گفته شد جنبه سوم تحلیل بالارا توضیح میدهد که عدم شرکت زنان بطور گسترده در جنبش عمدتاً نتیجه قیودات اجتماعی است.

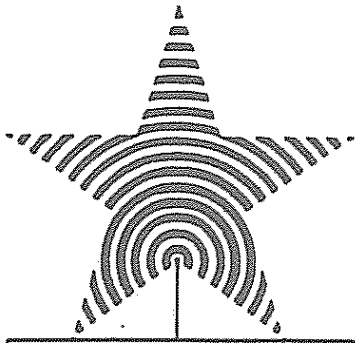
زنانی که در مبارزه شرکت داشتند بدستی دریا فتند: "زبین بردن نفوذ سیستم مستعمراتی بورژوازی را که به ماتمیل شده بود و ما بعنوان دشمن می شناختیم با نتر از منهدم کردن سنتهای کهنه ایست که در جامعه ما تسلط وجود داشته و دارد." زمان نیکه ما از این زاویه به شرکت زنان در جنبش آزا دبیش ملی نگاه می کنیم، علیرغم آگاهی سیاسی و استراتژی پراگماتیک آنها که الویت را به مبارزه ملی میدهد، تصویر دیگری از جامعه فلسطین که در آن زنان نبرد خود را بعد از آزادی نیز ادامه میدهند، بدست نمی آید. زمان نیکه جنبش مردسالارانه است، زنان سهیم در آن غالباً از بورژوازی و طبقات متوسط تحصیل کرده هستند. بعضی از این زنان حتی موفق میشوند به مقامات مسئول مثلثا ظراسا زمان ملل و یا نماینده موسسات

آگاه کردن زنان کارگر به سیستم ها که به برابری روا میشود بود. ستمنا تی آزما هیت پدرا لارانه و سنتی جامعه، ستمی که در محل کار و در میتود و سنتی که ناشی از اشغال اسرائیل است. زنان بسیاری از سازمانها از طریق مبارزاتشان در محل کار موفق به گرفتن یک روز تعطیل با مزد در روز ۸ مارس "روز بین المللی زن" شدند.

در سال ۱۹۸۲ دو کمیته دیگر بنام "کمیته زنان فلسطین" و "کمیته زنان برای خدمات اجتماعی" بهمین ترتیب تشکیل شد. در حالیکه زنان در همه این کمیته ها در امر متشکل کردن زنان کارگر در تشکلهای اتحادیه ای و بریدن آگاهی سیاسی اجتماعی در میان آنان و حمایت از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان وغیره... فعال بودند، ولی آنان شکافی که منجر به تشکیل چهار کمیته متفاوت شد انعکاس گرایش فرا کسیون است که در کل جنبش وجود داشت. عضویت این کمیته ها انعکاسی از نظرات ایدئولوژیک فرا کسیونهای موجود در جنبش بطور کل است. مضافاً اینکه چون گروه های زنان خود جزئی از جنبش رها شیبخ ملی هستند، برنامهموسساتی ها ییشان با سیاستهای عمومی تر جنبش که به حال در چهار چوب منافع کلی مردم فلسطین می گنجد، ارتباط پیدا میکند.

آنچه که به سیاستهای فوق ویژگی میدهد همانا جدائی ای است که بین دنیای زنان و دنیای مردان قائل میشود. اگرچه زنانی هستند که از پیشروان جنبش مسلحانه هستند مانند فاطمه باناوی (PATMA BARNAWI) که به یک سینمای اسرائیلی بمب پرتاب کرد و لیلخالد (LAILA KHALID) که به تنها در میان زنان فلسطین بلکه در سراسر جهان سوم یک اسطوره شد. اما اینها استثنا هستند و نه قاعده. اگرچه این استثناست ممکن است نشانه ای از شروع مشارکت کامل زنان باشد ولی در عین حال ممکن است این توهم را بوجود آورد که زنان در جنبش برابری بدست آورده اند. سه بعد تحلیلی از وضعیت زنان که قبلاً به آن اشاره شد بدین ترتیب بیشتر روشن میشود. مبارزه، اتحاد هر چه بیشتر زن و مرد را می طلبد اما هیچگونه برابری در این اتحاد نیست.

آگاهی سیاسی هم درون جنبش وهم بیرون از آن به مراتب بیشتر از خود آگاهی اجتماعی است. پدرسالاری که بر سیستم اجتماعی حکم فرماست در همان حال ساختن سیاسی جنبش را نیز شکل میدهد. نتیجتاً نقش زنان بطور کلی، در جنبش حمایت از قدا ثیان دیده می شود. جنبش برای اینکه سلسله مراتب قدرت میان زن و مرد را درهم نریزد بر خوردی محتاطانه کرده و زنان را شتویق به مبارزه از طریق نقش اجتماعی پذیرفته شده شان میکند. بعنوان مادرانی که پسران را برای جنگ تربیت میکنند و یا زنانی که رزمندگان را برای تحقق "آرمان" می سازند. زنان با این معضل روبرو



صدای کارگر

راه پیمایی مسازمین کارگران انگلیسی ایران در راه کارگرا

زنان فلسطین

وجنبش رها ئی بخش ملی: یک دیدگاه اجتماعی

توضیح هیئت تحریریه :

نوشته را که به همت یکی از رفقا آماده گردیده به لحاظ بررسی نقادانه از شرکت زنان در جنبش فلسطین و طرح مسائل مهمی در این مورد جلب توجه یافته و بنظر خوانندگان میسرانیم.

نوشته ای که پیش رود را بدستلخیص وترجمه مقاله ای است که توسط حمیده غازی نگاشته شده و در گاهنامه خمسین در سال ۱۹۸۷ منتشر شده است. ما این



برنامه های سرتاسری صدای کارگر :

- هر روز ساعت ۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- این برنامه ساعت ۸ همان شب و ساعت ۲ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.
- جمعه ها برنامه ویژه پخش میگردد.

برنامه های صدای کارگرو ویژه کردستان :

- روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بزیان کردی وفارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.

برای مطالب بیشتر با ما در تماس باشید
 از طریق شماره تلفن ۰۰۳۷۱۱۲۹۱۲۷
 یا از طریق پستی به آدرس: انتشارات پیام کارگر
 پ.م.ب ۶۵۰۲۲۶ - برلین ۶۵ - آلمان
 یا از طریق تلگراف با کد: ۱۱۲۹۱۲۷
 یا از طریق فکس به شماره: ۰۰۳۷۱۱۲۹۱۲۷

میگردد، ۳ - عدم شرکت گسترده زنان در جنبش نه به علت سیاسی نبودنشان بلکه به علت قیودات اجتماعی است. بعلاوه اگر زمانی ضرورت ایجاد کند که ما نساء زنان اجازه بدهیم در مبارزه شرکت داده شوند آنوقت به جای مشارکت واقعی، از آنها استفاده میشود. با این وجود زنان فلسطین در وجود آوردن و ردن تشکلهای زنان و شرکت در مبارزه برای حفظ و رها ئی سرزمینشان تا ریخچه طولانی دارند. امروز ما نیکه جهانبان با لاف نهضت فلسطینی را برسیمت شناخته سزاوار است که مبارزه معاصر زنان فلسطینی در بستر تاریخی آن مورد تحلیل قرار گیرد.

تاریخچه کوتاه مبارزه زنان فلسطین

زنان همواره در مبارزات رها ئی بخش ملی شرکت داشته و تعدادی از آنها نیز بخاطر نقشی که داشته اند تجلیل شده اند. هرچند نقش آنها در مبارزات سیاسی همواره نادیده گرفته شده همانطور که نقش آنها در توسعه اقتصاد و برسیمت شناخته شده است آنچه باقی میماند در حوزه اجتماعی است که در اینجا نیز ما دون بودن زنان یک پدیده پذیرفته شده است.

عدم قبول نقش زنان یا تا بدبهرتر است بگوئیم عدم شرکت آنها در جنبش های رها ئی بخش ملی را در چهارچوب موقعیت نابرابر اجتماعی آنها با بستگی تحلیل کرد.

در این تحلیل سه محور دیده میشود: ۱- نقش زنان به علت طبیعت کاری که انجام میدهند در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. ۲ - شرکت و موقعیت زنان در مبارزه ملی با ساختار طبقاتی جنبش تعیین

در این تحلیل سه محور دیده میشود: ۱- نقش زنان به علت طبیعت کاری که انجام میدهند در درجه دوم اهمیت قرار میگیرد. ۲ - شرکت و موقعیت زنان در مبارزه ملی با ساختار طبقاتی جنبش تعیین

ALIZADI B.P.195
 75564 PARIS - CEDEX 12
 FRANCE

POSTFACH 650226
 1 - BERLIN 65
 W - GERMANY

ضمیمه شماره ۴۰

لیست اسامی
۱۴۰۰ زن شهید

نا برابری در زندگی، برابری در مرگ

این جانان بیشترین بی حرمتی را به زنان مبارز روا داشته اند، بهمین جهت انجمن زنان ایران - کلن، لیستی از شهدای زن ایرانی که طی ده سال حکومت ننگین فقها عدا شده اند تهیه کرده که ضمن ارج گذاری این کار، این لیست را بعنوان یک سند تاریخی منتشر می کنیم.

اگر در جمهوری اسلامی زنان بصورت رسمی بعنوان شهروند درجه دو محسوب میشوند، اگر آنان از همه گونه حق اجتماعی بهره کمتری دارند، اما سطور مرگ فقها بیشترین نصیب را به آنان عرضه کرده است. مبارزه زن و مرد نمی شناسد و جمهوری فقها هم مبارزان را به یکسان کشتار کرده است، هر چند که

۱ - فاطمه آندلیان	۲۲ - طاهره آقاخان مقدم (باردار)	۴۴ - نازی ابراهیمی	۶۵ - ساره احمدی (۱۸ ساله)
۲ - زهرا آسائی	۲۳ - نرینا آقازاده	۴۵ - زهرا ابراهیمیان	۶۶ - عدرا احباری
۳ - کیمیا آتش افروز	۲۴ - سرین آقا علی سجانی	۴۶ - کبری ابراهیمان (۱۹ ساله)	۶۷ - زهرا احضاری (۱۶ ساله)
۴ - آمنه آذرتقوی	۲۵ - حمیده آفا کلیان (۱۸ ساله)	۴۷ - لیلیا ابوالاحرار شیرازی	۶۸ - نسترن اخلاقی
۵ - بیوش آذربایان	۲۶ - اقدس آفا محمدی	۴۸ - فاطمه ابوالحسی	۶۹ - فاطمه آخوان
۶ - مدیقه آراسته	۲۷ - راحمه آل طاهر (۱۷ ساله)	۴۹ - نرینا ابوالعزیزی	۷۰ - شهیده اخوت
۷ - زهرا آراشیان	۲۸ - مرضیه آل طاهر (۱۹ ساله)	۵۰ - مرشده ابوشی را دکنتکی	۷۱ - کوهر ادب آواز
۸ - فرح آروانه	۲۹ - سرکیس آل هاشم (۱۷ ساله)	۵۱ - فاطمه انسی عنبری	۷۲ - مسیا ابراهیمی
۹ - فرح آزاد	۳۰ - سرین آموزگار (۱۷ ساله)	۵۲ - سرکیس انسی عنبری (۱۸ ساله)	۷۳ - آنسلا ارجمندی (حلق آویز)
۱۰ - زهرا آزادی یار	۳۱ - آذر آنجک	۵۳ - ناهیداحاسی	۷۴ - سوسن ارجمندی
۱۱ - زهرا آزموده لکامی	۳۲ - رقیه آنکران	۵۴ - سپین احمدپور (۱۸ ساله)	۷۵ - سوسن ارجمندی (حلق آویز)
۱۲ - مریم آزموده لکامی	۳۳ - زهرا آبیابان	۵۵ - زهرا احمد دوست	۷۶ - لیلیا اردکانی
۱۳ - ناهید آزیش	۳۴ - مرضیه آیت الله زاده شیرازی	۵۶ - آذرا احمدی	۷۷ - مهنا زار شادی
۱۴ - اقدس آزادانی	۳۵ - آسیه ابراهیم پور	۵۷ - ستول احمدی	۷۸ - فرح ارغوانی
۱۵ - بیوش آسان (آثار)	۳۶ - خدیجه ابراهیم پور	۵۸ - حمیرا احمدی	۷۹ - خدیجه ارفع
۱۶ - زاله آشتا	۳۷ - سروا ابراهیم زاده	۵۹ - عصمت احمدی	۸۰ - زهرا ارفعی
۱۷ - مریم آشوری	۳۸ - مدیقه ابراهیم زاده	۶۰ - مریم احمدی	۸۱ - شیدا ارفعی (۱۸ ساله)
۱۸ - فاطمه آصف	۳۹ - اکرم ابراهیمی	۶۱ - مسیره احمدی	۸۲ - هلن ارفعی
۱۹ - زهرا آقاخان پور	۴۰ - سمیه ابراهیمی	۶۲ - اشرف احمدی	۸۳ - وفا ارکان
۲۰ - سکینه آقاجی	۴۱ - کیمیا ابراهیمی	۶۳ - اشرف احمدی زاده	۸۴ - نادره ارمی
۲۱ - طاهره آقاجی	۴۲ - سپین ابراهیمی	تراکمی اصل (حلق آویز)	۸۵ - مینا اره جی
	۴۳ - مهنا زابراهیمی	۶۴ - زهرا احمدی زاده تراکمی	۸۶ - فرزانه ازانی (۱۷ ساله)

علیه اعدا موشکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

اسامی مادرانی که بعد از عدا مفرزندانشان سخته کرده اند :

۱۴۹ - سرین اکبری (۱۹ ساله)
 ۱۵۰ - گیتی اکبری مقدم
 ۱۵۱ - منیژه لبرزی
 ۱۵۲ - سکینه الله وردی
 ۱۵۳ - پروانه لوندیپور
 ۱۵۴ - سرین الوندی
 ۱۵۵ - پروانه امام
 ۱۵۶ - نوشین امامی (۱۷ ساله)
 ۱۵۷ - خواهرها ملشی
 ۱۵۸ - شایلا میدوار
 ۱۵۹ - فاطمه میدی
 ۱۶۰ - معصومه میدی
 ۱۶۱ - فهیمه میرحسینی
 ۱۶۲ - ناهیدا میری
 ۱۶۳ - سهیلا میری
 ۱۶۴ - فاطمه میری دودران (۱۷ ساله)
 ۱۶۵ - افسانه مینیان
 ۱۶۶ - زهرا مینیان
 ۱۶۷ - شایلا نیوزاده (۱۷ ساله)
 ۱۶۸ - مینا نظاری (باردار)
 ۱۶۹ - کیلان اندیشه (۱۵ ساله)
 ۱۷۰ - فریبا نصاری (۱۶ ساله)
 ۱۷۱ - مرضیه نصاری
 ۱۷۲ - فاطمه وحی
 ۱۷۳ - فاطمه ورمزدی
 ۱۷۴ - فلورا ورنگی
 ۱۷۵ - زهرا ایران منش (۱۷ ساله)
 ۱۷۶ - ناهیدا یزدخواه کرمانی
 ۱۷۷ - افسانه یزدی
 ۱۷۸ - زهرا یزدی (۱۸ ساله)
 ۱۷۹ - مینا یزدی
 ۱۸۰ - سرین یزدی واحدی
 ۱۸۱ - میترا یزدی یار
 ۱۸۲ - زهرا یزدی یار
 ۱۸۳ - افتخار یابی
 ۱۸۴ - مریم یابی
 ۱۸۵ - وحیده یابی
 ۱۸۶ - عالیه زرگان
 ۱۸۷ - خدیجه زیار
 ۱۸۸ - رقیه باغچه دوست
 ۱۸۹ - مهین بافکار
 ۱۹۰ - فاطمه باقری
 ۱۹۱ - زهرا باقری ورکیانی
 ۱۹۲ - شایلا لاجان پور
 ۱۹۳ - زهرا بانجانی
 ۱۹۴ - اکرم بانجانی احمدی
 ۱۹۵ - زهرا بای
 ۱۹۶ - زینت باثی (۱۶ ساله)
 ۱۹۷ - خدیجه سبحانلو
 ۱۹۸ - پوران بختیاری (۱۸ ساله)
 ۱۹۹ - مینا بختیاری (۱۸ ساله)
 ۲۰۰ - صدیقه بختی
 ۲۰۱ - سیمین بدینی
 ۲۰۲ - اعظم برآزش مزگانی

۵ - مادر تجا عی
 ۶ - مادر لقا نازنده
 ۷ - مادر میرجلیلی

۱ - مادریرانی
 ۲ - مادر میرزا بیگم جوانمردی
 ۳ - مادر حیدری
 ۴ - مادر خودنگاه



۸۷ - فرشته زلی (۱۶ ساله)
 ۸۸ - فرشته زهدی
 ۸۹ - فهیمه استاد حسن نحار
 ۹۰ - طاهره استاد علی معمار
 ۹۱ - پروین اشراقی
 ۹۲ - گیتی اصغری
 ۹۳ - محبوبه استوار (۱۹ ساله)
 ۹۴ - نیره استوار
 ۹۵ - زهرا استواری
 ۹۶ - اکرم استوار یزدی
 ۹۷ - مریم اسدآبادی
 ۹۸ - مهی اسدآبادی
 ۹۹ - سفید اسدزاد
 ۱۰۰ - ستول اسدی
 ۱۰۱ - حوا اسدی
 ۱۰۲ - زهرا اسدی
 ۱۰۳ - فهیمه اسدی (۱۸ ساله)
 ۱۰۴ - مینا اسدی (۱۶ ساله)
 ۱۰۵ - فهیمه اسفندیاری (۱۶ ساله)
 ۱۰۶ - فرشته اسکندریپور (۱۷ ساله)
 ۱۰۷ - طاهره اسکندرزاد
 ۱۰۸ - پروین اسکندری
 ۱۰۹ - مرضیه اسکندری
 ۱۱۰ - مینا اسکندری
 ۱۱۱ - مینوا اسکندری
 ۱۱۲ - سرین اسلامی
 ۱۱۳ - طاهره اسلامی (۱۸ ساله)
 ۱۱۴ - عزت اسلامی
 ۱۱۵ - اکرم اسلامی (۲۰ ساله)
 ۱۱۶ - گیتی اسما عیلی
 ۱۱۷ - مرضیه اسما عیلی
 ۱۱۸ - منیژه اسما عیلی
 ۱۱۹ - مریم اسدی (دانش آموز)
 ۱۲۰ - مهین اشتری
 ۱۲۱ - نفیسه اشرف جیانی (۱۰ ساله)
 ۱۲۲ - مزگان اشقیان (۱۸ ساله)
 ۱۲۳ - نهین اصلی نیا
 ۱۲۴ - زهرا طلسم جیان
 ۱۲۵ - حوریه علامی (۱۹ ساله)
 ۱۲۶ - زهرا افتخار (حلق آویز)
 ۱۲۷ - فاطمه افتخار
 ۱۲۸ - شهبان افتخاری
 ۱۲۹ - مسوره فخمی
 ۱۳۰ - فاطمه فراسیابی
 ۱۳۱ - عاطفه فرزاده
 ۱۳۲ - اعظم فشار
 ۱۳۳ - پری فشار
 ۱۳۴ - فرح فشار
 ۱۳۵ - مریم فشار
 ۱۳۶ - معصومه فشار
 ۱۳۷ - نادره فشار
 ۱۳۸ - ناهیدا فشار
 ۱۳۹ - بهنا زافشارلو
 ۱۴۰ - میترا فشاری (۱۷ ساله)
 ۱۴۱ - فرح فشاری نصب
 ۱۴۲ - افسانه فضل نیا
 ۱۴۳ - عزیزه فواری
 ۱۴۴ - مریم قبال
 ۱۴۵ - مریم کبرشاهی
 ۱۴۶ - ستول اکبری
 ۱۴۷ - مقدم اکبری (۱۷ ساله)
 ۱۴۸ - مینوا اکبری
 ۱۴۹ - مریم اسفندیاری (۱۸ ساله)
 ۱۵۰ - مینا اسفندیاری (۱۶ ساله)
 ۱۵۱ - فهیمه اسفندیاری (۱۶ ساله)
 ۱۵۲ - فرشته اسکندریپور (۱۷ ساله)
 ۱۵۳ - طاهره اسکندرزاد
 ۱۵۴ - فرشته اسکندریپور (۱۷ ساله)
 ۱۵۵ - طاهره اسکندرزاد
 ۱۵۶ - فرشته اسکندریپور (۱۷ ساله)
 ۱۵۷ - طاهره اسکندرزاد

۲۵۲	مادریزانی	۲۵۷	مریم بروین	۳۰۹	فروزان نقی زاده	۳۶۱	کیستی السادات جوزی
۲۵۴	حوا برزگر	۲۵۸	رها سنجی	۳۱۰	مهنا زنگی زاده	۳۶۲	مehوش جوکار
۲۵۵	عفت برزگری	۲۵۹	ساحمد (۱۸ساله)	۳۱۱	مسیا سوده روستا	۳۶۳	لطیفه جواهریان
۲۵۶	سوسن بروجرودی	۲۶۰	مسراینا همد	۳۱۲	لیلا توسل	۳۶۴	میترا جوینی
۲۵۷	لیلا برومندیان	۲۶۱	سکمه بودات	۳۱۳	مریم تولی	۳۶۵	آذرحیانخش
۲۵۸	مغزی بزرگان فرد (۱۸ساله)	۲۶۲	مکرم بورزفا	۳۱۴	سیلا تولی	۳۶۶	مسموره جهانخش
۲۵۹	مریم بزرگ راده	۲۶۳	رخسده یورکشولی قشقا شی	۳۱۵	شیلما تولی	۳۶۷	مهین جهانگیری
۲۱۰	فریبا بطحی	۲۶۴	فاطمه یورکمالی	۳۱۶	فرحنا زتوکلی	۳۶۸	مریم جیواز
۲۱۱	سودا به مقانی (۱۶ساله)	۲۶۵	رحیمه یورمتمد	۳۱۷	فروین تولی	۳۶۹	مغزی جاه تلخی
۲۱۲	نسرین بقانی راوری	۲۶۶	فهیمة یورمتمد	۳۱۸	مهین تولی	۳۷۰	زهره جیردار
۲۱۳	رقیه بلادی	۲۶۷	زهره یورمند	۳۱۹	ناهدتوکلی (۱۶ساله)	۳۷۱	زهره جرجریان
۲۱۴	کیستی بنائی (باردار)	۲۶۸	ملیحه یورمند	۳۲۰	فریده شهیدی	(۱۸ساله - دانش آموز)	
۲۱۵	زهره سنده خدا	۲۶۹	خورشید یولادی	۳۲۱	الهه شیرانی	۳۷۲	مهین چشمبراه
۲۱۶	اکرم بنی احمدی	۲۷۰	زهره یویان	۳۲۲	مسیا شیرانی	۳۷۳	شیلما جمن آرائی
۲۱۷	زهره سنیا ن یور	۲۷۱	اقدس بهلوانی	۳۲۳	ناهدتیرانی	۳۷۴	فریبا جنگیزی
۲۱۸	سپیدانی قاضی	۲۷۲	منموره بهیلوان	۳۲۴	آمنه تماچی	۳۷۵	میترا جویان زاده (باردار)
۲۱۹	فاطمه بنی مهدی	۲۷۳	ماریا بیچکا (۱۶ساله)	۳۲۵	ادنا تابت	۳۷۶	شیرین چهارمخال بختباری
۲۲۰	مسیا یوشیری	۲۷۴	طیبه بیراسته	۳۲۶	سما تریابی	۳۷۷	فاطمه جیان
۲۲۱	افسانه یوکان	۲۷۵	وحیده بیراستی	۳۲۷	زهره نوانی	۳۷۸	بروین جینیان
۲۲۲	شیرین بیار دوست	۲۷۶	فهیمة بیراستی	۳۲۸	فاطمه جابرزاده انصاری	۳۷۹	ملیحه حاج آقا
۲۲۳	عاطفه بیار دوست	۲۷۷	مرصه یورزکبیری	(۱۳ساله - دانش آموز)		۳۸۰	مغزی حاج دانش
۲۲۴	نرگس بیار دوست	۲۷۸	آرزینا بیروی (۱۷ساله)	۳۲۹	رقیه حاجبازی	(۴۵ساله - دارای ۴ فرزند)	
۲۲۵	فاخره بهاری جوان	۲۷۹	آزاده بیرویان	۳۳۰	بروین حساری	۳۸۱	زهره حاجیان سهیله
۲۲۶	مدیقه بهیانی	۲۸۰	مهنا زبیبانی آنتانی	۳۳۱	طاهره حساری	۳۸۲	رویا حاجبانی قطب آبادی
۲۲۷	طیبه بهیانی		(۱۷ساله)	۳۳۲	بروین جیاریان	۳۸۳	نسرین حاجی نسیمی
۲۲۸	بروین بهداروند	۲۸۱	بروانه بیوستگان	۳۳۳	طیبه حساریان	۳۸۴	حاجی نژاد (دانش آموز)
۲۲۹	ملیحه بهیرامی (دانش آموز)	۲۸۲	زهره تاپرور	۳۳۴	بهاره جدیدیان	۳۸۵	مهرا نکیز حاجی نژاد
۲۳۰	فرح بهیرامیان	۲۸۳	مینا تات	۳۳۵	مخسومه جدی گلبرنجی	۳۸۶	زری حافظیان
۲۳۱	بریحیبره یوروان	۲۸۴	حمیرا تادید	۳۳۶	خورشید جرمی	۳۸۷	انتظم حبیبی
۲۳۲	نونین بهرورزی	۲۸۵	مریم تاپرودی	۳۳۷	روح انگیز جعفرزاده	۳۸۸	طاهره حبیبی فرد (باردار)
۲۳۳	سیمین بهزادینا	۲۸۶	زهره تبریزی	۳۳۸	فرشته جعفرزاده محاوروی	۳۸۹	حجازی (۱۷ساله)
۲۳۴	شهنوش بهزادی (۱۵ساله)	۲۸۷	مریم تبریزی	۳۳۹	مخسومه جعفرنژاد	۳۹۰	ستول حاجی
۲۳۵	نیدا بهزادی	۲۸۸	فهیمة تحصیلی	۳۴۰	الهه جعفری	۳۹۱	شیراز دججی امامی
۲۳۶	تریبا بهنام (۱۷ساله)	۲۸۹	نسرین تخیری	۳۴۱	زسیده جعفری ثانی	۳۹۲	زهره السادات حدادزاده
۲۳۷	فرح بیات افشار	۲۹۰	زهره تادین	(باردار و مادریک فرزند)		۳۹۳	فریده حریت
۲۳۸	مدیقه بیانی کیستی (۱۶ساله)	۲۹۱	منظر تادین نوانی	۳۴۲	مدیقه جعفری فوزی (باردار)	۳۹۴	سما تحریری (۱۷ساله)
۲۳۹	لادن بیانی	۲۹۲	رقیه تراب یور	۳۴۳	اشرف جلالی	۳۹۵	شیرا ره حریری
۲۴۰	مدیقه بیداری حسینی	۲۹۳	راضیه تراب بورزفا شی	۳۴۴	افسانه جلالی	۳۹۶	شیرا حریری
۲۴۱	زهره بیدشهری (۱۷ساله)	۲۹۴	فرح ترابی	۳۴۵	شیرا ره جلالی	۳۹۷	فرح حریری
۲۴۲	بروین بیگدلی (دانش آموز)	۲۹۵	منیر ترابی (۱۸ساله)	۳۴۶	شیلما جلالیان	۳۹۸	رها حریریان مطلق
۲۴۳	مهنا زیگدلی	۲۹۶	مهنا ترابی	۳۴۷	ستول جلالی زاده (۶۰ساله)	۳۹۹	شیلما حریری مطلق
۲۴۴	ربانه سینا	۲۹۷	نسرین ترابی	۳۴۸	مریم جلالی فر	۴۰۰	فریده حریره (۱۶ساله)
۲۴۵	فاخره سی همال	۲۹۸	فاطمه (منیره)	۳۴۹	خاطره جلالی	۴۰۱	رها حسامی
۲۴۶	سودا به زاک (۱۸ساله)	تربابی لنگرودی (باردار)		۳۵۰	رقیه خلفازی	۴۰۲	شیلما حسن آرا
۲۴۷	فریده یاک پرور	۲۹۹	شیرا زلسیمی (دانش آموز)	۳۵۱	مرضیه طلیلی (۱۷ساله)	۴۰۳	معمومه حسن پور (۱۸ساله)
۲۴۸	سودا به یاک نژاد	۳۰۰	نیلوفر شهید (۱۵ساله)	۳۵۲	بیوران جم	۴۰۴	فرحنا زحس دخت (۱۸ساله)
۲۴۹	سیرین یاک نیا	۳۰۱	فهیمة تقدسی	۳۵۳	طوبی جمشیدی (دانش آموز)	۴۰۵	سما حسن دوست (۱۸ساله)
۲۵۰	اشرف یاک نیت	۳۰۲	معمومه تقوایی	۳۵۴	مژگان جمشیدی (۱۴ساله)	۴۰۶	معمومه حسن زاده
۲۵۱	حسینه خاتون بایدار (۱۷ساله)	۳۰۳	اقدس تقوی	۳۵۵	اقدس جناح (۴۵ساله)	۴۰۷	صرت حسن زاده
۲۵۲	تراب بیرونی (۱۷ساله)	۳۰۴	مریم تقوی	۳۵۶	نوئین جنتی	۴۰۸	سما حسینی
۲۵۳	ررین برنوی	۳۰۵	منیره تقوی	۳۵۷	زهره جوادزاده	۴۰۹	تراب حدحسین حاجی مقدم
۲۵۴	سیرین برنوی	۳۰۶	میسوتقوی	۳۵۸	سیتا جوادی	۴۱۰	آمنه حسینی
۲۵۵	مخسومه برجمگانی	۳۰۷	میترا تقیان	۳۵۹	مهین جوادی	۴۱۱	حسرام السادات حسینی
۲۵۶	سیرین برده ستانی	۳۰۸	زیلانقی زاده	۳۶۰	ناهد جوادی	۴۱۲	فاطمه السادات حسینی

۴۱۳	- اکرم حسینی	۴۶۵	- عاطفه خزا ئی	۵۱۸	- افسانه دین علی	۵۶۹	- زیلا رستمی
۴۱۴	- راضه حسینی	۴۶۶	- فرزانہ خزا ئی	۵۱۹	- منیژه دینی	۵۷۰	- کیان رستمی
۴۱۵	- ناطه حسینی (با ردار)	۴۶۷	- پروین خسروی	۵۲۰	- طاهره دیبیمی (۱۸ساله)	۵۷۱	- کیانوش رستمی
۴۱۶	- فهیمه حسینی	۴۶۸	- فرشته خسروی	۵۲۰	- ربابه ذاکری	۵۷۲	- شهلا رسولی
۴۱۷	- مریم حسینی	۴۶۹	- میترا خسروی	۵۲۱	- منیرذاکری	۵۷۳	- مریم رش
۴۱۸	- مریم لسانا ت حسینی (با ردار)	۴۷۰	- نسرین خسروی	۵۲۲	- مریم ذاکری	۵۷۴	- صدیقه رشیدی
۴۱۹	- منیر حسینی	۴۷۱	- زرین خسروی (با ردار)	۵۲۳	- طاهره دیبیمی	۵۷۵	- سرونا زرنا
۴۲۰	- زهرا حسینی ایزدی	۴۷۲	- نیره خسروی	۵۲۴	- سکینه ذبیحیان لنگرودی	۵۷۶	- آذر رضا ئی (با ردار)
۴۲۱	- غنچه حسینی برزی	۴۷۳	- خطیب شهیدی	۵۲۵	- سیدحسبیه ذوالفقاری	۵۷۷	- اعظم رضا ئی
۴۲۲	- مریم حسینی برزی	۴۷۴	- مینا خطیبی	۵۲۵	- کشا ورز (۴۰ساله)	۵۷۸	- صدیقه رضا ئی
۴۲۳	- معصومه خسروی (دانش آموز)	۴۷۵	- صغری خلدی	۵۲۶	- نسرین راجی نیا	۵۷۹	- زهرا رضا ئی (۱۸ساله)
۴۲۴	- نیره حق زاده (۱۸ساله)	۴۷۶	- عفت خلیفه سلطانی (۴۵ساله)	۵۲۷	- ناهیدرا فتی	۵۸۰	- زهره رضا ئی
۴۲۵	- ناطه حق گو	۴۷۷	- فریده خلیفی	۵۲۸	- ملیحه راجی (۱۶ساله)	۵۸۱	- زینب رضا ئی
۴۲۶	- راضیه حق نویس	۴۷۸	- اکرم خلیلی (۱۶ساله)	۵۲۹	- نغمه راد	۵۸۲	- زینت رضا ئی (۱۷ساله)
۴۲۷	- الهه حقیقت (۱۸ساله)	۴۷۹	- طیبه خلیلی (۱۷ساله)	۵۳۰	- ویدا راد درزرگوانی	۵۸۳	- ستاره رضا ئی (۱۸ساله)
۴۲۸	- طاهره حقیقتی	۴۸۰	- فهیمه خلیلی	۵۳۱	- معصومه راسخی لنگرودی	۵۸۴	- مرضیه رضا ئی (۱۶ساله)
۴۲۹	- فروغ حکمتی سلطانی	۴۸۱	- طاهره خنجرانی اسکویی	۵۳۲	- فریسا راندی مرندی	۵۸۵	- شیرین رضا ئی
۴۳۰	- منیژه حکیم زاده	۴۸۲	- فریده خواجهرجوجی	۵۳۳	- فریبا رامنشی	۵۸۶	- رضوانی
۴۳۱	- سیما حکیم منانی	۴۸۳	- عفت خواجهرزاد	۵۳۴	- الهه رامنشی	۵۸۷	- زهرا رضان زاده (دانش آموز)
۴۳۲	- ملک تاج حکیمی	۴۸۴	- مهین خوشرفتنار	۵۳۵	- زهره ربانی	۵۸۸	- مینا رضانی
	(۵۵ساله زیر شکنجه)	۴۸۵	- لیلا خوشرفتنار (۱۷ساله)	۵۳۶	- هماربویی	۵۸۹	- نصرت رضانی
۴۳۳	- شراره خلجی	۴۸۶	- نسرین خوشروئی	۵۳۷	- اشرف ربیعی	۵۹۰	- الهه ربانوی
۴۳۴	- فریده حمزه ای (۱۷ساله)	۴۸۷	- مهین خیابانی	۵۳۸	- ماه پروین ربیعی	۵۹۱	- روحا نور
۴۳۵	- پروین حمیدپور خانقاه	۴۸۸	- حمیرا خیرخواه	۵۳۹	- زیلا راجی	۵۹۲	- فرزانہ روحانی ش.واتی (۱۸ساله)
۴۳۶	- سارا حمیدی	۴۸۹	- ناطه دادسرنج	۵۴۰	- فرخنده راجی	۵۹۳	- فرزانہ روحانی طبیب آبادی
۴۳۷	- مهین حنیفہ ای	۴۹۰	- معصومه داری (۱۷ساله)	۵۴۱	- افسانه رجیبی	۵۹۴	- ناهیدرودگری
۴۳۸	- بیچت حیدری (۱۸ساله)	۴۹۱	- لیلا داری	۵۴۲	- پروانه رجیبی	۵۹۵	- زهرا روزی طلب
۴۳۹	- نسرین حیدری (۱۸ساله)	۴۹۲	- نسرین دانقی	۵۴۳	- زهرا رجیبی	۵۹۶	- آذر روستا ئی
۴۴۰	- کبری حیدریان فدائی	۴۹۳	- مریم دانش ایران	۵۴۴	- فریده رجیبی	۵۹۷	- اعظم روشنائی
۴۴۱	- رقیه خاتمی	۴۹۴	- دانش پور	۵۴۵	- منیژه رجیبی	۵۹۸	- روشنائی (۱۷ساله - دانش آموز)
۴۴۲	- مهرا زخاتمی	۴۹۵	- فرح دانشجو		(با ردار - مادر یک فرزند)	۵۹۹	- جمیله روضه خوان بیانی
۴۴۳	- جمیله خا صری	۴۹۶	- مهستی دانش حکمتی	۵۴۶	- طوسی رجیبی ثانی	۶۰۰	- ناطه روغنجی (دانش آموز)
۴۴۴	- صدیقه خاک پاک	۴۹۷	- زهرا دانشور	۵۴۷	- ناهیدرجویی	۶۰۱	- طاهره رونا
۴۴۵	- وحیده خاک زاد	۴۹۸	- صغری داری	۵۴۸	- زهرا رحمانی لاهوت	۶۰۲	- شهناز رونا ئی
۴۴۶	- مهرا خانسانی		(۵۴ساله مادر ۷ فرزند)	۵۴۹	- ناطه رحمانی	۶۰۳	- شهناز زروبیائی
۴۴۷	- فریده خانجاری	۴۹۹	- شهناز زادی وودی	۵۵۰	- ناهیدرحمانی	۶۰۴	- طلعت رهنما
۴۴۸	- پروین خان محمدی	۵۰۰	- طاهره دانشی	۵۵۱	- مهین رحمانیان	۶۰۵	- شهلا ربانوی
۴۴۹	- ملیحه خانسی	۵۰۱	- زهره دباغ	۵۵۲	- مهنا زرحمانیان	۶۰۶	- مریم ربانوی
۴۵۰	- نزهت خجسته	۵۰۲	- ماه طلعت دبیری	۵۵۳	- زهرا رحمانی لاهوت	۶۰۷	- شهلا ربانوی
۴۵۱	- مهین خدا بخشی	۵۰۳	- عزت درخشانی نیا	۵۵۴	- مهرا رحمانی موسوی	۶۰۸	- نصرت ربیعی
۴۵۲	- محبوبه خدا ئی	۵۰۴	- حوری درودی (۱۵ساله)	۵۵۵	- شیرین رحمت زاده	۶۰۹	- اکرم زابلی
۴۵۳	- مریم خدا ئی صفت	۵۰۵	- ناطه درودی (۱۶ساله)	۵۵۶	- اعظم رحمتی	۶۱۰	- پروانه زارغ
۴۵۴	- فرحنا زخداری	۵۰۶	- سپیدارودیان	۵۵۷	- شمسی رحمتی (با ردار)	۶۱۱	- فلور زارغ
۴۵۵	- مهناز خداری	۵۰۷	- سیما دریا ئی	۵۵۸	- نرسانه رحیم نژاد	۶۱۲	- فتنانه زارغی (با ردار)
۴۵۶	- فریا خدیوی	۵۰۸	- مریم دژآگاه	۵۵۹	- تهمین رحیم نژاد	۶۱۳	- پروانه زاهد
۴۵۷	- اکرم خراسانی	۵۰۹	- زینبا دستان	۵۶۰	- پروانه رحیمی	۶۱۴	- طاهره زاهدی
۴۵۸	- جمیله خراسانی	۵۱۰	- رویا دستمالچی	۵۶۱	- طاهره رحیمی	۶۱۵	- مریم زابی
۴۵۹	- ناطه خراسانی مطلق (با ردار)	۵۱۱	- طاهره دفترچی	۵۶۲	- طوسی رحیمی	۶۱۶	- سیمین زارغی
۴۶۰	- ناطه خردا دیورسیا هکلی	۵۱۲	- الهه دکمنان	۵۶۳	- مرضیه رحیمیان	۶۱۷	- فتنانه زارغی مقدم
۴۶۱	- حمیده خردمند	۵۱۳	- مهرا عظم دوانی پور	۵۶۴	- ناطه رخ بین (دانش آموز)	۶۱۸	- گیتی زرقانی
۴۶۲	- فرانک خرسندی	۵۱۴	- ویکتوریا دولت شاهی (۱۵ساله)	۵۶۵	- افسانه زرمجو	۶۱۹	- سیمین زمانی
۴۶۳	- فروزنده خرم	۵۱۵	- طاهره ده حق (۱۸ساله)	۵۶۶	- تهمین رستگار مقدم	۶۲۰	- شهلا زمانی
۴۶۴	- فرح خرم نژاد	۵۱۶	- گیتا دهقان	۵۶۷	- عطیه رستگار مقدم	۶۲۱	- حمیرا زمردیان
		۵۱۷	- مولود دهقان	۵۶۸	- الهه رستمی	۶۲۲	- شهناز زنجانی

۶۲۳	زهره زیبا ثی	۶۷۹	فاطمه نادمائی	۷۳۲	مهندس شیخ	۷۸۳	سیرد صمدی
۶۲۴	شهنای زریبا ثی	۶۸۰	مریم نادمائی	۷۳۳	نازی شیخ ابراهیمی	۷۸۴	ظاهر د صمدی
۶۲۵	زهره زیدائی (دانش آموز)	۶۸۱	معصومه نادمائی (۵۵ ساله)	۷۳۴	زهره شیخ الاسلام	۷۸۵	نرزا د صمدی
۶۲۶	آریتا ساتری (۱۵ ساله)	۶۸۲	تهمینه شاکری (۱۷ ساله)	۷۳۵	مریم شیخ الاسلامی (۱۶ ساله)	۷۸۶	نرس صمدی
۶۲۷	فاطمه حاجدی (۱۳ ساله)	۶۸۳	ناهدی شاکری	۷۳۶	زهره شیخ نیا	۷۸۷	نرس صمدی
۶۲۸	فهیمة نادات حسینی	۶۸۴	فاطمه ناملو	۷۳۷	فریده شیراز	۷۸۸	ناهد صمدی (دانش آموز)
۶۲۹	مریم نادات حسینی	۶۸۵	وبدا ناملو	۷۳۸	مرفیه شیرازی	۷۸۹	زهره صمدی مطلق
۶۳۰	سارا	۶۸۶	روفتا شامی	۷۳۹	سودابه شیرافکن	۷۹۰	فاطمه صمدی مطلق
۶۳۱	ظاهره سالمیه	۶۸۷	سعبده شامی	۷۴۰	سیمین شیرزاد	۷۹۱	منیره صمدی راجا بیجانی
۶۳۲	فرزانه سعیدائی	۶۸۸	ناهدی شاکری محلاتی	۷۴۱	مهری شیرنگی	۷۹۲	نرینه صمدی
۶۳۳	بروانه سوزواری	۶۸۹	زهره شاه مرادی	۷۴۲	مهنا شیرنگی	۷۹۳	اعظم صمدی
۶۳۴	بروانه زندی	۶۹۰	فاطمه شایسته	۷۴۳	شیوا شیروائی	(۱۸ ساله - دانش آموز)	
۶۳۵	مزکان زندی	۶۹۱	فرشته شایسته	۷۴۴	نرگس شیروائی		
۶۳۶	معصومه سزبان (۱۶ ساله)	۶۹۲	فاطمه شیدری	۷۴۵	نرگس شیرویه	۷۹۴	جلیله صمدی
۶۳۷	زهره سنگتکین	۶۹۳	حمیده شیمتری	۷۴۶	زهره مایون نزار	۷۹۵	عفت صمدی
۶۳۸	مهنا نهمیری شهریان	۶۹۴	زهره شیمتری	۷۴۷	زهره مایون نزار	۷۹۶	عاطفه صمدی نژاد
۶۳۹	منوچهره سزبان	۶۹۵	مریم شجره یورملوئی	۷۴۸	سکینه مادی	۷۹۷	زهره صمدی
۶۴۰	زهره سعیدائی		(باردار)	۷۴۹	گیتی مادی	۷۹۸	مهنا مادی
۶۴۱	مهنا سعیدائی	۶۹۶	نیدا شرفی	۷۵۰	بتول مادی	۷۹۹	سیمین مادی
۶۴۲	مهین سعیدائی	۶۹۷	مهنا شرفی	۷۵۱	بروین مادی (۱۸ ساله)	۸۰۰	گیتی مادی
۶۴۳	انله سرگریزی	۶۹۸	فریبا شرفی	۷۵۲	سما مادی	۸۰۱	مهین مادی (دانش آموز)
۶۴۴	زهره سزبان	۶۹۹	عممت شریعتی	۷۵۳	نسرین مادی	۸۰۲	مریم مادی
۶۴۵	خدیجه سزبان	۷۰۰	فهیمة شریفی (باردار)	۷۵۴	بروانه مادی	۸۰۳	اقدس مادی
۶۴۶	گوهر تاج سعیدائی	۷۰۱	خبریه شریفی	۷۵۵	حمیده مادی	۸۰۴	فاطمه مادی
۶۴۷	سعید پور (۱۵ ساله)	۷۰۲	زهره شریف بخارائی	۷۵۶	سپیدا مادی	۸۰۵	مهنا مادی
۶۴۸	سوس سعیدائی	۷۰۳	سهیلا شریفی	۷۵۷	فاطمه مادی (۱۸ ساله)	۸۰۶	مهنا مادی
۶۴۹	شهنای سعیدائی (۱۷ ساله)	۷۰۴	مهنا شریفی (۱۵ ساله)	۷۵۸	مهنا مادی	۸۰۷	بروین مادی
۶۵۰	سعیده سلامی	۷۰۵	مریم شرفی	۷۵۹	مهنا مادی	۸۰۸	فاطمه مادی
۶۵۱	فرزانه سعیدائی	۷۰۶	مریم شرفی (۱۸ ساله)	۷۶۰	فرزانه مادی	۸۰۹	لیلا مادی
۶۵۲	فهیمة سعیدائی	۷۰۷	فریبا شرفی (دانش آموز)	(۱۷ ساله - خلق آویز)		۸۱۰	زری مادی (۱۵ ساله)
۶۵۳	مهین سلمان زاده	۷۰۸	فریبا شرفی	۷۶۱	مهنا مادی	۸۱۱	زینب مادی
۶۵۴	صدیقه سلیمان زاده	۷۰۹	نسرین شرفی	(۱۸ ساله - خلق آویز)		۸۱۲	ظاهره مادی
۶۵۵	شهنای سلیمان زاده	۷۱۰	مریم شرفی	۷۶۲	صدیقه مادی	۸۱۳	مرفیه مادی
۶۵۶	مهین سلیمان زاده	۷۱۱	ناهن شرفی	۷۶۳	مدر	(۱۸ ساله - دانش آموز)	
۶۵۷	مکرمة سلیمان زاده	۷۱۲	زهره شرفی	۷۶۴	مریم مادی	۸۱۴	خدیجه مادی
۶۵۸	مهنا زماوری (۱۶ ساله)	۷۱۳	نرینه شرفی	(۱۷ ساله - خلق آویز)		۸۱۵	زهره مادی
۶۵۹	سکینه مادی	۷۱۴	مهنا شرفی	۷۶۵	مدر مادی	۸۱۶	مریم مادی
۶۶۰	مطهره مادی	۷۱۵	فریبا شرفی	۷۶۶	سوس مادی	۸۱۷	عزت مادی
۶۶۱	سیمین مادی	۷۱۶	معصومه شرفی	۷۶۷	سجده مادی	۸۱۸	طریقی
۶۶۲	شریبا مادی	۷۱۷	انسا شرفی (۱۸ ساله)	۷۶۸	معصومه مادی (۱۸ ساله)	۸۱۹	نیر مادی
۶۶۳	منیره مادی	۷۱۸	صدیقه شرفی	۷۶۹	مهنا مادی	۸۲۰	حمیده مادی
۶۶۴	سهیلا مادی	۷۱۹	فریده شرفی	۷۷۰	سجده مادی (۱۸ ساله)	۸۲۱	پروانه مادی (۱۶ ساله)
۶۶۵	فاطمه سعیدائی	۷۲۰	وحیده شرفی (۱۵ ساله)	۷۷۱	اعظم مادی (دانش آموز)	۸۲۲	فاطمه مادی
۶۶۶	زانه سیلاب	۷۲۱	فاطمه شرفی	۷۷۲	مهنا مادی	۸۲۳	پریوش مادی
۶۶۷	لادن سیلاب	۷۲۲	آیدا شرفی	۷۷۳	بروانه مادی	۸۲۴	مریم مادی
۶۶۸	زلیلا سیلاب	۷۲۳	مهنا شرفی	۷۷۴	زهره مادی	(۱۸ ساله - دانش آموز)	
۶۶۹	سیلاب	۷۲۴	فاطمه شرفی	۷۷۵	مریم مادی (۱۷ ساله)	۸۲۵	فریبا مادی (باردار)
۶۷۰	ظاهره سعیدائی	۷۲۵	زهره شرفی	۷۷۶	زهره مادی	۸۲۶	عذرا مادی
۶۷۱	ظاهره سعیدائی	۷۲۶	فاطمه شرفی (۱۷ ساله)	۷۷۷	سوس مادی	۸۲۷	بتول مادی
۶۷۲	ظاهره سعیدائی	۷۲۷	مهنا شرفی	۷۷۸	سجده مادی (۱۸ ساله)	(باردار مادی)	
۶۷۳	فاطمه سعیدائی (باردار)	۷۲۸	زهره شرفی	۷۷۹	مریم مادی	۸۲۸	صدیقه مادی
۶۷۴	ناهدی سعیدائی	۷۲۹	محبوبه شرفی	۷۸۰	مهنا مادی	۸۲۹	مهنا مادی
۶۷۵	سیمین سعیدائی	۷۳۰	شکوه شرفی (۱۸ ساله)	۷۸۱	سما مادی	۸۳۰	فریبا مادی
۶۷۶	صدیقه سعیدائی	۷۳۱	زینبا شرفی	۷۸۲	سیمین مادی (۱۶ ساله)	۸۳۱	نرینه مادی
۶۷۷	فرشته سعیدائی (۱۸ ساله)					۸۳۲	وحیده مادی
۶۷۸	اعظم مادی (دانش آموز)						

۹۷۵ - فریبا قدومی	۹۲۷ - سیلا فردوست	۸۸۰ - فریده علیرضائی	۸۲۳ - روح انگیز عباس زاده دهقان
۹۷۶ - فریده قدبانی	۹۲۸ - نینا زفرودی راد	۸۸۱ - کبری علیزاده کوزانی	(۴۵ ساله، دوفروزند)
۹۷۷ - رویا قربان زاده	۹۲۹ - ساهند فرودی راد	۸۸۲ - ملیحه علی گرجی	۸۲۴ - منیبه عباس زاده
۹۷۸ - فریبا قربان زاده	۹۳۰ - سرین مرزانه	۸۸۳ - منصوره علی محمدی	۸۲۵ - زینب عباسی
۹۷۹ - قربانی	۹۳۱ - مهتد فرزانها	۸۸۴ - معصومه علی محمدی	۸۲۶ - مریم عبدالرحیم کاشی
۹۸۰ - شهربا نوقربانی	۹۳۲ - مریم فرشا دفر	(۱۷ ساله، دانش آموز)	(۱۸ ساله، دانش آموز)
۹۸۱ - شپلا قربانی (۱۳ ساله، دانش آموز)	۹۳۳ - منیژه فرقانی	۸۸۵ - طاهره علی وردی	۸۲۷ - موفی عبدالله محمدی
۹۸۲ - فریده قربانی	۹۳۴ - معصومه فرما نبر	۸۸۶ - عماری	۸۲۸ - خورشید عبداللہی
۹۸۳ - سلطنت قربانی اردستانی (باردار دوفروزند)	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۸۸۷ - راضیه عماری (باردار)	۸۲۹ - شینا زعبدا لہی
۹۸۴ - صنوبر قربانی اردستانی	۹۳۵ - زهرا فرما نبردار	۸۸۸ - مینو عمرائی	۸۴۰ - فاطمه عبداللہی
۹۸۵ - فرحرجی	۹۳۶ - پروین فروغی	۸۸۹ - زهرا عمرا نیان	۸۴۱ - مولود عبداللہی
۹۸۶ - ساهند قره کوزلو	۹۳۷ - ستول قرها دی	۸۹۰ - زهرا عموزیدی	۸۴۲ - فاطمه عبدلی
	۹۳۸ - فرها دی	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۸۴۳ - مینا عبدلی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۳۹ - صفرا فرها دی (دانش آموز)	۸۹۱ - منصوره عمومی	۸۴۴ - آذر عبدی
۹۸۷ - فاطمه فریب	۹۴۰ - ناهید ترها دیان	۸۹۲ - فاطمه عمومی	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۹۸۸ - فروغ فریب	۹۴۱ - معصومه فرهمند	۸۹۳ - زینبا عنایتی	۸۴۵ - شپلا عبدی
۹۸۹ - مهین فریثی	۹۴۲ - معصومه فزون گری	۸۹۴ - لعلیا عنصرا ن	(۱۶ ساله، دانش آموز)
۹۹۰ - فاطمه قزل فارسی	۹۴۳ - منصوره فزون گری	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۸۴۶ - لیلیا عدلو
(۱۷ ساله، دانش آموز)	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۸۹۵ - فاطمه عبدی گجاری	۸۴۷ - خدیجه عربشاهی
۹۹۱ - صرت نژیوینی	۹۴۴ - فاطمه فشنند	۸۹۶ - فاطمه عیسی	۸۴۸ - آسیه عربعلی
۹۹۲ - بریده قفراوی	۹۴۵ - فریبا فطرسی	(۱۷ ساله، شهادت در اثر ششکند)	۸۴۹ - منصوره عربعلی
۹۹۳ - آرا سندقلی وند	۹۴۶ - فریده فطرسی	۸۹۷ - زهرا عیوضی	۸۵۰ - ناهید عربعلی
(۱۶ ساله، فرزند)	۹۴۷ - ستول فقیه درفولئی (باردار)	۸۹۸ - صدیقه عیوضی	۸۵۱ - مریم عرفانی
۹۹۴ - ساهند فبا دتپهرانی	۹۴۸ - هما فقیهیتی	۸۹۹ - آرزینا غزوی	۸۵۲ - خدیجه عرفا نیان
۹۹۵ - سرین قنبریور	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۰۰ - کتایون غزوی	۸۵۳ - وجیهه عرفانی جباری
۹۹۶ - حمیده قنبری	۹۴۹ - مریم فلاحت	۹۰۱ - حمیله غفاری	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۹۹۷ - نرس قنبری	۹۵۰ - سبیللا فلاحی	۹۰۲ - فاطمه غفاری	۸۵۴ - الهه عروجی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۵۱ - صدیقه فلک رو	۹۰۳ - ملیحه غفوری	۸۵۵ - ایران عزیز
۹۹۸ - سوشن قیاسی	۹۵۲ - زکینه فوق	۹۰۴ - نسرین غفوری	۸۵۶ - رویا عسریان
۹۹۹ - معصومه قیاسی	۹۵۳ - هما فهیمی	شیرخواستار دکریری)	۸۵۷ - فاطمه عسگری
۱۰۰۰ - بیروین فیطولی	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۰۵ - خدیجه غلامی	۸۵۸ - میسا عسگری
۱۰۰۱ - مهین کارگاه	۹۵۴ - زهرا فیاضی	۹۰۶ - فخری غلامی	۸۵۹ - بریجهر عماره
۱۰۰۲ - احترام کارگر	۹۵۵ - هاجر فیضی	۹۰۷ - رقیه فاتیحی	۸۶۰ - مرزانه عطا
۱۰۰۳ - رفعت کارگر	۹۵۶ - آیدا قادری	۹۰۸ - انسا نادقارایی (۱۲ ساله)	۸۶۱ - ستول عطا زاده
۱۰۰۴ - اعظم کاشانی	۹۵۷ - سکینه قادری	۹۰۹ - کسری فاروقی	۸۶۲ - طاهره عظیمی
۱۰۰۵ - کاشانی	۹۵۸ - عشرت قاسمپور	۹۱۰ - لاله قاسیله	۸۶۳ - طاهره عظیمی
۱۰۰۶ - بریجهر کاشانیان	۹۵۹ - مرضیه قاسمزاده	۹۱۱ - فاطمه فاضل زاده	(۱۸ ساله، دانش آموز)
۱۰۰۷ - نینا زکاظمی	۹۶۰ - زهرا قاسمنیا	۹۱۲ - روحیه فاطمی	۸۶۴ - فلورا عظیمی پور
۱۰۰۸ - ماریا کاشانی	۹۶۱ - زهرا قاسمی	۹۱۳ - مریم فاطمی	۸۶۵ - زهرا علاقمند
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۹۶۲ - صدیقه قاسمی (۱۶ ساله)	۹۱۴ - زهرا فانی	۸۶۶ - منیره علاقمند
۱۰۰۹ - مرضیه کاشانی	۹۶۳ - طاهره قاسمی	۹۱۵ - زهرا فناحی	۸۶۷ - منیژه علاقمند
۱۰۱۰ - راضیه کاشانی	۹۶۴ - نسرین قاسمی	۹۱۶ - منیژه فناحی	۸۶۸ - حوریه علائینی
۱۰۱۱ - عاطفه کاشانی	۹۶۵ - میترا قاضی زاده	۹۱۷ - شیره فتوره جی	(۱۶ ساله، دانش آموز)
۱۰۱۲ - فهیمه کاشانی	۹۶۶ - زهرا قاشرقتی	۹۱۸ - فاطمه فخرا ن	۸۶۹ - ثریا علف جین
۱۰۱۳ - ناهید کاشانی	۹۶۷ - صدیقه قاسم محمدی	۹۱۹ - صدیقه فخر	۸۷۰ - طیبه علمی
۱۰۱۴ - راضیه کاشانی	۹۶۸ - صدیقه قاشمی	۹۲۰ - آذر فخرا لعمراء	۸۷۱ - شریفه علیریان
۱۰۱۵ - ملیحه کاشانی	۹۶۹ - راضیه قاسم دیور	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۸۷۲ - نوشین علوی تفرشی
۱۰۱۶ - سرونا زکبیری	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۲۱ - محبوبه نادانی	۸۷۳ - مهتری علیان نژاد
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۹۷۰ - معصومه قجر عمدا نلو	۹۲۲ - صفرا فدائی اردستانی	۸۷۴ - صدیقه علی بنابه
۱۰۱۷ - احترام السادات کرباسی (۶۰ ساله، فرزند)	۹۷۱ - مریم قدسی ماب	۹۲۳ - صدیقه فرامرز	۸۷۵ - زهرا علی پور
۱۰۱۸ - مهنا زکربلائی تهرانی (۱۸ ساله، دانش آموز)	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۹۲۴ - سیلا فرامرزبان	۸۷۶ - فریده علی پور
۱۰۱۹ - منیرا السادات کربلائی قمی	۹۷۲ - کیتا علیشاهی	۹۲۵ - اکرم فرحی	۸۷۷ - فهیمه علی حبیبی
	۹۷۳ - هما نصیرزنجانی	۹۲۶ - مریم فرحی	۸۷۸ - فریده علی خادمی
	۹۷۴ - سعیده قدک ساز	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۸۷۹ - حاجیه علی خان

۱۰۲۰ - خدیجه کردستانی	۱۰۶۶ - الهام لطیفی	۱۱۱۱ - سکینه محمدی	۱۱۶۱ - ملیحه مرتضوی
۱۰۲۱ - خواهر کریمی	۱۰۶۷ - شیلا لطیفی	۱۱۱۲ - سیما محمدی	۱۱۶۲ - مرزادی (۱۵ ساله، دانش آموز)
۱۰۲۲ - سیما کریمی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۱۳ - شیلا محمدی	۱۱۶۳ - فهیمه مرزبان
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۶۸ - لطیفه ربیعی	۱۱۱۴ - صفیه محمدی	۱۱۶۴ - مرشدی
۱۰۲۳ - فاطمه کریمی	۱۰۶۹ - آذر لعل	۱۱۱۵ - فاطمه محمدی	۱۱۶۵ - فریده مزدانیا ن
۱۰۲۴ - زهرا کریم الله (دانش آموز)	۱۰۷۰ - زهرا لغوی	۱۱۱۶ - فرح محمدی (دانش آموز)	۱۱۶۶ - مریم مزینا نی
۱۰۲۵ - طیبیه کریم الله (دانش آموز)	۱۰۷۱ - زهرا لقمانی	۱۱۱۷ - کبری محمدی	۱۱۶۷ - ملک مستوفی (باردار)
۱۰۲۶ - سعیده کریمان	۱۰۷۲ - پروین لک	۱۱۱۸ - لیلا محمدی	۱۱۶۸ - پروین مستوفی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۰۷۳ - زهره لک	۱۱۱۹ - مریم محمدی	(۳ ساله، ۳ فرزند، باردار)
۱۰۲۷ - پروین کریم خانی	۱۰۷۴ - معصومه لک	۱۱۲۰ - ملک تاج محمدی	۱۱۶۹ - افسانه سعودی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۰۷۵ - فخری لک کمری (باردار)	(۴۵ ساله، ۴ فرزند)	۱۱۷۰ - منیژه مسعودی
۱۰۲۸ - آفاق کریمی	۱۰۷۶ - مینا لنگرودی	۱۱۲۱ - ملیحه محمدی	۱۱۷۱ - مهرا انگیز مسعودی
۱۰۲۹ - سعیده کریمیان	۱۰۷۷ - سیمین لوثی	۱۱۲۲ - مهزی محمدی	۱۱۷۲ - فاطمه مسگر خوشی
۱۰۳۰ - صدیقه کسائی	۱۰۷۸ - شیوا ماتوج	۱۱۲۳ - ندسی محمدی آوزجی	(۱۷ ساله، دیپلمه)
۱۰۳۱ - هما کشا ووز	۱۰۷۹ - زهرا مالمیر	۱۱۲۴ - ندسی محمدی	۱۱۷۳ - نسرتین مسیح
۱۰۳۲ - مینا کلانتر	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۱۲۵ - سکینه محمدی اردهالی	۱۱۷۴ - رقیه مسیح (دارای ۶ فرزند)
۱۰۳۳ - مرجان کلانتری	۱۰۸۰ - ملوک ماندگاران نجف آبادی	(۷۰ ساله، ۹ فرزند)	۱۱۷۵ - مشایخی
۱۰۳۴ - مینا زکلاستر	(باردار)	۱۱۲۶ - سنا محمدی حموله	۱۱۷۶ - مریبا مشایخی
۱۰۳۵ - ویدا کلیائی	۱۰۸۱ - مریم مبالات	۱۱۲۷ - سوران محمدی فرار	۱۱۷۷ - عا فاطمه مشکرتی
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۸۲ - بتول میرم	۱۱۲۸ - طاهره محمدی کیا	۱۱۷۸ - مرضیه مشکوری
۱۰۳۶ - راضیه کمالی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۲۹ - فاطمه محمود حکیمی	۱۱۷۹ - معصومه مشکوهی
۱۰۳۷ - فاطمه کنتنجیان	۱۰۸۳ - لیلا متوسل	۱۱۳۰ - رویاک محمودزاده	۱۱۸۰ - زهرا منگینی
۱۰۳۸ - مریم کوزه گر (باردار)	۱۰۸۴ - ماندانا مجاوریان	۱۱۳۱ - عزت محمودزاده	۱۱۸۱ - نسرتین منهدی
۱۰۳۹ - مینا زکوهستانی	۱۰۸۵ - میترا مجاوریان	۱۱۳۲ - سوس محمدی	۱۱۸۲ - زهرا مشهدی مسقانی
(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۰۸۶ - شهناز مجتبیان	۱۱۳۳ - خالد محمودی	۱۱۸۳ - زهرا مشیری
۱۰۴۰ - مهرا زکوهستانی	۱۰۸۷ - منصوره مجتبیان	۱۱۳۴ - رست محمدی	۱۱۸۴ - آرزو مشین چی
۱۰۴۱ - عزت کیا احمدی	۱۰۸۸ - زهرا مجد	۱۱۳۵ - نسلا محمودی (دانش آموز)	۱۱۸۵ - عزت مصباح
۱۰۴۲ - نصرت کیا احمدی	۱۰۸۹ - سیمین مجد (مجبر)	۱۱۳۶ - سحر محمدی محمودی	(۱۵ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۳ - زهره کیا نوری	(دانش آموز)	۱۱۳۷ - مهرا سکندر محمودیان	۱۱۸۶ - فاطمه مصباح
۱۰۴۴ - عصمت کیا نی	۱۰۹۰ - مهین مجریبان	۱۱۳۸ - مینا محمودیان	(۱۳ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۵ - کیا نی	۱۰۹۱ - منصوره محبان	۱۱۳۹ - اکرم محسری	۱۱۸۷ - محبوبه مصباح
۱۰۴۶ - مریم کیا نی	(۱۸ ساله، دانشجو)	۱۱۴۰ - سارا محتارزاده	۱۱۸۸ - سهیلا صدق فر
۱۰۴۷ - زهره کیا نی	۱۰۹۲ - فاطمه محبت	۱۱۴۱ - مریم مداحی	۱۱۸۹ - فرنا زمطفوی نوری
۱۰۴۸ - معصومه گلش مرادی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۴۲ - مینا زمداحی	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۱۰۴۹ - هما گرامی	۱۰۹۳ - الهیه محبت فر	۱۱۴۳ - اشرف مدد	۱۱۹۰ - فرشته مصلحی
۱۰۵۰ - سیما گرامی شیرازی	(۱۶ ساله، دانش آموز)	۱۱۴۴ - عزیزه مددیور	(۱۸ ساله، دانش آموز)
۱۰۵۱ - ناهیدگروسی	۱۰۹۴ - اکرم محبوی	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۱۹۱ - سیما مظلئی
۱۰۵۲ - رقیه گلباری	۱۰۹۵ - ناهید محتسبی	۱۱۴۵ - فاطمه مددیور	۱۱۹۲ - جمیله مظاهری
۱۰۵۳ - فرحنا زگلچیان	۱۰۹۶ - نیره محتشمی	۱۱۴۶ - شاهین مدرسی	(۱۶ ساله، دانش آموز)
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۰۹۷ - زکيه محدث	۱۱۴۷ - شهریا نومدرسی	۱۱۹۳ - نسرتین مظاهری
۱۰۵۴ - فریبا گلچیان (دانش آموز)	۱۰۹۸ - عطیه محرر خوانساری	۱۱۴۸ - شهره مدیرثانه چی	۱۱۹۴ - فاطمه مظاهری
۱۰۵۵ - زهرا کله	۱۰۹۹ - طاهره محرر خوانساری	۱۱۴۹ - شیوا مرآت	۱۱۹۵ - افسانه مظفری
(۲۴ ساله، ۴ فرزند، حلق آویز)	۱۱۰۰ - آفاق محسنی	۱۱۵۰ - عزیزه مرادیور	۱۱۹۶ - هما یوندخت مظفری ناسینی
۱۰۵۶ - ویدا کلی آبنکاری	۱۱۰۱ - فرشته محمدی سنا (دانش آموز)	۱۱۵۱ - خیرالنسا مراد رستمی	۱۱۹۷ - ملیحه معاونی
۱۰۵۷ - پروین کلی آبنکاری	۱۱۰۲ - فاطمه محمد حکیمی	۱۱۵۲ - بیوش مرادی	۱۱۹۸ - مهشید معتمد کسوان
۱۰۵۸ - زهره گودرزی	۱۱۰۳ - خالیه محمد خرات	۱۱۵۳ - حاجیه مرادی	۱۱۹۹ - رحمانجهینه معتمدی
۱۰۵۹ - فاطمه گودرزی	۱۱۰۴ - زهرا محمدزاده	۱۱۵۴ - سیمین مرادی	۱۲۰۰ - زهره معتمدی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	(۱۹ ساله، باردار)	۱۱۵۵ - صدیقه مرادی	(۱۷ ساله، دانش آموز)
۱۰۶۰ - گوهر گودرزی	۱۱۰۵ - زهره محمدزاده	۱۱۵۶ - صغری مرادی	۱۲۰۱ - فاطمه معتمدی
۱۰۶۱ - آنا کلاتی گوکلانی (زیر شکنجه)	۱۱۰۶ - زیلا محمدزاده	۱۱۵۷ - مستانه مرادی	۱۲۰۲ - عذرا معتمدی فرد (۱۶ ساله)
۱۰۶۲ - مهزی گوهری سمنی	۱۱۰۷ - فرشته محمدزانی	۱۱۵۸ - معصومه مرادی	۱۲۰۳ - فاطمه معزی
۱۰۶۳ - پروین گیلانی	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۱۵۹ - معصومه مرادی	۱۲۰۴ - سودابه معزی زاده
(۱۷ ساله، دیپلمه)	۱۱۰۸ - منصوره محمد مظاهری	(۱۴ ساله، دانش آموز)	۱۲۰۵ - سودابه معصومی نژاد
۱۰۶۴ - خدیجه لهرستانی	۱۱۰۹ - آذر محمدی	۱۱۶۰ - محبوبه مرتاضی	۱۲۰۶ - صدیقه معظمی (دانش آموز)
۱۰۶۵ - ترانه لطیفیان	۱۱۱۰ - حمیرا محمدی		۱۲۰۷ - مینا زعنوی برست

۱۲۰۸ - شهین مقبلی	۱۲۶۷ - خدیجه مهدوی	۱۳۱۲ - مهنا زنجفی	۱۳۵۹ - اکرم سیک رفتار
۱۲۰۹ - ناهیدمقدار پنهانی	(۵۷ ساله، ۵ فرزند، تیرباران)	۱۳۱۳ - هاله نجفی	۱۳۶۰ - سوزان نیکزاد
۱۲۱۰ - شهین مقدس زاده	۱۲۶۸ - فاطمه مهدوی کرمانی	۱۳۱۴ - نیلوفر نخست	۱۳۶۱ - زهرا واحدی
۱۲۱۱ - زهره مقدم	۱۲۶۹ - منری مهدوی تقی پور	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۳۶۲ - هما واحدی
۱۲۱۲ - پروانه مقربیان	۱۲۷۰ - شهنا زمهیدیان (باردار)	۱۳۱۵ - رویا نژاد کتی	۱۳۶۳ - طاهره واریلی
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۲۷۱ - سهیلا مهدی پور	(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۳۶۴ - سهیلا وثوق
۱۲۱۳ - شاره مقیمی	۱۲۷۲ - فاطمه مهدی زاده	۱۳۱۶ - زهرانژاد ایمانی	۱۳۶۵ - زکیه وحدت نیا
۱۲۱۴ - صدیقه مقیمی	۱۲۷۳ - فریبا مهدی زاده	۱۳۱۷ - اعظم نصیری	۱۳۶۶ - مینا وحید
۱۲۱۵ - ناهید مقیمی	۱۲۷۴ - بهجت مهرآبادی	۱۳۱۸ - زهران نصیری (دانش آموز)	۱۳۶۷ - شهرزاد دوحیدی (۱۷ ساله)
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۲۷۵ - فریبا مهرآبادی	۱۳۱۹ - زهران نصیریان	۱۳۶۸ - صدیقه وحیدبوسفی
۱۲۱۶ - ناهید مقیمی	۱۲۷۶ - مهین مهرابی کنده فر	۱۳۲۰ - رقیه نصیری (۲۷ ساله باردار)	۱۳۶۹ - هما وردکار
۱۲۱۷ - اعظم ملاحعفری	۱۲۷۷ - مریم مهریان (باردار)	۱۳۲۱ - پری نظری	(۵۰ ساله مادر فرزند)
۱۲۱۸ - سوسن ملازاده	۱۲۷۸ - فرح مهریانی نیکو	۱۳۲۲ - زهران نظری	۱۳۷۰ - زری وورکیانی
۱۲۱۹ - پروین ملازینعلی طاری	۱۲۷۹ - فرح مهروانی	۱۳۲۳ - مریم نظری	۱۳۷۱ - رویا وزیری
۱۲۲۰ - فیروزه ملک افتخاری	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۳۲۴ - مهشید نظری	۱۳۷۲ - زهره وزیری
۱۲۲۱ - آمنه ملک افضلی	۱۲۸۰ - فائزه میمنی	۱۳۲۵ - عصمت نظری دوست	۱۳۷۳ - طاهره وزیری
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۲۸۱ - مریم مهین اقبال	۱۳۲۶ - کبیتی نظیری	۱۳۷۴ - نسرتین وسیله ای
۱۲۲۲ - طاهره ملکان	۱۲۸۲ - ناهید میثمی	۱۳۲۷ - عامه نعمتی	۱۳۷۵ - مریم وفا ثی
۱۲۲۳ - الهه ملک زاده	(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۳۲۸ - طاهره نعیمی	۱۳۷۶ - کبیتی وفا ثی (باردار)
۱۲۲۴ - بهجت ملک محمدی	۱۲۸۳ - فریده میثمی آزاد	۱۳۲۹ - لطیفه نعیمی	۱۳۷۷ - فرنوش وکیل زاده
۱۲۲۵ - زهره ملک محمدی (۱۷ ساله)	۱۲۸۴ - طاهره میرا حسان	۱۳۳۰ - طاهره نقدی	۱۳۷۸ - طاهره وکیلی
۱۲۲۶ - ناهید ملک محمدی	۱۲۸۵ - نهیمه میرا حمدی	۱۳۳۱ - کبری نقیبی سادات	(۱۵ ساله دانش آموز)
(۱۷ ساله، دانش آموز)	۱۲۸۶ - مهین میرحبیسی	۱۳۳۲ - زیلا نقی زاده	۱۳۷۹ - صدیقه ولی خانی
۱۲۲۷ - پروین ملکی	۱۲۸۷ - تادره میرخسروی	۱۳۳۳ - کوکب نکبیان	۱۳۸۰ - زهرا هاشمی
۱۱۲۸ - فرشته مناف پور	۱۲۸۸ - سوسن میرزائی	۱۳۳۴ - فتحیه نواب	۱۳۸۱ - شمس هاشمی
۱۱۲۹ - حمیده منافی	۱۲۸۹ - فاطمه میرزائی	۱۳۳۵ - نوا ثی	۱۳۸۲ - منیرا سادات هاشمی
۱۲۳۰ - لادن منتصراسدی	(۱۴ ساله، دانش آموز)	۱۳۳۶ - زهرانوردی (باردار)	۱۳۸۳ - نسترن هدایتی
۱۲۳۱ - رویا منجذب	۱۲۹۰ - فرخنده میرزائی	۱۳۳۷ - فرشته نورایمانی	۱۳۸۴ - نسرتین هدایتی
۱۲۳۲ - مریم منزبیدی (دانش آموز)	۱۲۹۱ - خدیجه میرزائی	۱۳۳۸ - نسرتین نورایمانی	۱۳۸۵ - فرح هدایتی
۱۲۳۳ - سهیلا منصوره نژاد (۱۶ ساله)	۱۲۹۲ - مهین میرجربیان	(۱۵ ساله - خلق آویز)	۱۳۸۶ - منیژه هدایتی
۱۲۳۴ - مهین منفرد	۱۲۹۳ - معصومه میرمحمد	۱۳۳۹ - معصومه نورائی	۱۳۸۷ - سیمین هزبر
۱۲۳۵ - مرضیه منیری	۱۲۹۴ - مهین میرمحمدی	۱۳۴۰ - فرشته نوربخش	۱۳۸۸ - محبوبه هلالی
۱۲۳۶ - مریم مواسات	۱۲۹۵ - ناهید میری چمه	۱۳۴۱ - پروین نوروزی اقدم	۱۳۸۹ - مریم همایون
۱۲۳۷ - رقیه موتا پوررفا ثی	۱۲۹۶ - طاهره میربوسفی	۱۳۴۲ - پروین نوری	۱۳۹۰ - اعظم همتی
۱۲۳۸ - جمیله موسوی	۱۲۹۷ - نرگس میزانی	۱۳۴۳ - حمیله نوری	۱۳۹۱ - مریم همدانی
۱۲۳۹ - فاطمه موسوی	۱۲۹۸ - رقیه نادری	۱۳۴۴ - حدیجه نوری	(۱۵ ساله دانش آموز)
۱۲۴۰ - لیلیا موسوی	۱۲۹۹ - حمیله ناصری	۱۳۴۵ - سیمین نوری	۱۳۹۲ - منیژه همدانی
۱۲۴۱ - موسوی (۵۵ ساله)	۱۳۰۰ - سرورنا صری	۱۳۴۶ - فاطمه نوری	۱۳۹۳ - قدسی هواکشیان
۱۲۴۲ - ناهید موسوی	۱۳۰۱ - مستوره ناصری	۱۳۴۷ - مرصه نوری	۱۳۹۴ - صدیقه هوشیار (دانش آموز)
(۱۸ ساله، دانش آموز)	۱۳۰۲ - عطیه ناصرموضی	۱۳۴۸ - سادره نوری	۱۳۹۵ - مریم یا محمدی
۱۲۴۳ - نزهت موسوی	۱۳۰۳ - ناهیدنا ظمی	۱۳۴۹ - زهره نوری زاده	۱۳۹۶ - سودا بهیا سوج
۱۲۴۴ - نهضت موسوی	۱۳۰۴ - صفانا مداری همت	۱۳۵۰ - سرسب نوری مهریانی	۱۳۹۷ - سهیلا یاورزاده
۱۲۴۵ - سیما موسی بولرمضجانی	۱۳۰۵ - زهراناهیدپور	۱۳۵۱ - سمن نوری نیک	۱۳۹۸ - شهین یزدان دوست
۱۲۴۶ - مزگان موفق	۱۳۰۶ - عفت نبوی	۱۳۵۲ - مریم نیایی	۱۳۹۹ - ویولت یزدانی
۱۲۴۷ - زاله مولائیان	۱۳۰۷ - فرحنا زنجاری	۱۳۵۳ - برنده نیرانی	۱۴۰۰ - مهری یزدیانی
۱۲۴۸ - لیلیا مولوی اردکانی	۱۳۰۸ - مهنا زنجاری	۱۳۵۴ - فاطمه نیری (۱۵ ساله، دانش آموز)	۱۴۰۱ - یکتا ثی
۱۲۴۹ - آذر مومنی	۱۳۰۹ - فاطمه نجانرین	۱۳۵۵ - ساهیدسیری	۱۴۰۲ - ثریا یگانته
۱۲۵۰ - فرخنده مومنی	۱۳۱۰ - فریبا نجفآبادی	۱۳۵۶ - کسی نیک بخت (باردار)	۱۴۰۳ - زهرانیگانه جاهد
۱۲۵۱ - فاطمه مودب	۱۳۱۱ - فرشته نجفی	۱۳۵۷ - سرارده نیکو	۱۴۰۴ - طاهره بیگانه موسوی
۱۲۵۲ - فاطمه مودب		۱۳۵۸ - سوسن سیکخواه	۱۴۰۵ - شهره بلغانی
(۲۱ ساله، دانشجو، باردار)			۱۴۰۶ - مهنا زیوسف زاکان
۱۲۵۳ - پروانه مودنی			۱۴۰۷ - اعظم بوسفی
۱۲۵۴ - سرور مهدوی (دانش آموز)			۱۴۰۸ - زهره بوسفی (۱۸ ساله، دانش آموز)
۱۲۵۵ - سرور مهدوی			۱۴۰۹ - فاطمه بوسفی
۱۲۵۶ - هنده مهدوی			۱۴۱۰ - ماهرخ بوسفی (دانش آموز)
			۱۴۱۱ - فاطمه بوسفی
			۱۴۱۲ - ...

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!